

فهرست

۱	پیشگفتار.....
۲	صلاحیتهای ما
۲	نظرخواهی و فوائد آن
۳	اظهار امتنان
۵	فصل اول.....
۵	میراث نقض حقوق بشر در افغانستان.....
۵	مقدمه
۵	برداشت مردم از حقوق بشر، قربانی شدن، عوامل جنگ و مجرمین
۱۲	برداشت از عدالت و چگونگی رسیدگی به جرایم گذشته
۱۷	نتیجه گیری
۱۸	فصل دوم.....
۱۸	نقش عدالت جزائی در پروسه عدالت انتقالی.....
۲۷	نتیجه گیری
۲۸	فصل سوم.....
۲۸	عدالت انتقالی، مکانیزم های غیرقضایی.....
۲۸	مقدمه
۲۸	رد صلاحیت کاری و عزل (برکناری)
۲۹	جستجوی حقایق
۳۴	پرداخت غرامت
۳۶	نتیجه گیری
۳۷	فصل چهارم.....
۳۷	اقدامات پیشگیرانه: اصلاحات، آشتی و جلوگیری از وقوع مجدد جنایات.....
۳۷	مقدمه
۳۷	نقش اصلاحات اداری
۳۸	نقش آشتی ملی
۴۱	نتیجه گیری
۴۳	فصل پنجم.....
۴۳	تحلیل نتایج مشوره ملی و پیشنهادات:.....
۴۳	مقدمه
۴۸	پیشنهادها
۴۸	پیشنهادهایی برای رئیس جمهور
۴۹	بررسی صلاحیت کاری و عزل از موقف های دولتی
۵۲	زمان بندی اجرائات : عاجل
۵۲	زمان بندی اجرائات : عاجل
۵۵	تطبیق

۵۵	پیشنهادهایی برای سازمان ملل متحد و جامعه جهانی
۵۶	پیشنهادهایی برای جامعه مدنی
۵۶	جمع آوری اسناد
۵۷	مکانیزم حقیقت جویی
۵۷	غرامت و جبران خسارت
۵۷	حمایت از فعالیتهای جامعه مدنی در عرصه عدالت انتقالی
۵۸	ضمیمه ۱.....
۵۸	شیوه تحقیق.....
۵۸	طرح مسئله و آمادگی ها
۵۹	نحوه انتخاب پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان
۵۹	محققین و قالب جلسات گروههای مباحثاتی
۶۰	تحلیل اطلاعات و یافته ها
۶۰	ضمیمه ۲.....
۶۰	پرسشنامه.....
۶۰	مقدمه
۶۵	ضمیمه ۳.....
۶۵	گروه های مباحثاتی.....
۶۵	ورقه توافق (توافقنامه).
۷۰	ضمیمه ۴.....
۷۰	جدول سروی اجرا شده در ولایات کشور.....
۷۱	جدول گروه مباحثاتی.....
۷۳	ضمیمه ۵.....
۷۳	جدول های گروههای مباحثاتی و سروی.....

پیشگفتار

وحدت ملی، محبت و احترام به حیثیت انسانی جای خود را به خشونت، تحجر و تعصب دادند. اکنون افغانستان جایی است که کشتارهای دسته جمعی مردم، فعالان سیاسی و مجاهدینی را به خود دیده که توسط رژیم تحت حمایت شوروی از ۱۳۵۷ الی ۱۳۷۱ هـ ش (۱۹۷۸ تا ۱۹۹۲ میلادی) انجام یافته است. افغانستان به جایی تبدیل شد که مردم آن با قتل عام وسیع غیرنظامیان، تخریب شهرها، هرج و مرج، حاکمیت تفنگ، چور و چپاول، تجاوز جنسی به زنان و کودکان در سرتاسر کشور و به ویژه در شهرهای کندهار، کندز، کابل، مزار و غزنی در جریان جنگهای گروهی میان رهبران مجاهدین از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ هـ ش (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی) مواجه شدند. قتل عام مردم در یکاولنگ و شهر مزار شریف و اهانت به کرامت انسانی مردم به خصوص زنان توسط طالبان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ هـ ش (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی) خاطرات دردآوری است که روان این ملت را برآشفته است.

جنگ و منازعه افغانستان به اساس قوانین بین المللی بشردوستانه (میثاق های ژنیو) یک بحران از نوع داخلی و بین المللی بوده است. نادیده گرفتن و عدم رعایت حاکمیت قانون و عدالت، وجه مشترک دوره های گوناگون این جنگ و بحران محسوب می شود. در نتیجه، کشور با مسئله معافیت مطلق مجرمین از مجازات و تعقیب قضائی روبرو شد و متأسفانه برخی از آنها هنوز بر سر قدرت می باشند و با سوءاستفاده سعی دارند منافع عمومی و روند صلح و حرکت افغانستان را به طرف یک جامعه مردم سالار و باثبات متوقف سازند.

در کنار تشریح مختصر این جنایات، ما در این گزارش سعی کرده ایم تا اقدامات اخیر نهادها و موسسات بین المللی را در زمینه مستندسازی تخطی های حقوق بشر بررسی نماییم. به طور مثال "کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر" گزارشی را در مورد میزان، چگونگی، عاملین و عمق جنایات در افغانستان، منتشر کرده است. این گزارش می تواند به عنوان منبعی برای اتخاذ اقدامات بیشتر به منظور توجید و تنظیم معلومات و اطلاعات در مورد نقض حقوق بشر و جنایات گذشته به کار رود. قرار است یک گزارش مهم دیگر توسط دست اندرکاران "پروژه عدالت افغانستان" در مورد جنایات گذشته که نتیجه پژوهش ها و تحقیقات دست اول مبنی بر

افغانستان کشوریست که در جهت تامین دموکراسی، صلح و ثبات مبارزه می کند و اولین گام ها را در زمینه اساس گذاری یک دولت باثبات و دموکراتیک مبتنی بر عدالت اجتماعی و اصول حقوق بشری، برمی دارد.

بدین منظور افغانستان باید بر میراث جنایات ضدبشری دولت های گذشته، مقامات سرکوبگر، گروه ها و افراد مسلحی که در طول دو و نیم دهه اخیر مرتکب آن گردیده اند، فائق آید. افغانستان کشوری است که با بیش از ۲۰ سال نقض حقوق بشر، خشونت، بی عدالتی، تخریب مادی و معنوی اکثر نقاط کشور و تضعیف ارزشهای اجتماعی و فرهنگی روبرو بوده است. کشور ما شاهد بمباران گسترده مناطق مسکونی، بازداشت خودسرانه و قتل های غیرقانونی زندانیان، شکنجه، تجاوز جنسی علیه زنان و کودکان، غارت دارایی های عمومی و خصوصی، لادرکی وسیع و قتل عام بوده که سایه تاریکی را بر روح و روان این ملت انداخته است.

بیش از یک میلیون انسان، جان خود را از دست داده و به همین تعداد بر اثر انفجار ماین های ضدپرسونل، بمباران های بی هدف و حملات راکتی نیروهای شوروی سابق و رژیم تحت حمایت آن، گروههای مسلح غیرمسئول و مجاهدین، معلول شده اند. هزاران نفر به دلیل عقاید سیاسی شان روانه زندان شده و متعاقباً مورد شکنجه قرار گرفته اند. هزاران کودک، پدران و اعضای خانواده خویش را از دست داده اند. جاده های افغانستان مملو از کودکان یتیمی است که برای زنده ماندن، مجبور به گدایی هستند. تقریباً تمام شهرهای بزرگ کشور، ویران گردیده اند. اراضی زراعتی سوزانده شده و در نتیجه، زراعت از بین رفته است. بیش از شش میلیون نفر مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و برای پناه جستن راهی کشورهای ایران و پاکستان شده اند. قلم از شرح مصائب و مشکلات مردم در دوران جنگهای داخلی افغانستان ناتوان است. این دردها تنها زمانی احساس می شوند که به گریه بیوه زنان، ایتم و سایر قربانیان گوش داده شود.

در نتیجه جنگ، افغانستان از یک کشور باثبات و آرام به یک کشور بی ثبات و ناآرام تبدیل شد که نهادهای دولتی آن از هم پاشیده و ساختارهای اجتماعی آن شدیداً صدمه دیدند. افغانستان به کشوری مبدل شد که در آن ارزشهایی همچون

مشاهدات شاهدان عینی است، تهیه و منتشر شود. همچنین "سازمان نظارت بر حقوق بشر" تحقیقاتی را درخصوص تخطی های حقوق بشر در جریان جنگ و مسئولین آن تهیه نموده است.

در افغانستان تا امروز به موارد جدی نقض حقوق بشر رسیدگی صورت نگرفته و مسئله عدالت همچنان پوشیده باقی مانده است. این گزارش سعی دارد تا افکار مردم افغانستان را درخصوص رسیدگی یا عدم رسیدگی به گذشته و چگونگی این رسیدگی به جنایات ضدبشری، جنایات جنگی و موارد نقض جدی حقوق بشر انعکاس دهد. گزینه های این نظرخواهی از تنوع خاصی برخوردار بود و مردم قادر بودند تا انتخاب مورد علاقه خود را انجام دهند. در نتیجه ی فقدان عدالت و عدم حمایت از حقوق مردم، اکثریت اشتراک کنندگان نسبت به ادارات عامه "دولتی" بی اعتماد بودند و آرزو داشتند تا روزی به دردها و مصائب آنها رسیدگی شود.

صلاحیتهای ما

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان براساس ماده ۶ موافقتنامه بن تأسیس شده و رسیدگی به جرایم ضدبشری و جرایم جنگی در گذشته و مسئله عدالت انتقالی از جمله مسئولیت های اولیه این کمیسیون در اولین ورکشاپ ملی حقوق بشر که توسط کمیساری عالی حقوق بشر بتاريخ ۹ مارچ ۲۰۰۲ دایر گردید، شناخته شد^۱ در این رویداد تاریخی، نمایندگان جامعه مدنی، بزرگان و دولتمردان بار بار بر لزوم طرح مکانیزم هایی برای رسیدگی به جنایات گذشته در افغانستان تأکید نمودند. جلالتمآب حامد کرزی، رئیس وقت اداره مؤقت افغانستان، در سخنرانی افتتاحیه ورکشاپ اعلام کرد:

«موضوع مهم دیگری که باید سر آن ملاحظه شود، مسئله رسیدگی به جرایم ضدبشری در گذشته می باشد. من گفته نمی توانم که آیا اداره موقت صلاحیت کامل رسیدگی به این مسئله را دارد یا نه؛ اما امید دارم که حکومت انتخابی لویه جرگه، صلاحیت ایجاد یک مکانیزم حقیقت یابی را داشته باشد تا عدالت برای مردم تأمین شود. گورهای دسته جمعی یی پیدا

شده که در آن صدها نفر به خاک سپرده شده، خانه ها در داده شده و کارهای بسیار ظالمانه دیگر صورت گرفته اند».

در پی این ورکشاپ، رئیس اداره انتقالی با صدور حکمی، صلاحیتهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تعیین کرد. براساس این فرمان، کمیسیون «صلاحیت دارد تا نظرخواهی ملی را اجرا کرده و استراتژی ملی عدالت انتقالی و رسیدگی به جرایم گذشته را پیشنهاد کند» این گزارش پیامد این نظرخواهی ملی است.

ما در جریان این نظرخواهی متوجه شدیم که بیانیه افتتاحیه ی آقای کرزی در اولین ورکشاپ ملی حقوق بشر، انعکاس دهنده خواست و آرزوی مردم برای تأمین عدالت است. پیشنهاداتی که ضمیمه نتیجه گیریهای این گزارش شده است، ارتباط نزدیکی با نتایج نظرخواهی دارد. کمیسیون بر این باور است که تمام راهها برای تأمین عدالت و التیام دردهای مردم باید بر اراده و خواست مردم استوار باشد. لهذا کمیسیون در تهیه استراتژی ملی برای رسیدگی به جنایات گذشته به آراء و افکار مردم مراجعه کرده و مشوره و نظر خواهی ملی را برگزار نمود.

نظرخواهی و فواید آن

این نظرخواهی با برگزاری یک سلسله جلسات با گروههای جامعه مدنی در نقاط متفاوت کشور آغاز گردید^۲ به تعقیب آن، برنامه یک نظرخواهی وسیع ملی طراحی شد. این برنامه شامل دو قسمت بود: ۱ - تطبیق یک نظرسنجی به منظور دریافت اطلاعات کمی و تشخیص اولویتهای ۲ - تشکیل گروههای مباحثاتی به منظور دریافت اطلاعات کیفی و تشخیص برداشتها. کمیسیون از شیوه تحقیقات علوم اجتماعی استفاده کرده و هدف کلی این گزارش، بازتاب واقعینانه پیامدهای این نظرخواهی است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، این نظرخواهی را در ۳۲ ولایت^۳ از مجموع ۳۴ ولایت افغانستان و در میان مهاجرین مقیم پاکستان و ایران انجام داده است. در مجموع، ۴۱۵۱ نفر (۳۴۵۱ نفر در داخل کشور و حدوداً ۴۰۰ مهاجر در

² بزرگان محلی، رهبران مذهبی، نویسندگان، گروههای مدافع زنان، شاگردان، شوراهای محلی و شماری از مؤسسات امور بشردوستانه در این جلسات مشارکت کرده بودند.

³ هنگام برنامه ریزی این نظرخواهی، پنجشیر و دایکندی به عنوان ولایات جداگانه تعیین نشده بودند. با این هم، این نظرخواهی در ولایات پروان و ارزگان که شامل مناطق نامبرده در این نظر خواهی می شوند، انجام شده است.

¹ خانم ماری رابینسون، کمیشنر وقت حقوق بشر سازمان ملل متحد، شخصاً در این ورکشاپ یک روزه اشتراک ورزید. فعالان حقوق بشر، گروههای جامعه مدنی، بزرگان محلی، رهبران مذهبی، اعضای کمیسیون لویه جرگه اضطراری و فعالان آکادمیک از جمله شرکت کنندگان این ورکشاپ بودند.

برای مردم افغانستان دانستند و اضافه کردند که از زمان امان الله خان به بعد، هیچ شخص دیگری با مردم در خصوص مسائل حاد ملی مشورت نکرده است. بنابراین ما فکر می کنیم که نظرخواهی ملی یک حس مالکیت و چانس بی سابقه را برای اظهار نظر قربانیان جنگ بوجود آورد. این خود به اعاده اعتماد و کرامت انسانی آنها کمک خواهد کرد؛ زیرا در سه دهه گذشته اکثر انکشافات در افغانستان، تحمیلی و بر ضد اراده مردم بوده است.

ما امیدواریم که این گزارش بتواند دیدگاه ها و نظرات شرکت کنندگان این نظرخواهی را تشریح نموده و به رفع چالشهای ثبات، امنیت و عدالت در افغانستان کمک کند. امید است که این کار در شفای دردهای ملت ما که در جریان ۳۰ سال گذشته صدمه دیده است استقرار حاکمیت قانون و خاتمه فرهنگ معافیت مجرمین از تعقیب قضائی در کشور ما افغانستان که برخی از آنها هنوز از آن بهره برداری می کنند، مؤثر باشد.

اظهار امتنان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از تمام شرکت کنندگان این نظرخواهی که با در نظر داشت وضع امنیتی نامناسب، نظرات خود را با ما در میان گذاشته اند، اظهار سپاس می نماید. بر علاوه، کمیسیون از کلیه کارکنان و محققین خود که متعهدانه، صبورانه و سخت کوشانه در جهت پیشبرد این نظرخواهی کار کرده اند، سپاسگزاری می کند. اجرای این نظرخواهی بدون شجاعت آنها در قبول خطرات احتمالی این پروژه ناممکن می بود.

این نظرخواهی توسط کمیشنر احمد نادر (نادری) عضو مسئول عدالت انتقالی در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، هدایت و سرپرستی شده است.

سؤالنامه و راهنمای برگزاری گروههای مباحثاتی توسط ۱۶ کارمند کمیسیون از کلیه دفاتر آن و به همکاری (مرکز بین المللی عدالت انتقالی) تهیه شده است. کمیسیون از مرکز بین المللی عدالت انتقالی به دلیل حمایت فنی دوامدار آنها از این پروژه، اظهار امتنان می نماید.

بانک (ذخیره) معلومات و تحلیل کمپیوتری اطلاعات و معلومات توسط نادر کُهرزاد کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و سردار ولی بخش حمایت تکنیکی کمیساری عالی ملل متحد برای مهاجرین تهیه شده است.

(۳۴۵۱) نفر در داخل کشور و حدوداً ۴۰۰ مهاجر در پاکستان و ۳۰۰ مهاجر در ایران) در نظرخواهی شرکت نموده اند. این اشخاص در سراسر گزارش، «پاسخ دهندگان» نامیده شده اند. همچنین، این نظرخواهی به منظور انعکاس خواستههای واقعی مردم در سطح ولسوالی و حتی در برخی موارد در سطح قریه جات انجام شده است. تقریباً ۲۱۱ گروه مباحثاتی در سرتاسر کشور از ماه جدی ۱۳۸۲ (جنوری ۲۰۰۴) تا اسد سال ۱۳۸۳ (اگست ۲۰۰۴) برگزار شد و مجموعاً ۲۳۰۰ نفر در آن اشتراک کردند. این اشخاص در سراسر گزارش، «اشتراک کنندگان» نامیده شده اند. این رقم از اشتراک کنندگان و پاسخ دهندگان در همچو مشوره های ملی، بالاتر از معیاری است که اکثراً در همچو تحقیقات از آن استفاده صورت می گیرد. مراکز تحقیقاتی اجتماعی با اعتبار دنیا، برای تحقیقات نمونه ای تعدادی به مراتب کمتر از این رقم را تحت پوشش قرار می دهند و از لحاظ علمی یافته های آنها از صحت کامل برخوردار می باشد. از همین رو ما می توانیم ادعا نمائیم که نظرات مردم را بطور معتبر و موثق منعکس می سازیم.

برای دریافت اطلاعات مزید در خصوص شیوه تحقیق از قبیل روند انتخاب مصاحبه شوندگان و تحلیل معلومات داده شده، به ضمیمه «شیوه تحقیق» این گزارش نگاه کنید.

این نظرخواهی در اوضاع امنیتی نامناسبی صورت گرفته است. در یک مورد، محققین ما بتاريخ ۲۷ جولای، در جنگ میان والی و قوماندان قول اردوی ولایت غور گرفتار شدند. در مورد دیگر، محققین ما در مسیر راه ولسوالی جاغوری ولایت غزنی در کمین نیروهای مسلح افتاده و به آنها حمله غافلگیرانه صورت گرفته و به طرف موتر حامل آنها فیر نیز صورت گرفت. با وجود این مسائل و مشکلات امنیتی، مردم ما علاقمند شرکت در این روند بودند و از آن حمایت می کردند.

در جلسات گروههای مباحثاتی مردم به گونه باورنکردنی مایل به بررسی مسائل بودند. مردم از این که نظرات آنها جستجو می شد، سپاسگزاری می کردند. یک مرد از ولسوالی سالنگ ولایت پروان که اندکی احساساتی شده بود، در پاسخ به سؤال ما اظهار داشت: «حالا من احساس می کنم که بخشی از این جامعه هستم. تا حال هیچ کسی از من درباره تصمیم های مهم مملکت پرسان نکرده است».

یک مرد از کندهار، یادآور شد: «تا حال کسی از ما پرسان نکرده که شما، قربانیان، چه می خواهید؟ آیا می خواهید انتقام بگیرید؟ خانه می خواهید؟ و یا این که غذا می خواهید؟».

در یکی از گروههای مباحثاتی در ولسوالی دامان ولایت قندهار اشتراک کنندگان، این نظرخواهی را یک فرصت فوق العاده

فصل اول

میراث نقض حقوق بشر در افغانستان

مقدمه

۲۳ سال جنگ و درگیری شدید در افغانستان به تخریب شهرها و دهات، زیربنای اقتصادی کشور و زندگی سیاسی و اجتماعی مردم انجامیده است. وسعت و ماهیت تخطی‌ها در جریان جنگ افغانستان توسط سایر سازمانها و موسسات حقوق بشری مستند ساخته شده است. این گزارش سعی ندارد تا موارد نقض حقوق بشر در گذشته را جمع‌آوری و ثبت نماید؛ بلکه در این گزارش کوشش شده است تا برداشت پاسخ‌دهندگان و اشتراک‌کنندگان برنامه نظرخواهی ملی در خصوص جنگ، عواقب جنگ و عوامل آن انعکاس داده شود.

یک رشته سوالات باز (آزاد) از اشتراک‌کنندگان گروههای مباحثاتی درباره برداشت آنها از حقوق بشر، موارد نقض حقوق بشری آنها و برداشت آنها از عدالت پرسیده شد. این در حالی است که از پاسخ‌دهندگان نظرخواهی یک سلسله سوالات هدفمند در مورد سیاست عدالت انتقالی (رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، جنایات جنگی و جرایم علیه بشریت که در گذشته واقع شده) پرسیده شد که در فصلهای آینده به بررسی گرفته شده است. کمیسیون بر این نظر است که انعکاس برداشت و طرز تفکر مردم ما از حقوق بشر و عدالت به عبارت خودشان، حائز اهمیت بسیار است.

(در سراسر این گزارش، به پاسخ‌دهندگان نظرخواهی به حیث «پاسخ‌دهندگان» و به اشتراک‌کنندگان جلسات گروههای مباحثاتی به حیث «اشتراک‌کنندگان» اشاره شده است).

برداشت مردم از حقوق بشر، قربانی شدن، عوامل جنگ و مجرمین

الف برداشت مردم از حقوق بشر

اشتراک‌کنندگان درخصوص حقوق بشر «احساس عمیقی» را نشان دادند و آن را به عنوان حقوق خدادادی برای زندگی در اجتماع، برخورداری و بهره‌مندی از آزادی و برابری تعریف کردند. اشتراک‌کنندگان گروههای مباحثاتی حق زندگی و اجزای ضروری آن یعنی خوراک، مسکن، پوشاک و مراقبت صحی، حق امنیت و عدالت، حق کار، حق آزادی بیان، برابری قومی، مذهبی و جنسی، حقوق سیاسی مثلاً حق شرکت در انتخابات آزاد و عادلانه، برخی از حقوق اسلامی و حق تعلیم و تربیه را از جمله حقوق اساسی نامیدند.^۴

اکثریت افغانها، حقوق بشر را به حیث حقوقی که خدا به انسان داده است و توسط اسلام حمایت می‌شود، تعریف کردند.

«حقوق بشر یعنی استقرار عدالت واقعی اسلامی» یک اشتراک‌کننده.

«حقوق بشر یعنی حقوقی که خدا در چهارچوب قوانین اسلامی به انسان داده است. این حقوق بر اصول برابری و احترام متقابل استوار است» یک محصل از پوهنتون ننگرهار.

یک تعداد از اشتراک‌کنندگان، کرامت و برابری را برای تحقق حقوق بشر ضروری دانستند.

^۴ در تحلیل ۵۰ گروه مباحثاتی، این‌ها حقوقی بودند که مکرراً توسط اشتراک‌کنندگان ذکر شده بودند.

«حقوق بشر یعنی حقوق اقلیتها، زنها و اطفال» یک مرد از غزنی.

«حقوق بشر یعنی احترام به شرافت و حیثیت افراد» یک مرد از لوگر.

برخی دیگر از افراد خاطرنشان کردند که بعضاً نقض حقوق یک فرد به نقض حقوق یک جمع منجر شده است. آنها به این فرد شعر اشاره کردند که: «چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار».

بخش دیگری از آنها بر اهمیت حقوق اجتماعی و اقتصادی تأکید کردند.

«حقوق بشر یعنی خدمت به مردم، حقوق بشر یعنی سواد، حقوق بشر یعنی خوب کردن وضع اقتصادی مردم و ایجاد کار» یک زن از جلال آباد.

«حقوق بشر یعنی حق تعلیم و تربیه، یعنی حقوق زنها، یعنی حقوق عوام، یعنی حقوق حکومت بر مردم و حقوق مردم بر حکومت» یک مرد از پکتیا.

اگرچه مردم وسیعاً با حقوق خود آشنا بودند، لکن آشکار بود حقوق آنها فدای مقاماتی شده بود که وظیفه حمایت از حقوق مردم را عهده دار بوده اند^۵ بخش بزرگی از مردم آروز داشتند که از آنها در برابر سؤاستفاده مقامات از قدرت حمایت گردد. این در حالیست که گروه دیگری از مردم اظهار داشتند که:

«در افغانستان، کسی از حقوق بشر چیزی نمی داند. هیچ کس اختیار زندگی، خانه و ناموس خود را نداشته است» یک زن از کندهار.

«حقوق بشر چیست؟ شما درباره چیزی گپ می زنید که هیچ وجود ندارد» یک مرد از هرات.

ب میزان بی رحمی ها در افغانستان

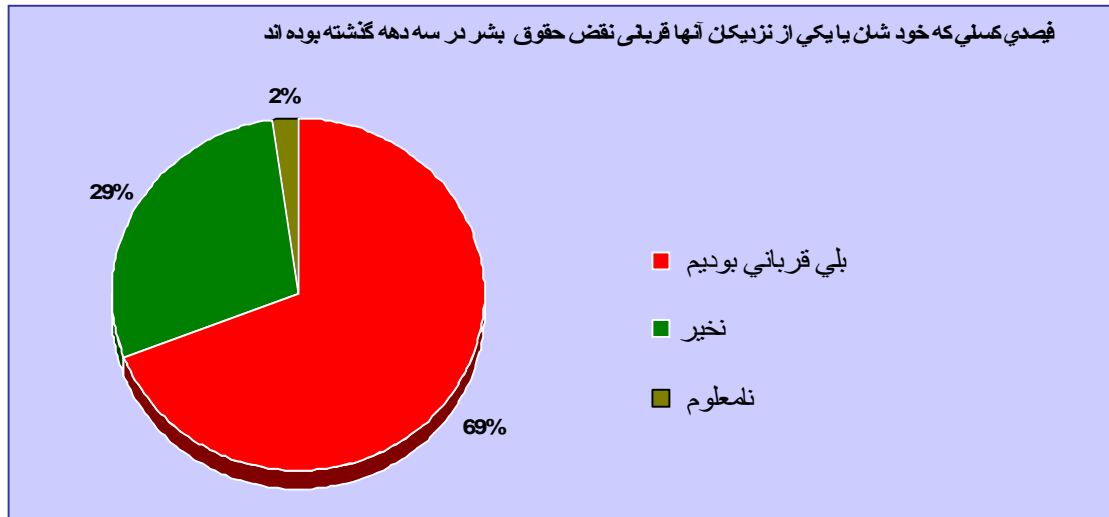
«هر کسی که به قدرت رسید، بی عدالتی کرد. کشتار، چور و چپاول، غصب املاک مردم، تجاوز جنسی، بمباران خانه های ملکی، تخریب زمینهای زراعتی و باغها و مهاجرتهای اجباری از جمله تخطی هایی است که در گذشته در این مملکت اتفاق افتاده است» یک مرد از هلمند.

«مردم از لحاظ جسمی و روحی صدمه دیده اند. صدمات جسمی همین است که مردم فامیل و خانه خود را از دست داده و از تعلیم و تربیه محروم مانده اند؛ اما صدمات روحی جدی تر از این صدمات بوده و روح و روان ما را آشفته ساخته است. بسیاری مردم عقل خود را در نتیجه تجاوزات جنسی از دست داده اند» یک زن از پروان.

اعمال بی رحمانه ای که در افغانستان انجام شده است، بسیار وسیع است و قربانیانی که مردم افغانستان در نتیجه این بی رحمی ها داده اند، از گستردگی و عمق زیادی برخوردار می باشد. در ارتباط با این سؤال که آیا شخصاً از تخطی های حقوق بشر در جریان جنگ متأثر شده اید، ۶۹ فیصد از مجموع (۴۱۵۱) پاسخ دهنده تصریح کردند که خود آنها یا اعضای فامیل شان، قربانی مستقیم جرایم جنگی در جریان ۲۳ سال گذشته بوده اند.^۶ از مجموع بیش از (۲۰۰۰) اشتراک کننده در مباحثات گروهی، افزون بر (۵۰۰) تن از اشتراک کنندگان در این گروهها، به کشته شدن اعضای فامیل و نزدیکان خود اشاره کردند. تقریباً (۴۰۰) تن از اشتراک کنندگان در گروههای مباحثاتی، خود یا اقاربشان مورد شکنجه و بازداشت قرار گرفته بودند. این آمار و ارقام تکانهنده است و تقریباً با سایر بحران ها در هیچ کجای جهان قابل مقایسه نیست.

۵ اگرچه برخی از افراد درباره عدم وجود حمایت در صورت نقض حقوق شکایت کردند، اما بعضی دیگر از اشخاص مفهوم حقوق بشر را با سازمانهای مدافع حقوق بشر اشتباه گرفته بودند. یک زن از بامیان در این ارتباط یادآور شد: «حقوق بشر یک مؤسسه مستقل است که از حقوق سیاسی مردم دفاع می کند و دموکراسی و آزادی را تأمین می نماید».

۶ هدف از ذکر این ارقام، انعکاس تخطی هایی - که احتمالاً روی داده است - نمی باشد؛ بلکه هدف آن، اشاره به درجه ای از قربانی شدن است که پاسخ دهندگان نظرخواهی و اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی در سخنان خود، از آن یاد کرده اند. ولایاتی نظیر کابل، کنر، فراه، لغمان و پروان و مهاجرین افغان در ایران، در سطح بالاتری (تقریباً ۵۰ فیصد) از حدواسط ملی قرار داشتند. در رابطه با این که آیا خود پاسخ دهندگان یا اعضای خانواده شان شخصاً از جرایم جنگی متأثر شده اند، سه ولایت بامیان، هلمند و زابل دارای ارقام پایین تر از حدواسط ملی بودند. ۱۵ فیصد پاسخ دهندگان در هلمند و ۲۹ فیصد آنها در زابل و به ترتیب ۲۹، ۴۵ و ۵۴ فیصد از اعضای خانواده آنها به طور مستقیم از جرایم جنگی متأثر شده بودند.



اکثريت اشتراک کنندگان در جلسات گروههای مباحثاتی، ظلم و بيداد شديدی را متحمل شده بودند

«در اثر بمباران های هوایی شوروی، ۱۸ نفر جان خود را در زیر خرابه های خانه از دست دادند. یکی از آنها یک مادر بود که به طفل خود شیر می داد» یک زن از استالف.

«ما شاهد قتلهای زیادی در منطقه مان در ۲۵ سال گذشته بوده ایم. خانه های مردم ویران شد، زمینهای مردم به زور گرفته شد، جوانها کشته شدند، زورمندها زنهای مردم را به زور گرفتند، به ناموس مردم تجاوز شد، اموال مردم چور شد، مردم را شکنجه و حبس کردند، قتل عام ها شد، مردم را زنده به گور کردند و مردم زیادی لادرک شدند» یک مرد از ولایت غور.

«شب که دخترهای ما خواب می کردند، ما مجبور بودیم شب را تا صبح برای مراقبت از آنها بيدار بمانیم که مبادا کسی به آنها آسیب برساند» یک زن از کابل.

«چهل نفر از نزدیکان ما را در کانتینر حبس کردند. به سر ما میخ می کوبیدند. همین بود که ۳۷ نفر به خاطر صدمات، جان خود را از دست دادند» یک مرد از بگرام.

«در بدخشان یک قوماندان، زن یک نفر دیگر را به زور به خود گرفت» یک زن از بدخشان.

«دو نفر از اعضای خانواده ما را در زمان امین و کارمل به دار آویزان کردند. حتی جسد آنها را به ما ندادند» یک مرد از کابل.

«پدر ما ناتوان بود و خواهر خورد ما ۹ ساله بود. در زمان طالبان، یک تعداد افراد به خانه ما حمله کردند و خواهر خورد ما را به زور بردند. از آن زمان چهار سال می گذرد و تاکنون ما خواهر خود را ندیده ایم» یک زن از بامیان.

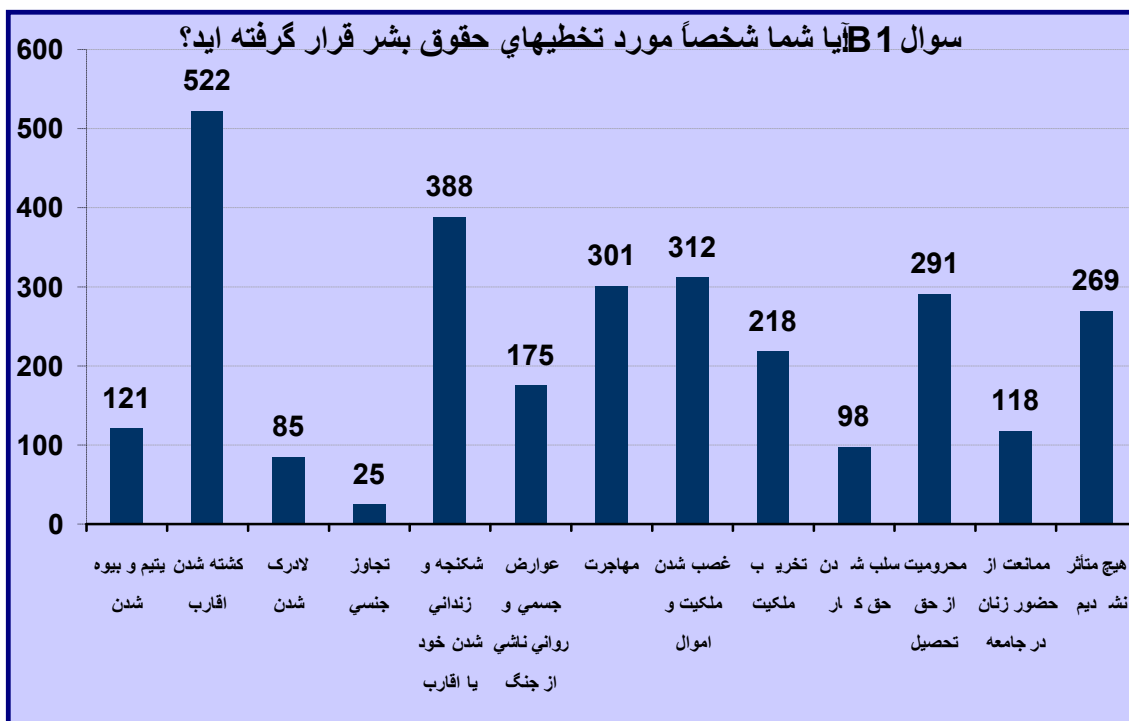
«طالبان، زنها را زنده به گور، سنگسار و به دار آویزان می کردند» یک زن از جوزجان.

سایر اشتراک کنندگان به موارد نقض حقوق اجتماعی و اقتصادی اشاره کردند که به ویرانی کلی کشور و فرصتهای از دست رفته منتج شده است.

«در جریان جنگها، ما مجبور به مهاجرت شدیم. ما نتوانستیم تعلیم و تربیه را در خارج تعقیب کنیم. حالا به جای این که ما در پوهنتون درس بخوانیم، به کورسهای سوادآموزی می رویم» یک زن از لغمان.

«مشکل بزرگ ما این است که اطفال ما منطق جنگ را یاد گرفته اند» یک مرد از بدخشان.

جدول زیر نشانگر تعداد موارد نقض حقوق بشری است که اشتراک کنندگان در جلسات گروههای مباحثاتی آنها را یادآور شدند و اعداد سمت چپ دفعات وقوع موارد نقض را نشان می دهد.



اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی معتقد بودند که روند تخطی ها از کنفرانس بن تاکنون نیز ادامه داشته و شمار زیادی از آنها اظهار داشتند که با تخطی های جدیدی روبرو شده اند:

«یک قوماندان زمین مرا به زور گرفت و حالا بر روی آن خانه ساخته است» یک مرد از بگرام.

«حق آزادی بیان ما اول در زمان کمونیستها گرفته شد و حالا امروز هم ما نمی توانیم آزادانه گپ بزنیم». یک زن از هرات.^۷

در مجموع، ۲۳ سال جنگ افغانستان به سه دوره قابل تقسیم می باشد:

(۱) دوره تجاوز شوروی و حکومت کمونیستها از ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ (۱۹۷۸ تا ۱۹۹۱ میلادی)؛

(۲) دوره حکومت مجاهدین از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ (۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ میلادی)؛

(۳) دوره حکومت طالبان از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی)؛

دوره چهارم یعنی از زمان سقوط حکومت طالبان تا حال را می توان «دوره پس از موافقتنامه بن» نامگذاری کرد. اگرچه دست اندرکاران نظرخواهی سؤالاتی را درخصوص این دوره مطرح نکردند؛ اما اشتراک کنندگان در گروههای مباحثاتی به تخطی های جدیدی اشاره کردند که در این دوره به وقوع پیوسته است.^۸

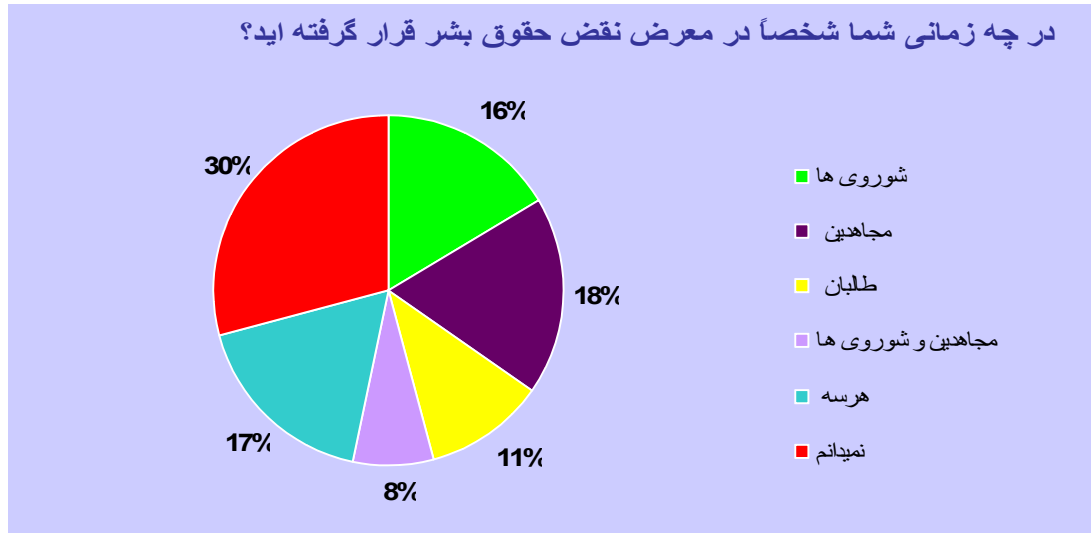
اکثر پاسخ دهندگان بر این نظر بودند که حقوق آنها به طور تقریباً برابر در جریان جنگها نقض شده است. هیچ دوره به عنوان بدترین دوره از دوره دیگر توسط آنها مشخص نشد. در مجموع، مردان معتقد بودند که حقوق شان بیشتر از زنان در زمان شوروی و کمونیستها نقض شده است و این در حالی است که زنان اعتقاد داشتند که حقوق شان بیشتر از مردان در زمان مجاهدین پامال شده است.^۹ با وجود

⁷ جلسات مباحثاتی در هرات پیش از برکناری اسماعیل خان از سمت والی آن ولایت، برگزار شده بود.

⁸ در نظرخواهی، سؤالاتی درباره این دوره از افراد پرسیده نشده بود. تنها در جریان جلسات گروههای مباحثاتی، شکایاتی مبنی بر تخطی از حقوق بشر در این دوره توسط اشتراک کنندگان مطرح شد.

⁹ هفده فیصد از پاسخ دهندگان مرد در مقایسه با ۹ فیصد از پاسخ دهندگان زن، یادآور تخطی در زمان شوروی و کمونیستها شدند. در حالیکه، شمار بسیار زیادی از زنان یادآور تخطی در زمان حکومت مجاهدین شدند. ۲۱ فیصد از پاسخ دهندگان زن در مقایسه با ۱۶ فیصد از پاسخ دهندگان مرد، اظهار داشتند که تخطی ها را تجربه کرده اند. یک مرد

این، مردان و زنان فیصدی یکسانی را از تخطی‌ها در جریان حکومت طالبان گزارش دادند. تقریباً، ۳۰ فیصد از آنها قادر نبودند دوره‌ای را تثبیت نمایند که تخطی علیه آنها انجام نشده است. از همین رو، کمیسیون نتیجه می‌گیرد که قربانیان، قطع نظر از کسانی که حکومت را در دست داشتند، شاهد یک مدت طولانی و بی‌وقفه از تخطی بوده‌اند.



به نظر می‌رسد که رژیم‌های نو، تخطی‌های جدیدی را به وجود آورده‌اند. به طور مثال در یکی از گروه‌های مباحثاتی که در پروان برگزار شد، چهار اشتراک‌کننده به نوبت درباره حوادثی که بر پدران شان اتفاق افتاده بود، صحبت کردند. فرد اول داستان حبس غیرقانونی پدرش در زمان کمونیستها را حکایت کرد و فرد دوم از ضرب و شتم پدرش توسط یک فرمانده محلی در زمان حکومت مجاهدین یاد کرد. پدر فرد سوم در اثر لت و کوب طالبان جان خود را از دست داده بود و پدر فرد چهارم از سوی قوای ائتلاف ضد تروریسم بازداشت و به پایگاه هوایی بگرام انتقال داده شده و تاکنون خانواده فرد مذکور موفق به دیدار او نشده است. گرچه عوامل و مرتکبین این تخطی‌ها متفاوت بوده‌اند؛ اما تمام این اشتراک‌کنندگان با تخطی‌های یکسان حقوق بشر مواجه شده‌اند.

ج عوامل جنگ و مجرمین احتمالی

برداشت عمومی این است، افرادی که در قدرت بوده‌اند تخطی‌ها را انجام داده، از قدرت سؤاستفاده کرده و حقوق مردمان عادی را آشکارا نقض کرده‌اند.

«اولاً حکومتها مسئول هستند؛ به این دلیل که آنها زمینه را برای تخطی از حقوق بشر مهیا ساختند» یکی از اشتراک‌کنندگان.

یک زن از وردک یادآور شد: «ما از تمام کسانی که قدرت را به دست داشته‌اند، بیزار هستیم».

برخی از افراد در گروه‌های مباحثاتی ذکر کردند که قدرتهای دولتی از طریق وابستگان محلی خود تخطی‌ها را در مناطق دورافتاده مرتکب شده‌اند، بنابر این هردو باید مسئول اعمال گذشته خود باشند.¹⁰

اشتراک‌کننده‌ای در گروه مباحثاتی که در کندز برگزار شده بود، گفت: «به خاطر همین قوماندانها بود که همشیره‌های ما خود را در دریاها غرق کردند و از بالای بام به پائین انداختند. با حیثیت آنها بازی شد. حالا همین‌ها، پستهای مهم دولتی دارند و خود را برای انتخابات هم کاندید کرده‌اند». در یک مورد نادر و کمیاب، یک زن کابلی خاطرنشان ساخت: «عساکر جنبش من و سه دخترم را گرفتار نموده و هفت نای آنها به ما تجاوز جنسی کردند».

برای مثال، در جریان حکومت کمونیستها، خدمات اطلاعات دولتی، یک شبکه از جاسوسان را تا سطح دهات ایجاد کرده بود.

10

در حدود ۶۳ فیصد از پاسخ دهندگان نظرخواهی عقیده داشتند که جنگ افغانستان اصولاً قومی نبوده است؛ بلکه قوماندانان (قدرتهای خارجی به شمول ایران و پاکستان) به مسائل قومی دامن زده اند.^{۱۱} سایر عوامل بروز جنگ که در جریان جلسات گروههای مباحثاتی شناسایی شده اند، شامل استفاده سوء از جهاد، فقدان معارف اساسی و بیسوادی مردم افغانستان می باشد که قدرتهای داخلی و خارجی از آن برای جنگ بهره برداری کرده اند.

مجرمینی که از دوره حکومت کمونیستهای تحت الحمايه دولت شوروی و نیروهای اشغالگر این کشور شناسایی شدند، شامل احزاب خلق و پرچم، منسوبین خاد و منسوبین اردوی شوروی می باشند. اکثر مردم درخصوص ظلم و ستمهای طالبان به تفصیل صحبت کردند. بسیاری از احزاب و رهبران مجاهدین هم به عنوان مسئولین تخطی از حقوق بشر پنداشته شدند.^{۱۲} اشتراک کنندگان همچنین تأکید کردند که این رهبران به طور گسترده و علنی به حیث تخطی کنندگان حقوق بشری شناخته شده اند و (۱) تا امروز در صحنه قدرت حضور دارند (۱).

«پایمال شدن حق مردم در افغانستان ادامه دارد. همین حالا ما شاهد محابس شخصی هستیم. جنایتکارها هنوز بر سر قدرت هستند» یک مرد از جلال آباد.

«امروز، همان جنایتکارهای جنگی بر مردم حکومت می کنند و امور دولتی را در دست دارند» یک مرد از زابل.

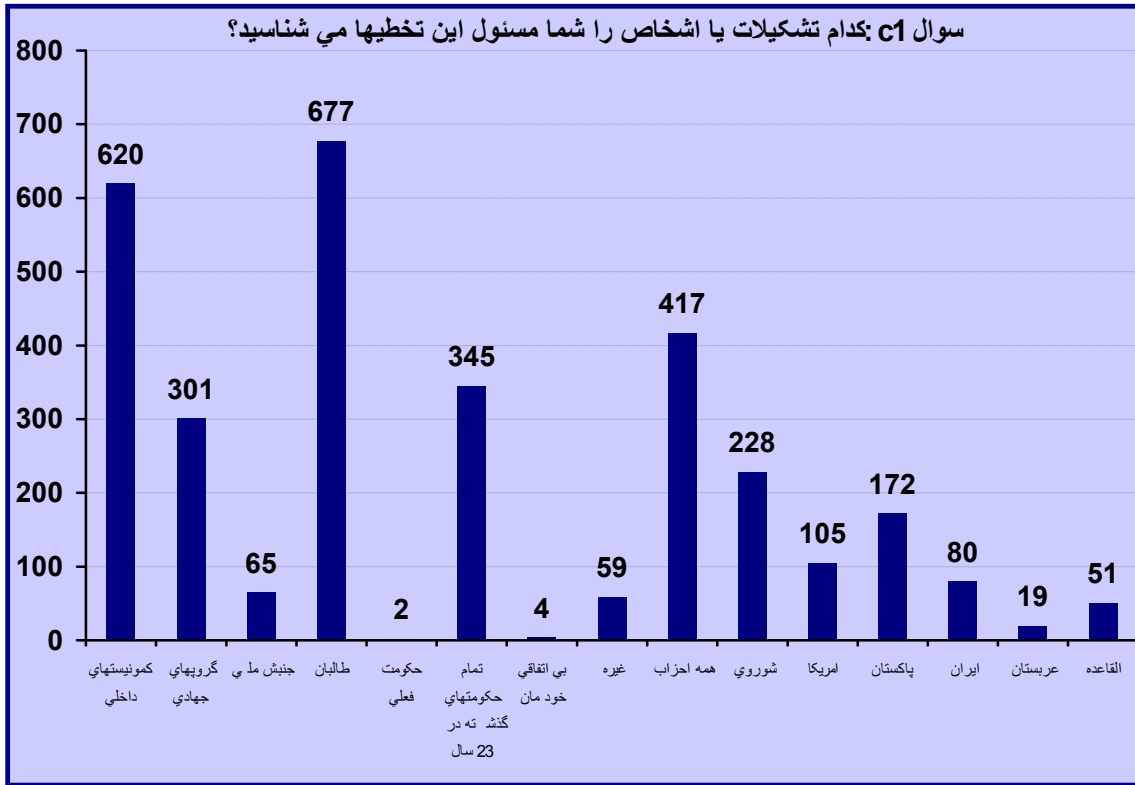
«بسیاری از جنایتکاران در اینجا و آنجا زندگی می کنند. دولت تاکنون از آنها حساب نگرفته است. حتی حکومت کرسی از آنها حمایت و حفاظت می کند» یک زن از هرات.

«در شیرغان، همین حالی که ما گپ می زنیم مردم غیرقانونی حبس می شوند. هیچ فرقی بین امروز و دیروز وجود ندارد» یک مرد از لوگر.

جدول زیر، بررسی اجمالی دیدگاههای اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی را درباره مجرمین جنگ نشان می دهد.

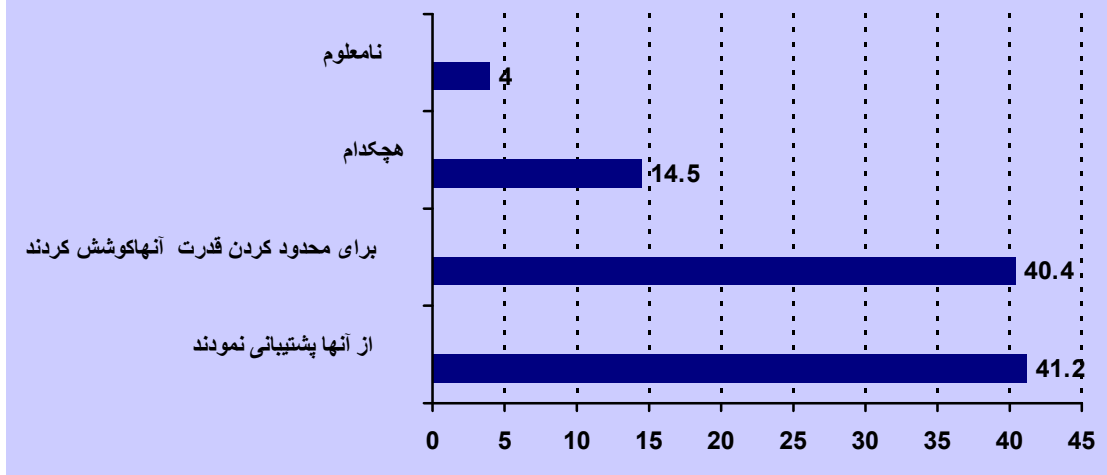
11 بیست و یک فیصد از افراد، قومیت را عامل جنگ خواندند. نسبت به ۲۰ فیصد از پاسخ دهندگان مرد، شمار زیادی از پاسخ دهندگان زن (۳۰ فیصد) بر این نظر بودند که قومیت، عامل جنگ در کشور بوده است. نکته دیگر اینکه برخی از پاسخها نظر به ولایت متفاوت بودند. در هشت ولایت کابل، کتر، بادغیس، فراه، زابل، نیمروز، پروان و غزنی و در میان افغانهای مقیم ایران، فیصدی بالاتری از پاسخ دهندگان (حد اقل ۲۵ فیصد بالاتر از حد اوسط ملی ۶۳ فیصد) معتقد بودند که فرماندهان با استفاده از قومیت، جنگ را در کشور ایجاد کردند. در ولایات بلخ، جوزجان و وردک، فیصدی نسبتاً بالاتری از پاسخ دهندگان (حد اقل دو برابر حد اوسط ملی) تصریح کردند که جنگ نصفاً عامل قومی داشته است. در ولایات هلمند و کندهار، پاسخ دهندگان (چهار مرتبه بالاتر از حد اوسط ملی) ابراز داشتند که قومیت هیچ نقشی در جنگ نداشته است. یک مرد از دایکندی اظهار کرده است: «در زمان حکومت طالبان، یک تعداد از ما که هزاره بودیم به طرف ترینکوت حرکت می کردیم که توسط طالبان دستگیر و حبس شدیم. در روز سر ما کار اجباری می کردند و در شب ما را به بازداشتگاه باز می گرداندند. ما را لت و کوب می کردند و شکنجه می دادند. ما را روبروی هم قرار می دادند و به ما می گفتند که یکدیگر را سیلی کاری کنید. اگر این کار را آرام و آهسته انجام می دادیم، آن وقت طالبان سیلی کاری را شروع می کردند. آنها با ما بازی می کردند، برگهای درخت را در دهان ما قرار می دادند، گوشهای ما را می کشیدند و سرهای ما را به طرف راست و چپ حرکت می دادند. بعداً بر ما خنده می کردند. فقط به جرم هزاره بودن، این کارها را با ما انجام می دادند». یک مرد پشتون از ولایت پکتیا با ابراز اینکه تبعیض قومی علیه اقلیتها یک تخطی از حقوق بشر بوده است که در جریان جنگ رخ داده است - گفت: «مردم فقط به خاطر اینکه هزاره، تاجیک یا ازبک بودند، کشته شدند».

12 یک مرد از دایکندی که در یک گروه مباحثاتی شرکت کرده بود، تشریح کرد: «زمانی که حکومت کمونیستی سقوط کرد، دولت به کلی از هم پاشید. وقتی که برهان الدین ربانی به قدرت رسید، او فقط قدرت را به قوم خود واگذار کرد و هیچ توجهی به سایر اقوام نکرد. از همین خاطر، قوماندانها با او مخالفت کردند و جنگ داخلی شروع شد و در جریان این جنگ، قوماندانان سالاری به میان آمد. قوماندانها هم به این فکر بودند که قدرت فقط مال آنها است. همین بود که بی عدالتی و حوادث آغاز شد. بنابراین، من ریشه جنگ و بی عدالتی را در خودخواهی و مطلق العنانی ربانی می بینم».



برخی از اشتراک کنندگان در گروههای مباحثاتی و پاسخ دهندگان نظرخواهی از حکومت فعلی به دلیل عدم اتخاذ اقدام نهایی علیه این مجرمین انتقاد کردند. همچنین، بسیاری از اشتراک کنندگان، جامعه جهانی را به علت نقش و سیاست نامعلوم آن در قبال این مجرمین، نكوهش کردند. برخی نیز اعتقاد داشتند که اگر جامعه جهانی خواستار رسیدگی به بی عدالتی های گذشته می بود، امنیت امروز تأمین شده بود. حتی نظرات ضدونقیضی در این باره مطرح شد که آیا جامعه جهانی به این جنایتکاران جنگی معلوم الحال کمک سیاسی، نظامی و مالی می کند یا اینکه سعی کرده است تا ساحه قدرت و نفوذ این افراد را کاهش دهد.

چطور مجامع بین المللی با جنایت کاران جنگی برخورد نموده اند؟



قدرتهای خارجی نیز به عنوان مسئول نقض حقوق بشر در افغانستان معرفی شدند. در نظر خواهی، ذکر نام پاکستان از بیشترین تکرار برخوردار بود که به تعقیب آن، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق، ایالات متحده آمریکا و ایران قرار داشتند (اگرچه در حدود ۷۵۳ فیصد از افراد اظهار داشتند تمام این کشورهای خارجی مسئول هستند).^{۱۳} همچنین شماری از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی القاعده و اجیران خارجی را در میان مجرمین قرار دادند. اکثریت پاسخ دهندگان نظرخواهی (۶۰ فیصد) معتقد بودند که جنگ افغانستان هم یک جنگ داخلی و هم یک جنگ وارداتی از سایر کشورها بوده است.

«علت تمام بدبختی های ما، قدرتهای خارجی هستند. اگر آنها به یک تعداد از افراد منفور سلاح نمی دادند، این کارها در کشور ما نمی شد. شوروی، آمریکا، پاکستان و ایران باید مسوول شناخته شوند» یک مرد از دایکندی.

«اول شوروی راه را برای تخطی از حقوق بشر باز کرد و بعداً آمریکا این راه را ادامه داد. به همین خاطر، افغانستان هم هدف کمونیسم و هم هدف امپریالیسم قرار گرفت و تا هنوز این کار دوام دارد» یک زن از پروان.

برداشت از عدالت و چگونگی رسیدگی به جرایم گذشته

الف معنای عدالت چیست؟

در جلسات گروههای مباحثاتی، از افراد خواسته شد تا برداشتهای خود از «عدالت» و انتظاراتی خود از «دستیابی» به آن را شرح دهند. به تعقیب آن، اشتراک کنندگان توضیحاتی را ارائه کردند که بیانگر این نکته است که برای مردم افغانستان، عدالت یک مفهوم وسیع است که

13 نسبت به پاسخ دهندگان مرد (۴ تا ۹ فیصد)، فیصدی بیشتری از پاسخ دهندگان زن فکر می کردند که جنگ افغانستان تنها یک جنگ داخلی بوده است. برعکس، نسبت به پاسخ دهندگان زن (۲۵ تا ۳۱ فیصد)، فیصدی بیشتری از پاسخ دهندگان مرد معتقد بودند که جنگ افغانستان یک جنگ وارداتی از سایر کشورها بوده است. در کندز، هلمند، لغمان، سرپل و افغانهای مقیم در پاکستان، اکثریت پاسخ دهندگان بر این نظر بودند که جنگ افغانستان یک جنگ وارداتی از کشورهای دیگر بوده است. در یادغیس، نیمروز، زابل، پروان و افغانهای مقیم ایران، فیصدی بالاتری از پاسخ دهندگان (بالاتر از حد اوسط ملی ۶۰ فیصدی) اعتقاد داشتند که جنگ افغانستان هم یک جنگ داخلی و هم یک جنگ وارداتی از سایر کشورها بوده است. قابل یادآوری این که این روند نشاندهنده تجربیات مناطق مختلف از جنگ است.

فراتر از محاکمه مجرمین و جنایتکاران می رود. برخی از این نظرات در فصلهای ۲-۴ به تفصیل بررسی شده اند و این فصل به انعکاس دیدگاههای عمومی در این زمینه پرداخته است.

مردم برداشت وسیعی از عدالت دارند و آن را راهی برای بهبود جنبه های گوناگون زندگی خود می دانند. آنها نظراتی را درباره عدالت مطرح کردند که راههایی برای جلوگیری از بی عدالتی محسوب می شود.

عدالت، برای تعدادی از مردم، به معنای ترویج حقوق اساسی بشر است که شامل حق آزادی بیان، حق آزادی اشتراک در انتخابات و رفع تبعیض بر اساس نژاد، زبان و جنس می شود. برخی دیگر عدالت را با ترویج برابری اقتصادی پیوند دادند.

برای برخی دیگر، مفهوم عدالت از وسعت بیشتری برخوردار بود که شامل تأمین رفاه عمومی و توسعه وحدت ملی، دوستی و همدلی در میان تمام افغانها می شد. خوب است به نظر یک اشتراک کننده که یادآور ضرب المثل زیر شده است، رجوع گردد:

«آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران هم بپسند.»

سایر مکانیزم هایی که برای رسیدگی به بی عدالتی مطرح شد، شامل ترویج رفاه و برابری، بازسازی، حمایت اقتصادی، ترویج معارف و رفع بیسوادی می شود.

«اگر کار باشد، ما حاضریم تا نصف شب هم کار کنیم» این اظهار نظر یک اشتراک کننده است.

از نظریات اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی بر می آید که برداشت آنها از عدالت با عدالت انتقالی ارتباط مستحکمی دارد. نظرات آنها قرار ذیل اجمالاً بررسی شده است:

حاکمیت قانون: اکثر مردم عدالت را با حاکمیت قانون مرتبط دانستند. استقرار یک اداره سالم و مسلکی عدلی و قضایی من حیث یک اولویت مطرح گردید. تطبیق مساویانه قانون بر همه مردم، به عنوان یکی از مؤلفه های لازم نظام عدلی و قضایی در افغانستان ذکر شد. زیرا حکومت ضعیف مردم را به قانون شکنی تشویق می کند. یک مرد از دایکندی ابراز داشت:

مردی از دایکندی چنین تشریح داد:

«تطبیق واقعی قانون و داشتن مردم پیرو قانون، عدالت را تضمین خواهد کرد.»

- اداره عادلانه نظام عدلی و قضایی: اشتراک کنندگان اظهار امیدواری کردند که روزی به نظام عدلی و قضایی کشور اعتماد پیدا کنند. آنها استدلال کردند که اعتماد به نظام عدلی و قضایی زمانی به وجود می آید که این نظام علیه بی عدالتی مبارزه نماید. یکی از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی که از عدم اراده مراجع قضایی برای محاکمه جنایتکاران و جنگ سالاران ناامید شده بود، تصریح کرد:

«هیچ کسی جرأت ندارد تا آنها را به محاکمه بکشاند. هیچ کسی از ما در برابر آنها دفاع کرده نمی تواند.»

- برکناری: برخی از اشتراک کنندگان بر این ایده بودند که عزل جنگ سالاران و ناقضان حقوق بشر از موقعیتهای دولتی، عدالت را تأمین خواهد کرد.
- عدالت اسلامی: شماری از اشتراک کنندگان پیشنهاد استفاده از شیوه های سنتی و دینی را برای حل و فصل تخطی های حقوق بشر مطرح ساختند. برخی از آنها معتقد بودند که رسیدگی به نقض حقوق بشر باید به «خداوند(ج)» و روز قیامت سپرده شود تا خداوند خود جزای مجرمان را بدهد."
- عدالت جزایی: بسیاری از اشتراک کنندگان بر این باور بودند که محاکمه افرادی که بیگناهان را به قتل رسانده، مردم را معلول ساخته و خانه های آنها را در جریان جنگ تخریب کرده اند، رکن اساسی عدالت را شکل میدهد. اشتراک کنندگان در یکی از گروههای مباحثاتی خاطر نشان ساختند:
- «محاکمه جنایتکارها مهم است به این دلیل که روحیه قربانیان تخطی ها را بالا می برد و مردم خواهند توانست که از حقوق شان در آینده آزادانه دفاع کنند.»

- تحقیق درباره عوامل فساد: اشتراک کنندگان خواهان تحقیق در خصوص کسانی شدند که با استفاده از بیت المال و به قیمت جان مردم، قصرها ساخته، موترهای مجلل خریده و به خارج سفر نموده اند.
- در نظر گرفتن راههایی برای بررسی و تحقیق مستقل و بیطرفانه: تعدادی از اشتراک کنندگان پیشنهاد کردند که یک کمیسیون تحقیق به منظور کشف حقایق ایجاد گردد و یافته های این کمیسیون توسط یک شورای مردمی تصویب شود. در ارتباط با نهادهای تحقیق موارد نقض حقوق بشر در گذشته، اشتراک کنندگان از «کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان» و «سازمان ملل متحد» به عنوان نهادهایی که احتمالاً قادر به انجام تحقیقات عادلانه و دقیق در خصوص بی عدالتی ها هستند، یاد کردند.

«ثبت جرایم جنگی بسیار خوب است، به این دلیل که نسلهای آینده افغانستان بتوانند مابین جنایتکارهای جنگی و آنهایی که به اسلام و سرزمین شان وفادار بوده اند، فرق کنند». یک اشتراک کننده از فاریاب.

- اقدامات برای رسیدگی به عاملین خارجی: شمار زیادی از اشتراک کنندگان معتقد بودند که نه تنها اشخاص بلکه کشورهایی که در سیاست و امور داخلی افغانستان مداخله کرده اند، باید پاسخگوی اعمال خود باشند. آنها بر این نظر بودند که این کشورها باید مسئول کارهایی باشند که در افغانستان انجام داده اند.
- اتخاذ یک برنامه ملی وقایوی: برخی از اشتراک کنندگان توصیه نمودند که بهترین راه اصلاح بی عدالتی های گذشته، آغاز یک برنامه ملی برای جلوگیری از وقوع بی عدالتی در آینده است. به نظر این افراد، این برنامه باید دربرگیرنده فعالیتهایی برای گسترش عدالت اجتماعی، مبارزه با فساد و خویشاوندسالاری و رفع هر نوع تبعیض نژادی، قبیله ای، قومیتی و مذهبی باشد.
- رهبری قوی: یکی از مطالبات آشکار مردم این بود که مسئولین نقض حقوق بشر نباید جایی در دولت و خدمات عامه داشته باشند. مردم احساس می کردند که افغانستان نیاز به «رهبران پرهیزکار» دارد.

«ما رهبری را می خواهیم که بتواند احترام مردم را کسب نماید. ما افراد شایسته ای در افغانستان داریم اما متأسفانه، تفنگدارها به این افراد خوب اجازه کار نمی دهند. این تفنگدارها امنیت را از بین می برند و تعصبات قومی و قبیله ای را دامن می زنند.» یک زن از کندهار.

- کمک به قربانیان: یکی از نظراتی که مکرراً مطرح شد، این بود که باید با قربانیان بی عدالتی در افغانستان مساعدت شود. آنها خواستار تهیه کمکهای مادی برای مردمی بودند که بیشترین صدمه را دیده اند. یک مکانیسم دیگری که پیشکش شد این بود که به خانواده های قربانیان فرصت داده شود که از محاکم درخواست نمایند تا جبران خسارت آنها را از مجرمین اخذ نمایند.
- به فراموشی سپردن گذشته: شمار کمی از اشتراک کنندگان معتقد بودند که رسیدگی به تمام بی عدالتی های گذشته، ناممکن و غیرعملی است. آنها توصیه کردند که اگر مردم خواهان یک زندگی آرام و امن هستند، بهترین راه این است که آنها گذشته را فراموش کنند و بر جلوگیری از وقوع حوادث گذشته در آینده تمرکز نمایند. آنها پیشنهاد کردند که به خاطر حفظ صلح و آشتی، متخلفین از عفو و بخشش برخوردار شوند، در غیر این صورت، «یک چهارم» مردم باید محاکمه شوند که این خود «کشور را به نابودی می کشاند».

ب. جایگاه عدالت در فهرست اولویتها

«نگرانی های عاجل ما امنیت، خلع سلاح، برق، اعضای لادرک خانواده ها، عدالت، قانون، غذا و کار است.» یک مرد از هرات.

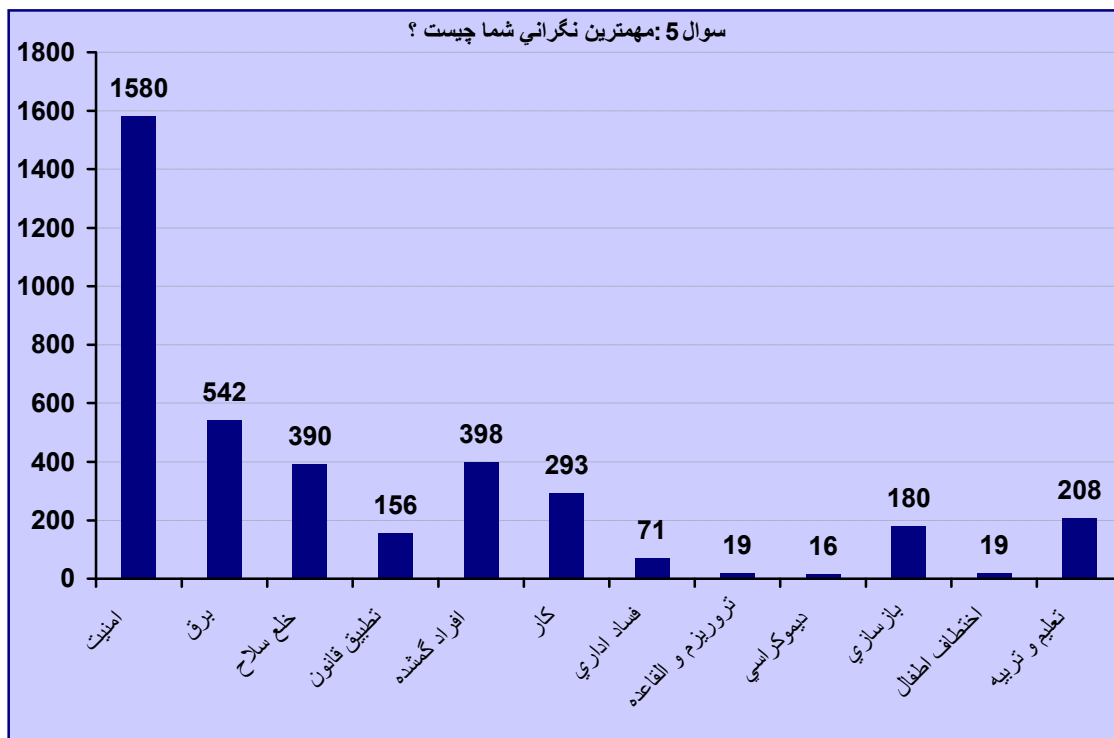
«در قدم اول امنیت نگرانی عاجل ما است و بعداً برق، غذا و آب آشامیدنی، وجود ماینها هم یک نگرانی جدی است.» یک مرد از غزنی.

«نگرانیهای عاجل ما به ترتیب اهمیت، امنیت، عدالت، آب، غذا، برق و سرپناه است.» یک مرد از بلخ.

«نگرانی اولیه ما کمبود مراکز تعلیمی و کمبود اداره قوی در ولسوالی و مخصوصاً ساحات سرحدی است. بعداً ما از بیکاری، نبود برق، سرک، آب و کلینیکهای صحتی نگران هستیم.» یک مرد از پکتیا.

از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی خواسته شد تا نگرانیهای فوری خود را شرح دهند. اکثر آنها اظهار داشتند که ناامنی، فوری ترین نگرانی است که با آن در حال حاضر روبرو هستند. نیمی از مسائلی را که آنها لست کردند از جمله ازدیاد اسلحه، ماینهای زمینی و جنایات لجام گسیخته جنگ سالاران با موضوع امنیت مرتبط است. این نگرانی ها تا حدی جدی است که بالاتر از ضرورت پیگرد اعضای گم گشته خانواده ها قرار گرفته است. با وجود این که تعدادی از اشتراک کنندگان، «عدالت» را جزئی از «تامین امنیت» خواندند؛ اما شمار دیگری از آنها با این استدلال که عدالت بدون امنیت تحقق نمی یابد، عدم تامین عدالت را به حیث نگرانی دوم درجه بندی کردند. یک مرد از بدخشان معتقد بود که اجرای قاطعانه برنامه خلع سلاح باید اولین گام باشد. او گفت: «تا زمانی که خلع سلاح عمومی صورت نگیرد، زمینه برای قضاوت عادلانه آماده نخواهد بود».

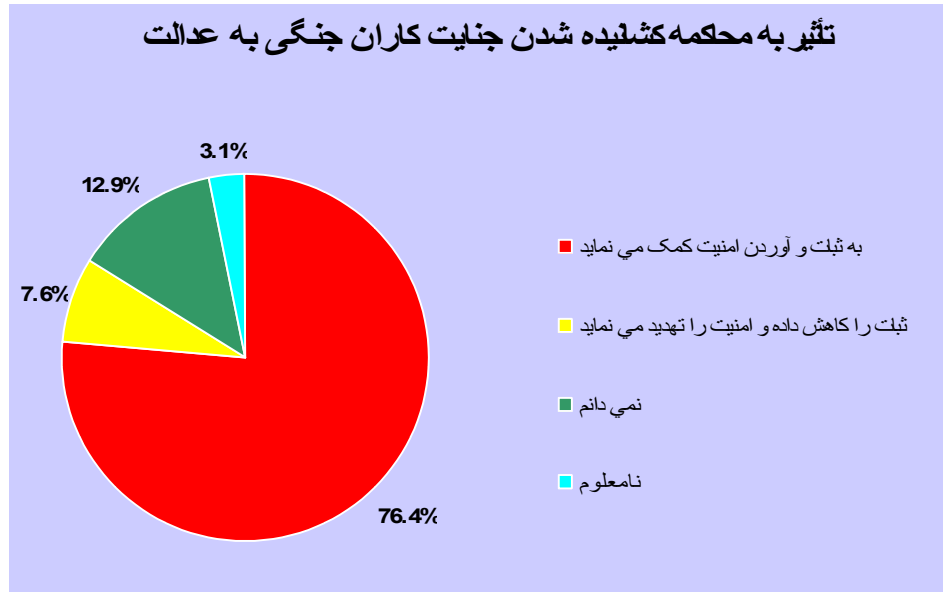
سایر نگرانی هایی که از سوی اشتراک کنندگان ذکر شد؛ عبارتند از ناکامی دولت در تهیه برق کافی، مشکل کمبود مسکن، کمبود غذا و آب آشامیدنی، بیکاری و نبود امکانات تحصیلی و صحتی کافی. برخی دیگر از این افراد احترام نگذاشتن سربازان آمریکایی به کرامت مردم افغانستان را به عنوان یک نگرانی مطرح ساختند. همچنین، آنها از بازداشت خودسرانه شهروندان شکایت داشتند. خصوصتهای قبیله ای یکی دیگر از نگرانیهایی بود که اشتراک کنندگان آن را تذکر دادند



«عدالت بسیار مهم است به این دلیل که امنیت و عدالت با هم رابطه مستقیم دارند.» یک زن از لغمان.

اکثر اشتراک کنندگان، امنیت و عدالت را دو موضوع بهم پیوسته خواندند. ۷۶ فیصد از پاسخ دهندگان اعتقاد داشتند که محاکمه جنایتکاران جنگی در آینده نزدیک به افزایش امنیت در افغانستان منجر خواهد شد؛ در حالی که تنها ۸ فیصد معتقد بودند که این کار به کاهش امنیت خواهد انجامید (۱۳ فیصد دیگر اظهار بی اطلاعی کردند)^{۱۴} شاید این آمار تا اندازه ای تعجب آور باشد. با این هم، برداشت مردم این است که جنایتکاران جنگی، منبع بی ثباتی هستند و اقدام بر ضد آنها به گسترش امنیت کمک خواهد کرد.

¹⁴ در مقایسه با ۶۹ فیصد از پاسخ دهندگان زن، ۸۰ فیصد از پاسخ دهندگان مرد با این نظر موافقت کردند.



جنگ افغانستان حدوداً ۲۵ سال به طول کشیده است؛ آنچه از این تحقیق برمی آید این است که اکثر قربانیانی که ما با آنها مصاحبه نموده ایم، جنگ افغانستان را یک «جنگ طولانی و بی وقفه» خوانده اند، جنگی که شاید در آن قدرت دست به دست شده باشد اما مردم افغانستان با نقض دوامدار، جدی و سیستماتیک حقوق بشر مواجه بوده اند؛ حتی اکنون که در دوره پس از موافقتنامه بن به سر می بریم و جنگ رسماً خاتمه یافته است، این تخطی ها متوقف نشده اند و هنوز امنیت و آرامی در دوره پس از جنگ برای مردم مشتاق آن تأمین نشده است. امروز کسانی که زشت ترین تخطی ها را بر ضد حقوق بشر مرتکب شده اند، قدرت را به دست دارند. این امر باعث ناامیدی و بی اعتمادی عمیق مردم به ادارات و مؤسسات دولتی شده است.

از سوی دیگر، مردم افغانستان در این تحقیق، تعاریفی را از «عدالت» ارائه کرده اند که نشانگر برداشت و درک ژرف آنها از مفهوم یادشده می باشد. به همین ترتیب، مکانیسم هایی را که آنها برای تحقق عدالت پیشکش نموده اند، از گوناگونی قابل ملاحظه ای برخوردار است. از منظر اشتراک کنندگان، عدالت یکی از اولویتهای اوضاع پس از جنگ است که برخی از آنها از قبیل امنیت و ضرورتهای اساسی دارای اهمیت ویژه هستند. در ضمن بخش عظیمی از پاسخ دهندگان رسیدن به عدالت را تحقق یک هدف بااهمیت می دانند و اعتقاد دارند که اگر اقدامی برای تأمین عدالت در گذر زمان اتخاذ نشود، حس ناامیدی و یأس مردم از این که صلح قادر نبوده است تا تغییرات مورد نظر را بیاورد، رو به افزایش خواهد گذاشت.

فصل دوم

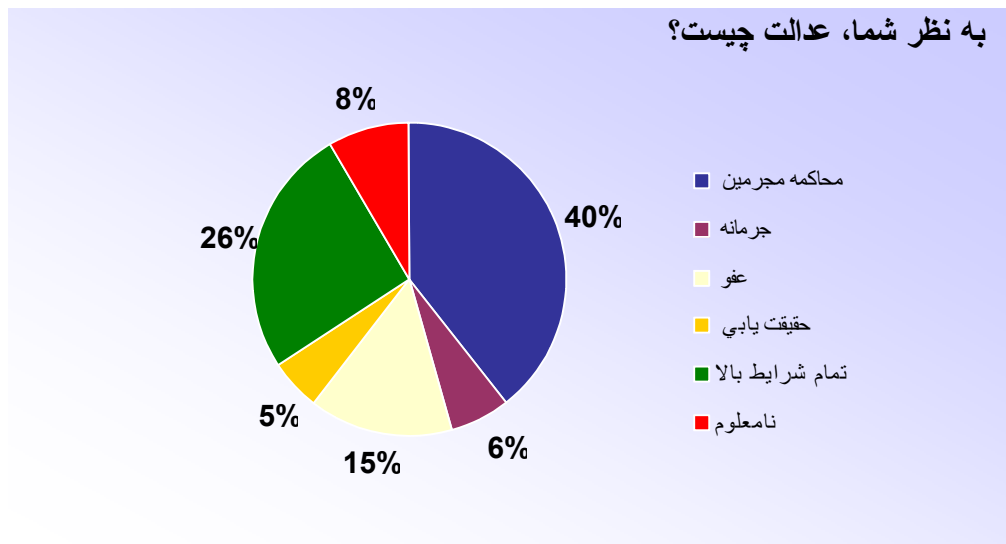
نقش عدالت جزائی در پروسه عدالت انتقالی

در سه فصل آینده، سعی خواهیم کرد تا نظریات پاسخ دهندگان به نظرخواهی و اشتراک کنندگان در گروههای مباحثاتی را درخصوص نحوه تطبیق استراتژی عدالت انتقالی منعکس سازیم. همان طور که در بالا تذکر رفت، اشتراک کنندگان در پاسخ به سؤال "عدالت چیست؟" عموماً عدالت را با یک سلسله از اجزای آن تعریف کردند.

عدالت جزایی مکانیزم های غیرقضایی به شمول طرق مختلف ثبت واقعیتها، برکناری ناقضان مشهور حقوق بشر از دستگاه دولتی و پرداخت غرامت به قربانیان و اقدامات وقایوی (آینده نگرانه) به منظور جلوگیری از تکرار حوادث نقض حقوق بشر و تامین آشتی، اصلاحات، اعتماد و وحدت ملی، بررسی شده اند.

الف عدالت جزایی: اساسی بودن عدالت جزائی در تأمین عدالت

اگرچه اشتراک کنندگان مجموعاً یک دید کلی از عدالت داشتند، ولی نتایج نظرخواهی نشانگر این نکته است که تقریباً ۴۰٪ از کلیه پاسخ دهندگان، عدالت را به مثابه جزاء به وسیله محاکم تبیین نمودند. شاید دلیل این دیدگاه نیز این باشد که اکثر آنها با سایر مکانیزم های موجود آشنایی چندانی نداشته باشند؛ لیکن آنچه واضح است این است که استراتژی عدالت انتقالی بدون تطبیق عدالت جزایی احتمالاً برای مردم قناعت بخش نخواهد بود.



مروری بر جلسات گروههای مباحثاتی، نقطه تأییدی به گفته فوق است. بسیاری از اشتراک کنندگان، محاکمه و جزای ناقضان حقوق بشر را با ذکر دلایل ذیل ضروری خوانده اند:

- عدالت جزایی: تامین عدالت و تطبیق مجازات، یگانه راه بالا بردن اعتماد مردم به قانون و اداره؛ «اگر جنایتکارها و مجرمین محاکمه شوند، یک تغییر اساسی و مثبت در مملکت به وجود خواهد آمد» یک مرد از بامیان.
- «حکومت باید اقدامات عاجل و قاطعی را برای محاکمه جنایتکارهای جنگی انجام دهد، در غیر این صورت، مردم اعتماد خود را به دولت به کلی از دست خواهند داد» یک مرد از فراه.
- عدالت جزایی: جلوگیری از تخطی های آینده؛ «ترحم بر پلنگ تیز دندان، جفاکاری بود بر گوسفندان» یک مرد از کابل.
- «مهم است که تخطی کنندگان محاکمه شوند و از طریق تلویزیون و رادیو برای مردم معرفی شوند که درس عبرتی باشد برای دیگران.» یک زن از لغمان.
- عدالت جزایی: راهی برای اعاده حیثیت قربانیان؛
- «جبران خساره مادی، قناعت قربانیان را حاصل نمی کند. زخمهای جنگ تنها زمانی شفا می یابد که جنایتکارها به پنجه قانون سپرده شوند» یک مرد از کندز.
- «به محاکمه کشاندن مجرمین، یک نوع کمک روانی برای قربانیان است» یک مرد از تخار.
- عدالت جزایی راهی برای اجتناب از قتل به خاطر انتقام جویی:.
- فیصدی بالایی از پاسخ دهندگان (۸۷ فیصد) بر این باور بودند که در صورت عدم محاکمه ناقضین، امکان دارد مردم به قتل به خاطر انتقام جویی رجوع نمایند.^{۱۵}
- «این تخطی کنندگان را به ما بدهید تا پوست شان را کاه پر کنیم» یک زن از ننگرهار.
- عدالت جزایی: راهی برای تأمین آشتی:
- ۸۵ فیصد از مجموع پاسخ دهندگان معتقد بودند که محاکمه مجرمین به آشتی کمک می کند، در حالی که ۱۱ فیصد از آنها فکر کردند که محاکمه به مصالحه و آشتی هیچ کمکی نخواهد کرد.^{۱۶} همچنین، شمار دیگری از افراد نظر داشتند که به خاطر آشتی، نباید عدالت جزایی و محاکمه را تعقیب کرد.
- «خصوصت‌ها باید ختم شود. اگر ما یکدیگر را به محاکمه بکشانیم، باز مشکلات و دشمنی ها آغاز می شوند. بناً باید تمام گپهایی را که به وقوع پیوسته، خواه این گپها جنگسالاری باشد، خواه قومندان سالاری یا سایر جرایم، از یاد ببریم» یک مرد از پروان.
- برخی از افراد، این ضرب المثل را ذکر کردند که «لذتی که در عفو است در انتقام نیست».
- با این هم، بخش دیگری از اشخاص با این نظر کاملاً مخالف بودند.
- «ما، قربانیان، هیچ وقتی مجرمین را نبخشیده و با آنها مصالحه نمی کنیم. ما به این امید هستیم که محاکمه و جزای آنها را ببینیم» یک مرد از غور.
- در ضمن، بعضی از اشتراک کنندگان باور داشتند که پیگیری عدالت جزایی و محاکمه ناقضین با در نظر داشت وضع کنونی، بیهوده است و پدیده معافیت از مجازات به اندازه ای رشد کرده که مقابله با آن بی فایده است.

¹⁵ اگرچه این سوال در ارتباط با عدالت جزایی پرسیده شده بود، اما این مسئله نشانگر این است که مکانیزم عدالت انتقالی قادر خواهد بود تا احتمال توسل به انتقام برای قتل را کاهش دهد.

¹⁶ در ولایات هلمند، ارزگان و پکتیکا، اقلیت‌های عمده اعتقاد داشتند که محاکمه به مصالحه کمکی نخواهد کرد.

«نظر به حجم تخطی های حقوق بشری که در افغانستان رخ داده، تاریخ آن را نه در افغانستان و نه در جای دیگری به یاد دارد. جبران بی عدالتی های گذشته ناممکن است. بناءً باید بر تکرار نشدن وقایع گذشته تمرکز شود که مردم در آینده زندگی آرامی داشته باشند.» یک مرد از سر پل.

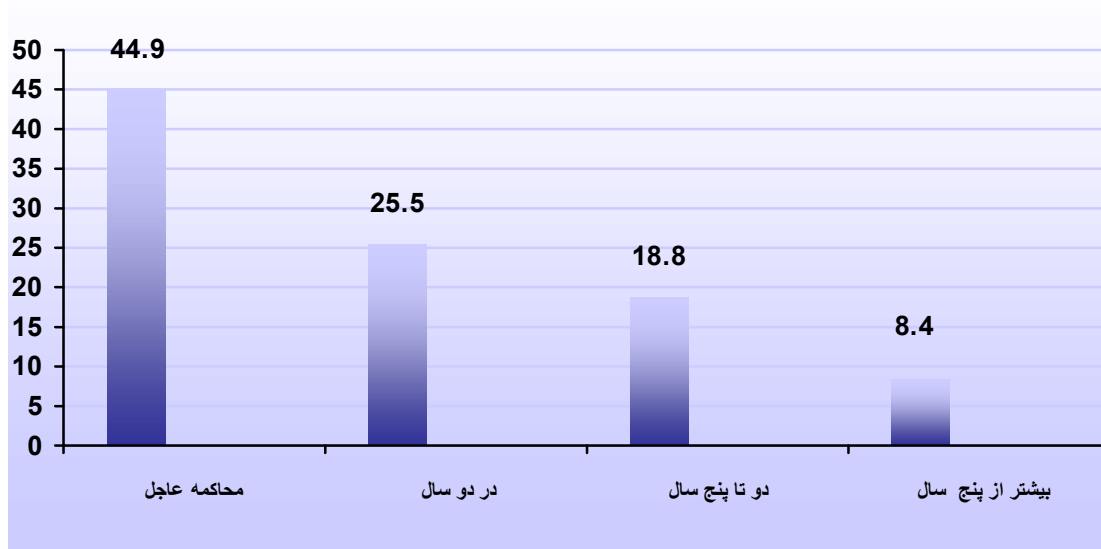
«البته ما امید داریم که محاکمه مجرمین را سیل کنیم؛ اما اگر تمام این ها گپ باشد و عمل نباشد، این کارها هیچ دردی را دوا نمی کند.» یک مرد از بادغیس.

به نظر می رسد که تفاوتی در انگیزه اشتراک کنندگان درخصوص تأمین عدالت برای جرایم گذشته و تمایل آنها برای محاکمه جنگ سالارانی که زندگی روزمره آنها را متأثر ساخته اند، وجود دارد. در یکی از گروههای مباحثاتی که در ده سبز برگزار شد، یکی از اشتراک کنندگان سخن از افرادی به زبان آورد که جرایم زیادی را در گذشته مرتکب شده اند؛ اما امروز همان اعمال را زیر پوشش جدیدی انجام می دهند. او تأکید کرد که این «فرصت طلبها و دوروها» باید مجازات شوند.

تفاوت های منطقه ای در حمایت از عدالت جزائی (مجازات مجرمین از طریق محاکمه):

عدالت جزائی یکی از اجزاء این مشوره ملی بوده که تفاوت های جالب منطقه ای را نمایان ساخت. مثلاً اکثریت مردم خواستار این نبودند که مدت طولانی را برای اجرای عدالت جزائی و یا مجازات مجرمین جنایات گذشته، انتظار بکشند. در حقیقت % 44.9 از پاسخ دهندگان خواهان انجام محاکمه مجرمین در زمان فعلی هستند. در حالی که % 25.5 محاکمه مجرمین را در ظرف دو سال خواستار بودند. % 18.8 بین دو الی پنج سال و % 8.4 بعد از پنج سال خواهان برگزاری محاکم جرایم جنگی و ضدبشری بودند. در هفت ولایت کشور (بدخشان، تخار، کندز، فاریاب، هلمند، سرپل و پکتیا) پاسخ دهندگان به مراتب بیشتر از سایر نقاط کشور خواهان برگزاری محاکمات بعد از پنج سال بودند.

محاکمه چه وقت صورت گ یرد؟



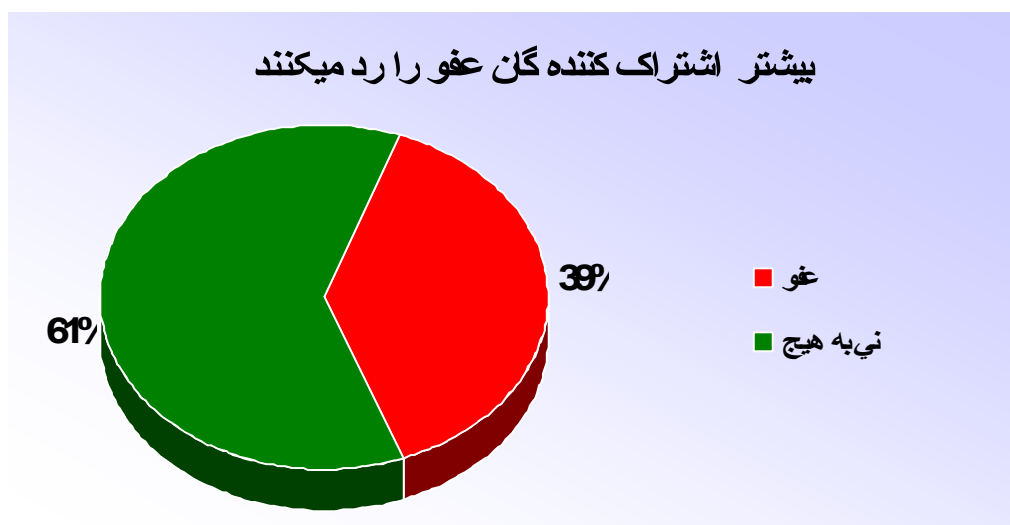
«این یک حقیقت است که محاکمه مجرمین به صلح و امنیت زیاد کمک می کند.» یک زن از قندهار

ب. تنوع منطوقی برای حمایت عدالت جزائی

اشتراک کنندگان در سه ولایت از مجموع چهار ولایت جنوبی (کندهار، زابل و ارزگان) و ولایات پکتیکا و غزنی و مهاجرین افغان مقیم ایران، تمایل بیشتری را به محاکمه به حیث راه تأمین عدالت با درنظرداشت حداوسط ملی، نشان دادند. به همین گونه، اشتراک کنندگان در سه ولایت از مجموع چهار ولایت شمال شرق (بدخشان، تخار و بغلان)، سه ولایت از مجموع چهار ولایت غربی (بادغیس، فراه و نیمروز) و ولایت لغمان خاطر نشان ساختند که تمایل کمتری به محاکمه به حیث راه تأمین عدالت با در نظر داشت حداوسط ملی دارند.

تفاوت های جالب و مشابه منطوقی در مورد عفو و بخشش نیز بر ملا گردید. از پاسخ دهندگان در مورد عفو بدون قید و شرط مجرمین جنگی که قبلاً در افغانستان تجربه شده بود، پرسیده نشده؛ اما از مردم در مورد این که آیا در صورتی که مجرمین در حضور یک نهاد ایجاد شده برای عدالت انتقالی به جرایم و جنایاتشان اقرار کنند، آنها را خواهید بخشید؟ پرسیده شده بود. با وجودی این که اکثریت مردم (۶۰،۵٪) با این نظر مخالفت کردند؛ اما یک تعداد قابل ملاحظه ای از آنها (۳۸،۱٪) اظهار کردند که عفو آنها را خواهند پذیرفت.

این تفاوت شاید ناشی از دو طرز بینش باشد که یکی براساس فرهنگ مردم ما که عفو و گذشت را تأیید می کنند و از طرف دیگر این که مردم میان حق خود که آن را می توانند ببخشند و حق الله تفاوت قابل اند و خود را در موقفی نمی یابند که از حق الله بگذرند.

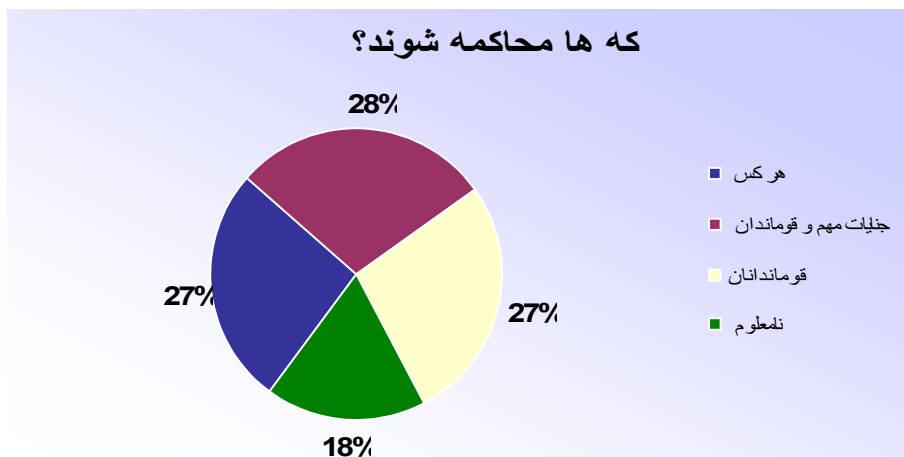


عموماً یک تعداد قابل ملاحظه ای از مردم (دوثلث) شمال شرق کشور، طرفدار عفو بودند. هیچ بخش دیگر از مردم کشور به چنین سطحی، از عفو حمایت نکردند. با این وجود در تعدادی از ولایات شمالی نیز عفو مورد حمایت قرار گرفت. برخی از مردم عفو را مشروط به اصلاح دانستند.

«جنایتکاران اصلاح شده را می توان عفو کرد.» یک زن از کاپیسا

ج. چه کسانی باید محاکمه شوند؟

پاسخ دهندگان به نظرخواهی براین باور بودند که کلیه کسانی که مسئول نقض حقوق بشر هستند، نباید محاکمه شوند؛ بلکه روند محاکمه باید به افرادی که سنگین ترین جرایم را مرتکب شده اند و آمرین آنها یا تنها آمرین، محدود شود^۱



بی عدالتی های گذشته را می توان از دو راه جبران کرد:

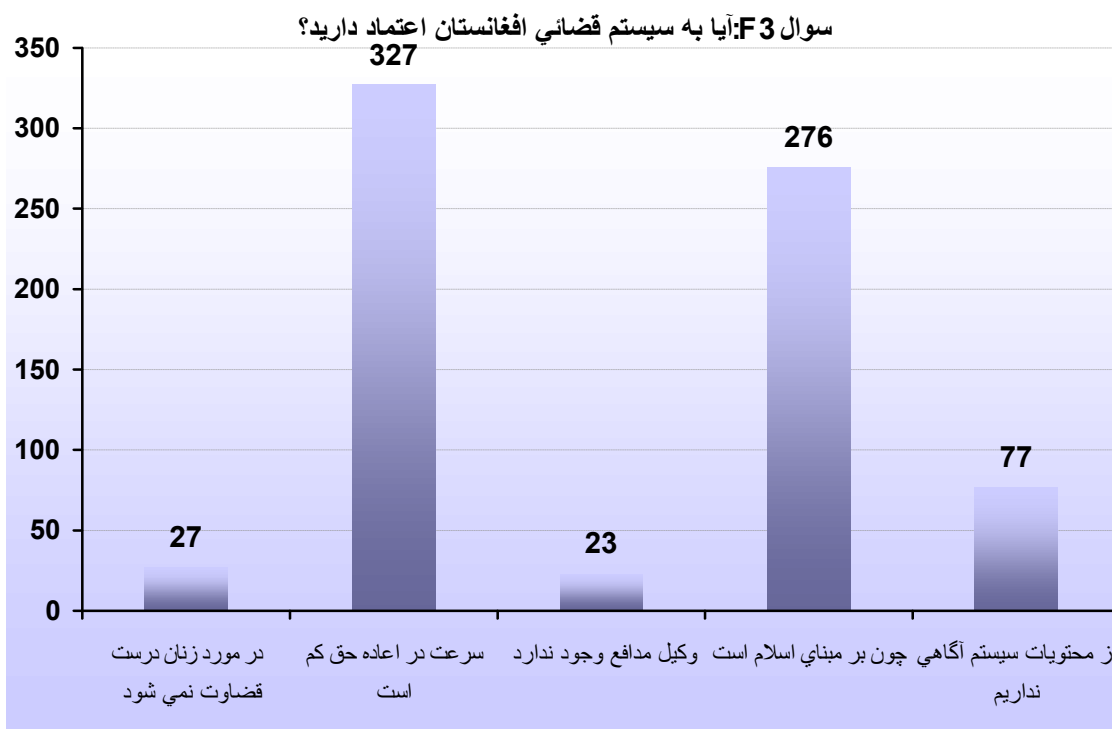
- (۱). خسارات مادی باید با برگشتاندن اموالی که چور شده بود یا ملکتهایی که غصب یا تخریب شده بود، جبران شود.
 - (۲). آنهایی که به ناموس و حیات مردم تجاوز کرده بودند، باید براساس معیارهای حقوق بشر، محاکمه شوند « یک مرد از نورستان.
- «جرایم جنگی کنگوری های مختلف دارد. آنهایی که جرایم ثقیل انجام داده اند، باید محاکمه شوند و آنهایی که جرایم خفیف انجام داده اند، باید با قربانیان ابراز همدردی نمایند و به آنها مساعدت کنند « یک مرد از ننگرهار.
- گروه دیگری از اشتراک کنندگان به اهمیت در نظر گرفتن اشکال مختلف مشارکت در ارتکاب جرم اشاره کردند.
- «تمام کسانی که در جرم دست دارند، مجرم هستند؛ چه آنهایی که جرم را مرتکب شده اند و چه آنهایی که مشوره داده اند و چه آنهایی که امر کرده اند. تمام این ها باید محاکمه شوند « یک مرد از زابل.
- علاقمندی به تحقیقات در مورد سوءاستفاده، فساد و سایر جرایم علیه ملکیت افراد نیز وجود داشت. با درنظرداشت نکات فوق، این را می توان دریافت که مردم تنها خواهان مجازات عده ای معدودی از طریق محکمه اند و امکان این وجود دارد که سایرین را مورد عفو قرار دهند.

د. سطح اعتماد مردم به نظام عدلی کشور

پاسخها به سئوالی که در خصوص اعتماد مردم به نظام عدلی کشور پرسیده شده بود، از پیچیدگی خاصی برخوردار است. اکثریت پاسخ دهندگان نظرخواهی (۵۷،۸ فیصد) اظهار داشتند که هیچ اعتمادی به نظام عدلی کشور ندارند؛ در حالی که فیصدی نسبتاً بالایی از آنها (۳۸،۶ فیصد) ابراز داشتند که به این نظام اعتماد دارند. از طرف دیگر ۳،۵ فیصد از جوابها نامعلوم است^{۱۷} به نظر می رسد که علت این اختلاف نظرها این است که پاسخ دهندگان به مشکلات و خلاهایی که در نظام عدلی فعلی وجود دارد، معترف هستند؛ اما در ضمن، به مشکلات اصلاحات سازماندهی مجدد این نظام نیز اذعان می کنند.

¹⁷ در همین ارتباط، اختلافات منطقه ای جالبی وجود دارد. در شش ولایت به شمول چهار ولایت از مجموع پنج ولایت شمالی (سمنگان، بلخ، جوزجان و فاریاب) به اضافه ولایات غور و بامیان، اکثر پاسخ دهندگان گفتند که آنها به نظام حقوقی افغانستان برای تحقق پاسخگویی و مسئولیت پذیری در کشور اعتماد دارند. برای مثال، ارقام مربوط به ولایات سمنگان و بلخ نشانگر این است که سطح اعتماد به نظام حقوقی در آنجا دو برابر بیشتر از پاسخ دهندگانی است که به نظام حقوقی اعتماد نداشته اند. در ضمن، پاسخ دهندگان ولایت کندهار دقیقاً به دو دسته یکی با نظرات مثبت و دیگری با نظرات منفی در مورد نظام عدلی کشور، تفکیک شده بودند.

در ۸ ثور سال ۱۳۷۱، زمانی که پروفسور مجددی قدرت را از بازماندگان رژیم سقوط کرده ی نجیب الله تسلیم می شد، عفو عمومی را اعلام داشت که بیشتر از چند روز دوام نیاورد و در نتیجه تعداد زیادی از مردم به انتقام گیری شخصی پرداختند.

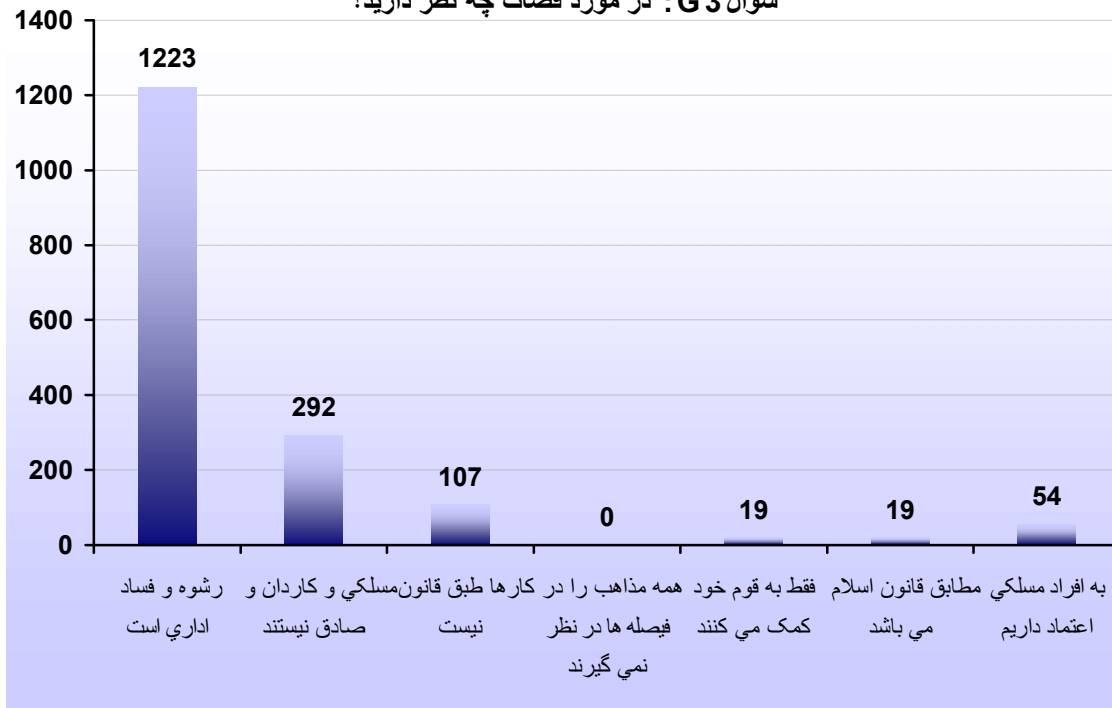


«ما به قضاء اعتماد داریم به خاطر که یک سیستم چندمرحله ای دارد اما مشکل این است که این سیستم به درستی تطبیق نمی گردد» یک مرد از غور.

در بحثهای گروههای مباحثاتی، برخی از مسائلی که بحران اعتماد به نظام قضایی ملی را ایجاد کرده است، روشن تر شدند. به نظر می رسد که جمعی از مردم نسبت به نظام قضایی کشور، کاملاً بی اعتماد شده اند. این افراد استدلال می کردند که نظام قضایی فاسد و بی نهایت سیاسی می باشد و «تحت نفوذ قدرتمندان» قرار دارد. به نظر آنها، اکثر قضات و ثارنوالان «تاجرانی هستند که به حقوق مردم توجه ای ندارند»^{۱۸}.

¹⁸ مشکلاتی که مشخص شدند، شامل فساد، مداخله در روند قضایی، عدم وجود نظام قضایی رسمی در بعضی از مناطق و فقدان دانش حقوقی در میان قضات می باشد. «مجرمین مورد اتهام قرار گرفته و گرفتار می شوند؛ اما بعداً، قضیه شان یا توسط رشوه یا به وسیله واسطه ای که دارند، غیب می شود.» این گفته یک مرد از غزنی است. «فعالاً یک سیستم پول بده و مال بگیر جور شده است.» این جمله ایست که یک مرد از بغلان برای تشریح وضع نظام قضایی کشور از آن استفاده کرده است. شماری از افراد شکایت می کردند که تنها کاری که قضات انجام می دهند این است که پول کمی جامعه جهانی را به جیبهای خود می اندازند. در یکی از گروههای مباحثاتی که در کابل دایر شد، تعدادی از اشتراک کنندگان اقرار کردند که برای حل و فصل قضایای شان، مجبور به پرداخت رشوه به قاضی ها شده بودند. گروه دیگری از اشتراک کنندگان این نکته را خاطر نشان کردند که در برخی از محلات دوردست، قضات از سوی فرماندهان منصوب می شوند. «تا زمانی که تفنگ حاکم باشد، از کارکنان سیستم قضایی هیچ توقعی نباید داشت.» این اظهار نظر یک

سوال 3 G: در مورد قضات چه نظر دارید؟



بعضاً عدم موجودیت اعتماد به سیستم عدلی و قضائی کشور، ناشی از عدم آگاهی و آشنائی تعدادی از مردم به سیستم های قضائی و عدلی رسمی می باشد که اثر مستقیم عدم دسترسی به سیستم های رسمی عدلی به ولایات مشخص می باشد؛ مثلاً یکی از اشتراک کنندگان مباحثات گروهی، در ولایت نورستان گفت: (ما تا حال یک قاضی را در چند ولسوالی ندیدیم. تنها شنیدیم که یک ستره محکمه در کابل است).

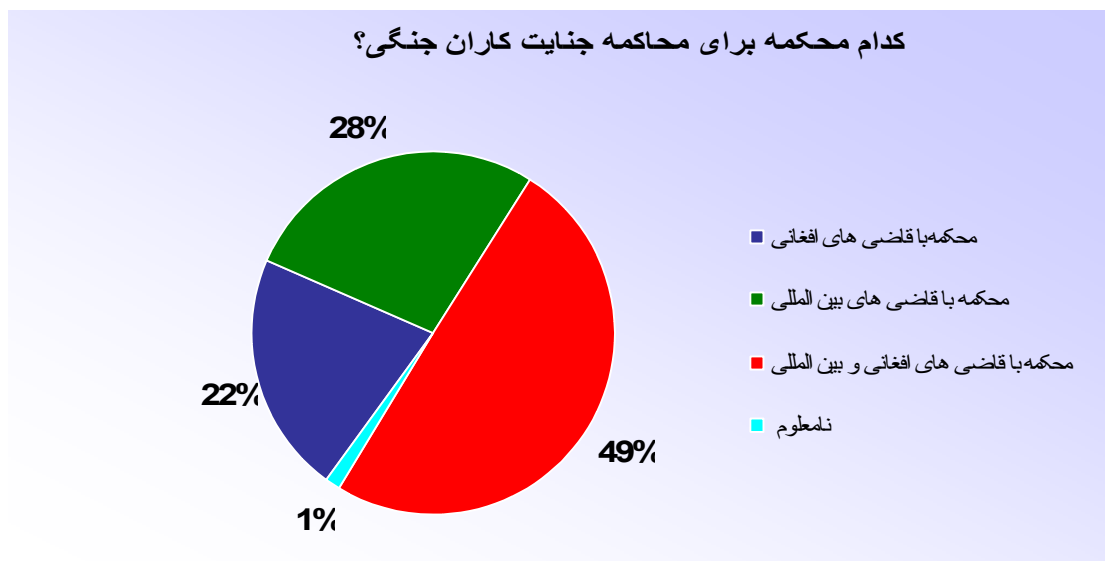
در نتیجه واضح است که اکثر پاسخ دهندگان نظرخواهی (۴۹،۶) از ایجاد یک محکمه مختلط با حضور قضات افغان و بین المللی، طرفداری می کنند. با این وجود هم ۲۱،۵ فیصد از اکثریت پاسخ دهندگان خواهان ایجاد یک محکمه کاملاً داخلی و ۲۷،۶ فیصد آنها خواستار یک محکمه کاملاً بین المللی بودند^{۱۹} درخصوص نقش نیروهای بین المللی در این محکمه، اختلاف نظر جدی در جریان بحثهای گروههای مباحثاتی وجود نداشت. بخش بزرگی از اشتراک کنندگان خواستار این بودند که نیروهای بین المللی، یک نقش نظارتی یا حمایتی را در روند محاکمه ی جنایتکاران جنگی بعهدده داشته باشند. در این باره آنها مخصوصاً از سازمان ملل متحد درخواست کردند

زن از ننگرها است. «ما تا هنوز قاضی ای را در دو ولسوالی این ولایت ندیده ایم. فقط همین قدر می دانیم که یک ستره محکمه در کابل وجود دارد.» این گفته اشتراک کنندگان در ولایت نورستان است. با این هم، اعتماد به نظام قضایی در سطح بالایی قرار داشت. «ما به سیستم قضایی اعتماد داریم ولی نه به قاضی ها چون آنها فاسد هستند و هیچ دانش قضایی ندارند.» این گفته یک مرد از هرات است. «ما هیچ اعتمادی به قاضی ها نداریم به خاطر این که آنها رشوه می گیرند. همان تعداد کمی از قاضی های تحصیل کرده که وجود دارند هم به دلیل فقر، رشوه اخذ می کنند.» این ابراز نظر یک مرد از غور است. در یک گروه مباحثاتی که در کندهار برگزار شد و تنها زنان در آن اشتراک نموده بودند، آنها شکایت کردند که قضات در فیصله های خود، هیچ توجهی به زنان نمی نمایند.

* اعتماد به سیستم قضائی در نورستان، نسبت به سایر مناطق بالاتر بود.

۱۹ در رابطه با تفاوت های منطقه یی، پاسخ دهندگان در ولایات شمالی و شمال شرقی (سمنگان، بلخ، جوزجان، فاریاب، بادغیس، بدخشان، تخار، بغلان و کندز) اعتماد کمتری به محکمه متشکل از قضات بین المللی داشتند. با آنها، آنها از محکمه متشکل از قضات داخلی و بین المللی اعلام حمایت کردند. پاسخ دهندگان در ولایات نیمروز، بامیان و سرپل قویاً از محکمه ای مرکب از قضات افغان و بین المللی پشتیبانی کردند. در نیمروز ۹۵ فیصد از پاسخ دهندگان چنین حمایتی را اظهار کردند. پاسخ دهندگان زن (۵۵ فیصد)، بیشتر از مردان (۴۷ فیصد) از محکمه متشکل از قضات افغان و بین المللی طرفداری کردند، در حالی که پاسخ دهندگان مرد (۳۰ فیصد) بیشتر از زنان (۲۳ فیصد) از محکمه کاملاً بین المللی برای محاکمه عادلانه جنایتکاران جنگی جانبداری کردند.

تا چنین نقشی را ایفاء نماید.^{۲۰} بخش دیگری از مردم درباره بین المللی بودن این محکمه، اظهار نظری نکردند.^{۲۱} (برخی از آنها اظهار تمایل دارند که قضات این محکمه از طرف آن عده کشورهای اسلامی فراهم شود که با پاکستان، ایران و عربستان سعودی ارتباطی نداشته باشند).



«جامعه بین المللی باید به حکومت افغانستان در قسمت محاکمه مجرمین جنگی کمک نماید. آنها نه تنها باید به حکومت کمک کنند؛ بلکه قوت‌های نظامی آنها باید مستقیماً در گرفتاری و محاکمه این افراد رول داشته باشند. به این دلیل که این جنایتکارها مردم قدرتمندی هستند و حتی زور حکومت مرکزی هم به آنها نمی رسد» یک مرد از غزنی.

«افغانستان هنوز از جنگ ضرر می بیند. بنابر این ما به مشاهدین خارجی برای قضاوت سالم ضرورت داریم و در غیر این صورت، روابط و وابستگی ها گپ آخر را خواهد زد. ملل متحد تاکنون بسیار مؤثر بوده و هنوز هم بهترین انتخاب به حساب می آید» یک مرد از سمنگان.

نقطه قابل ملاحظه دیگر این است که گروه عظیمی از اشتراک کنندگان گروه‌های مباحثاتی، مایل بودند که قوانین ملی یا اسلامی یا ترکیبی از آن دو بر روند محاکمه جنایتکاران تطبیق گردد. برخی از آنها خواستار دادن نقشی برای قانون بین المللی نیز شدند و تصریح کردند که بهتر است به جای قانون ملی، قانون بین المللی، جرایم و جنایات را تحت پوشش قرار دهد. با این وصف، گروهی از آنها بر این باور بودند که قانون بین المللی بیش از حد نرم و ملایم است.^{۲۲} تعدادی از اشتراک کنندگان از تطبیق مجازات بر اساس قوانین اسلام

²⁰ اکثر اشتراک کنندگان گروه‌های مباحثاتی، نظرات مثبتی را درباره سازمان ملل متحد بیان کردند و آن را یک نهاد بیطرف خواندند. اما این گفته در مورد تمام اشتراک کنندگان صدق نمی‌کند. برخی از اشتراک کنندگان در گروه‌های مباحثاتی که در ده‌سبز تدویر شده بود، نسبت به سازمان ملل متحد بی‌اعتماد بودند و استدلال می‌کردند که این سازمان در مسائل مربوط به عراق و اسرائیل/فلسطین بیش از حد تحت تأثیر آمریکا قرار گرفته است. برخی دیگر این شکایت را از سازمان ملل متحد مطرح کردند که سازمان مذکور مؤثریت زیادی ندارد.

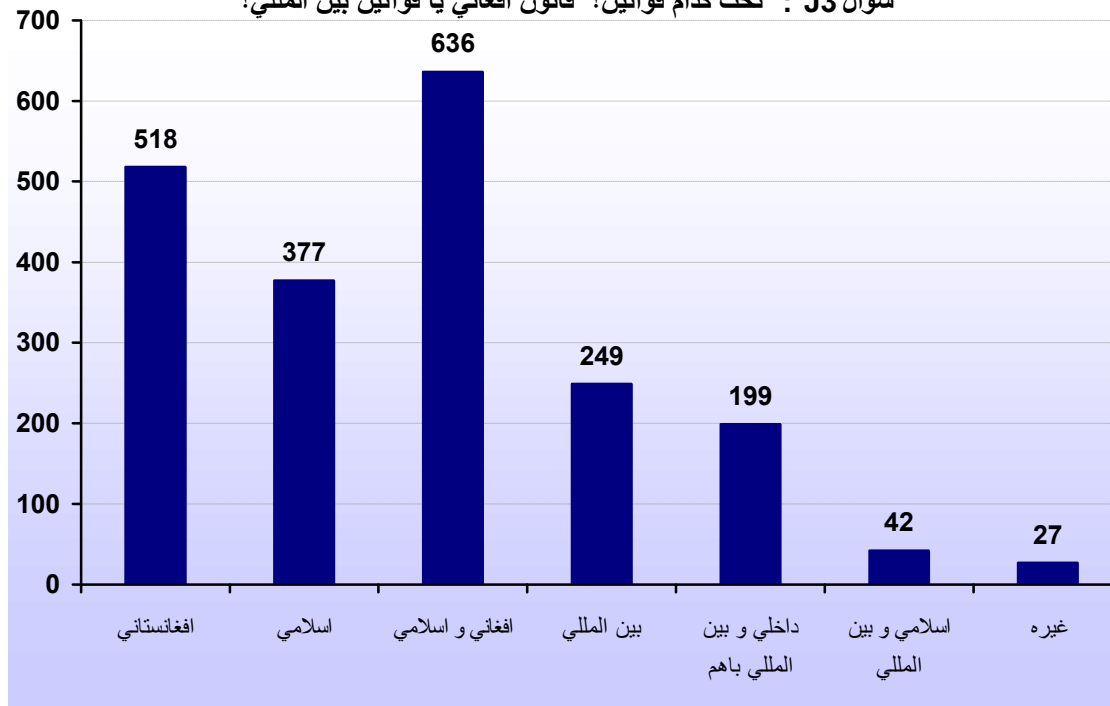
²¹ یک مرد از کندهار در این ارتباط یادآور شد: «مردم افغانستان اعتماد خود را به جامعه بین‌المللی از دست داده‌اند به این دلیل که جامعه بین‌المللی منحنیت تضمین‌کنندگان موافقت‌نامه بن، ملکی‌سازی کابل که در آن ذکر شده بود، انجام نداده است». یک مرد دیگر از بامیان گفت: «در زمان کمونیستها و مجاهدین، ما دیدیم که افغانستان دوست خارجی ندارد. اگر می‌داشت، کار ما به اینجا نمی‌کشید». تعداد دیگری از افراد که در گروه‌های مباحثاتی در گردیز مشارکت کرده بودند، این نظر را طرح کردند که جامعه جهانی نباید نقشی در این محکمه داشته باشد و ممکن است در صورت حضور جامعه جهانی در این محکمه، تجارب منفی آنها با قوای ائتلاف بار دیگر تکرار شود.

²² «به نظر من، محاکمه باید بر اساس قوانین افغانی و اسلامی انجام شود چون اگر قوانین بین‌المللی به کار گرفته شود، آن وقت، حقوق بشر بین‌المللی حکم اعدام را برای قاتلین اجازه نمی‌دهد.» این گفته یک مرد از یکاولنگ است. شمار قلیلی از اشتراک کنندگان درباره «محکمه جزایی بین‌المللی برای یوگسلاویای سابق»، «محکمه جزایی بین‌المللی برای رواندا» شنیده بودند و به نظر می‌رسد که نظرات آنها با در نظر داشت عملکرد این محاکم، ترتیب شده است. در همین ارتباط، یک مرد از هلمند یادآور شد: «من یک مراتبه از رادیو شنیدم که جامعه بین‌المللی، جنایتکارهای جنگی را در یوگسلاویای سابق دستگیر کرده و آنها را به محکمه روان کرده است. این ما را امید می‌دهد که شاید این کار با جنایتکارهای جنگی افغانستان هم انجام شود».

جانبداری کردند و دلیلی که آنها ابراز کردند این بود که «تخطی کنندگان حقوق بشر باید شدیداً مجازات شوند و برای این کار، فقط قوانین اسلامی مناسب است».

به صورت عموم گرچه مردم معلومات کافی در مورد قوانین بین المللی و چگونگی تطبیق آن ندارند؛ فقط ۱۲۳ نفر از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی گفتند که آنها معلومات ضمنی در مورد محکمه بین المللی جنائی روندا و یوگوسلاویای سابق دارند. در حالی که ۳۰۹ نفر گفتند که معلومات بسیار اندک در این مورد دارند. ۱۶۲۴ نفر گفتند که هیچ گاهی در مورد این محاکم نشنیده چیزی بودند. یکی از اشتراک کنندگان گفت: (که از طریق رادیو شنیده بود که محکمه، رئیس جمهور سابق یوگوسلاویا "میلوسویچ" را به عنوان یک جنایتکار جنگی، فقط هشت سال به زندان محکوم کرده است) و او معتقد بود که این جزا بسیار کم است.

سوال J3 : تحت کدام قوانین؟ قانون افغانی یا قوانین بین المللی؟



اکثریت پاسخ دهندگان نظرسنجی (۷۹،۵ فیصد) از اجرای روند محاکمه در داخل افغانستان حمایت کردند.^{۲۳}

«افراد متهم باید در داخل افغانستان محاکمه شوند تا مردم با چشمان خود آنها را مشاهده نمایند و علیه آنها اقامه دعوا کرده بتوانند» یک مرد از هرات.

«محاکمات باید در افغانستان انجام شود تا ما بتوانیم به محکمه برویم و علیه مجرمین شهادت بدهیم» یک زن از کابل.

«چون جرایم در داخل افغانستان رویداده است، محاکمه هم باید در داخل مملکت صورت گیرد» یک مرد از میدان شهر.

با وجود این، بخش دیگری از اشخاص نظریات مخالفی را ارائه کردند.

²³ ۱۰ فیصد آنها خواهان برگزاری محاکمه در یک کشور مسلمان دیگر و ۴،۸ فیصد آنها خواستار تدویر محاکمه در یک کشور دیگر (خارج از افغانستان) بودند.

«در شرایط کنونی، تطبیق یک پروسه قضایی عادلانه در داخل مملکت غیرممکن است. جنایتکارها تا هنوز قدرت دارند و روابط قوی را با سیاستمداران داخلی و خارجی برقرار کرده اند. بناءً بهتر است تا آنها به محکمه بین المللی روان شوند».

اشتراک کنندگان در جلسه گروه مباحثاتی در هلمند.

نتیجه گیری

مردم جداً خواستار تطبیق عدالت جزایی هستند. در این مطالعه به نظر می رسد که احتمالاً عدالت جزایی، سایر گزینه های عدالت انتقالی را به حاشیه رانده است. دلیل آن هم این است که اجرای محاکمه جزایی به خلع قدرت جنایتکاران خواهد انجامید. این تحقیق نشان می دهد که مردم افغانستان از اتخاذ یک استراتژی هدفمند برای تعقیب قضایی ناقضین حقوق بشر حمایت می کنند و همچنین این استراتژی باید بر موارد جدی نقض حقوق بشر، کسانی که آن را انجام داده اند یا به نحوی از انحاء آن را برنامه ریزی، امر یا اجرا کرده اند، تمرکز نماید.

تفاوتهای منطقه ای نیز در ارتباط با دیدگاه های مردم در خصوص عدالت جزایی جالب توجه است. براساس این نوسان منطقه ای، پاسخ دهندگان در ولایات جنوبی (کندهار، زابل و ارزگان) بیشترین تمایل را برای تطبیق عدالت جزایی دارند، در حالی که پاسخ دهندگان در ولایات شمالی طرفدار عفو و بخشش ناقضین هستند. قابل توجه سیاستگزاران این که اکثر پاسخ دهندگان، خواستار اجرای روند محاکمه در خاک افغانستان و در مطابقت با قوانین داخلی هستند و از مشارکت بازیگران بین المللی به عنوان قاضی یا ناظر در این محکمه به دلیل عدم خوشبینی که نسبت به قوه قضائیه وجود دارد، حمایت می نمایند.

فصل سوم

عدالت انتقالی، مکانیزم های غیرقضایی

مقدمه

برداشت پاسخ دهندگان نظرخواهی از عدالت، فراتر از جزاء رفته و شامل مکانیزم های غیرقضایی نیز می شود. حدوداً ۹۰ فیصد از پاسخ دهندگان از مکانیزم های غیرقضایی که در زیر به بررسی گرفته شده است، پشتیبانی کرده اند. در گفتگوهای گروههای مباحثاتی، اشتراک کنندگان به طور قابل ملاحظه ای به ابراز نظر در رابطه با گزینه های غیرقضایی پرداخته اند.

رد صلاحیت کاری و عزل (برکناری)

الف. برداشت پاسخ دهندگان از اهمیت پروسه رد صلاحیت کاری و عزل

«همه مجرمین و ناقضین حقوق بشر را می شناسند، تمام شان هنوز در قدرت شریک هستند». یک مرد از پروان

«امروز هم همان مجرمین جنگی کشور را اداره می کنند و امور کشور را در دست خود دارند». یک مرد از زابل

«قدرت جنگ سالاران و قومندانان باید از ایشان گرفته شود». یک مرد از مقر

عده کثیری از مردم در جریان مشوره ملی قویاً اذعان داشتند که نقض حقوق بشر هنوز در کشور جریان دارد و ناقضین هنوز در قدرت باقی اند. همچنان اکثریت قریب به اتفاق پاسخ دهندگان نظرخواهی تقاضا داشتند تا ناقضان حقوق بشر از پستهای شان برکنار ساخته شوند. ۹۰ فیصد از پاسخ دهندگان خواستار عزل مجرمان از وظایف و تنها ۶ فیصد از آنها خواهان باقی ماندن این افراد در موقعیتهای شان بودند. نتایج نظرخواهی در بحث های انجام شده در گروههای مباحثاتی نیز انعکاس یافته است. اکثر اشتراک کنندگان تاکید داشتند که به منظور پیشگیری از وقوع دوباره بی عدالتی در آینده، ناقضان حقوق بشر از ادارات دولتی خارج ساخته شوند. مخصوصاً آنها درخواست کردند که از رسیدن ناقضان به قدرت سیاسی باید جلوگیری شود. اشتراک کنندگان به منظور بهبود ارائه خدمات اساسی به مردم، خواستار تحقق اصل «اهلیت و کاردانی» در حین استخدام در دستگاه دولت شدند. از همین رو، آنها پیشنهاد کردند که تنها افرادی به پستهای کلیدی مقرر شوند که از مهارت، توانمندی و اهلیت لازم برخوردار باشند.

نظرات یک زن از کندهار، نگرانی عمومی مردم افغانستان در این ارتباط را جمع بندی می کند:

«مردم افغانستان امید داشتند که این جنایتکارها از تمام وظایف دولتی، دور ساخته شوند؛ اما متأسفانه، امروز تمام قدرت

در دست آنها است».

یکی از اشتراک کنندگان در گروه مباحثاتی که در ولسوالی سیغان ولایت بامیان برگزار شده بود، تصریح کرد که سلب صلاحیت و برکناری رهبران و رؤسای که قوم گرایی و خویشاوندسالاری را در جریان انقلاب تحریک کرده اند، راه ایجاد وحدت ملی و اعتماد در میان مردم می باشد.

اکتراً اشتراک کنندگان در مناطقی در خواست عزل ناقضان حقوق بشر را مطرح کردند که هم اکنون در آنجا، فعالیتهای غیرقانونی از سوی جنگ سالاران و سایرین جریان دارد.

«محاكمه زمانی انجام شده می تواند که تمام این مجرمین از وظایف دولتی شان سبکدوش ساخته شوند». یک اشتراک کننده در کندهار.

اشتراک کنندگان گروه مباحثاتی در ولایت غور، چگونگی تسلط قوماندانان و جنگ سالاران را بر مقامات محلی این گونه شرح دادند:

همچنین، اشتراک کنندگان خواستار ارتقای سطح اهلیت و رفع خویشاوندسالاری و واسطه بازی در ادارات دولتی گردیدند.

یک اشتراک کننده در یکی از گروههای مباحثاتی تدویر شده در کندهار توضیح داد:

«وقتی کار به اهل آن سپرده شود، اختلافها و بی اعتمادی گم خواهد شد».

قطع نظر از برکناری اشخاص فاقد صلاحیت از کارهایشان، اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی پیشنهاد کردند که روند اهانت به کارکنان بااستعداد و برکناری آنها از پستهای شان باید متوقف شود.

« در ولسوالی ما، هیچ قاضی بی وجود ندارد. قاضی هایی هم که وجود دارند توسط قومندانهای محلی نصب شده اند. آنها

بیسواد هستند و هیچ صلاحیتی ندارند. آنها آله دست قوماندانها هستند. بنابر این ما به آنها اعتماد نداریم. در تمام ولایت،

دوایر دولتی فقط به صورت اسمی وجود دارند. حقیقت این است که تمام قوماندانها رئیس دوایر دولتی هستند و دولت

مرکزی فقط به ما دروغ می گوید. ما به گپ آنها باور نداریم.»

یک مرد در غزنی گفت:

" هر وقتی کار به اهل کار داده شد و در مقامات بلند دولتی افراد مسلکی و خوشنام مقرر گردیدند و وقتی که دولت

خدمتگزار واقعی مردم شناخته شد، عدالت خود بخود تامین می گردد."

جستجوی حقایق

ب برداشت عمومی از اهمیت بیان و جستجوی حقایق

«جنایات گذشته باید ثبت شود که دیگران از آن عبرت بگیرند». یک مرد از هرات.

«جنایات گذشته باید در کتابچه ها نوشته شوند که خواهرها و برادرهای ما بخوانند که در آن وقت ها بالای ما چه آمده است». یک دختر ۱۵ ساله از کاپیسا.

«تمام آنچه که بر مردم ما در این دوره ها واقع شده است، نباید فراموش شود. تمام این وقایع باید ثبت شوند تا این گونه جنایات دیگر واقع نشوند»، یک زن از کابل

در ارتباط با گزینه های بیان حقایق، شایان ذکر اینست که مفهوم «کمسیون حقیقت یابی» در افغانستان ناشناخته باقی مانده است.^{۲۴} اگرچه توضیحاتی در مورد کمسیون حقیقت یابی به پاسخ دهندگان نظرخواهی ارائه شد؛ اما تشریح عملکرد و فوائد این کمسیونها با در نظر داشت وقت کمی که برای مشورت اختصاص یافته بود، ممکن نبود. با این وجود، طرفداری از روند حقیقت جویی در سطح بالایی قرار داشت و ۹۵ فیصد از پاسخ دهندگان معتقد بودند که تثبیت حقایق و واقعیتهای جرایم جنگی از اهمیت زیادی برخوردار است؛ در حالی که فقط ۳ فیصد از آنها با این نظر موافق نبودند.^{۲۵}

به نظر می رسد که ابهاماتی در خصوص روند حقیقت جویی وجود داشت و اکثر اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی بر فوائد و ارزشهای تحریر ثبت تاریخی تأکید می کردند و وارد جزئیات چگونگی انجام این کار نشدند. در پاسخ به این سؤال که چگونه باید از تکرار بی عدالتی ها جلوگیری شود، یک اشتراک کننده از بدخشان تصریح کرد: «تاریخ بهترین آموزگار است». یکی از اشتراک کنندگان در ولایت غزنی گفت که «گسترش دانش و آگاهی»، راه جلوگیری از وقوع مجدد بی عدالتی در آینده است؛ اما واضح بود که اشتراک کنندگان کلیه گروههای مباحثاتی تمایل داشتند که ثبت رخدادهای گذشته باید به منظور «پیشگیری از تکرار اشتباهات مشابه در آینده» تحریر و حفظ گردد.^{۲۶}

«...تا اینکه نسل های آینده بفهمند که در گذشته چه کارهایی انجام شده است و در آینده به حقوق بشر احترام قائل شوند» اشتراک کننده دیگر.

گروههای مباحثاتی دایر شده در دایکندی، بر این باور بود که حفظ ثبت حقایق گذشته از اهمیت فوق العاده ای برای رهبران آینده افغانستان برخوردار است.

«حوادث گذشته باید ثبت شود تا سیاستمدارهای آینده از آن عبرت گرفته و این جنایات را بار دیگر مرتکب نشوند و

نام خود را در تاریخ سیاه نسانند.»

در حدود ۹۰ فیصد از آنها مایل بودند که تخطی های حقوق بشر در یک سند نوشته و نگهداری شود. ۶۵ فیصد از پاسخ دهندگان ابراز داشتند که هدف اولیه چنین سند یا گزارشی باید افشای واقعیتهای جنگ افغانستان باشد^{۲۷} گرچه اکثریت اشتراک کنندگان از مفهوم کمسیونهای حقیقت کاملاً بی اطلاع بودند، لیکن درخواست برای نوشتن و نگهداری ریکارد حقایق و حوادث گذشته در جریان گفتگوهای گروههای مباحثاتی زیاد بود.^{۲۸}

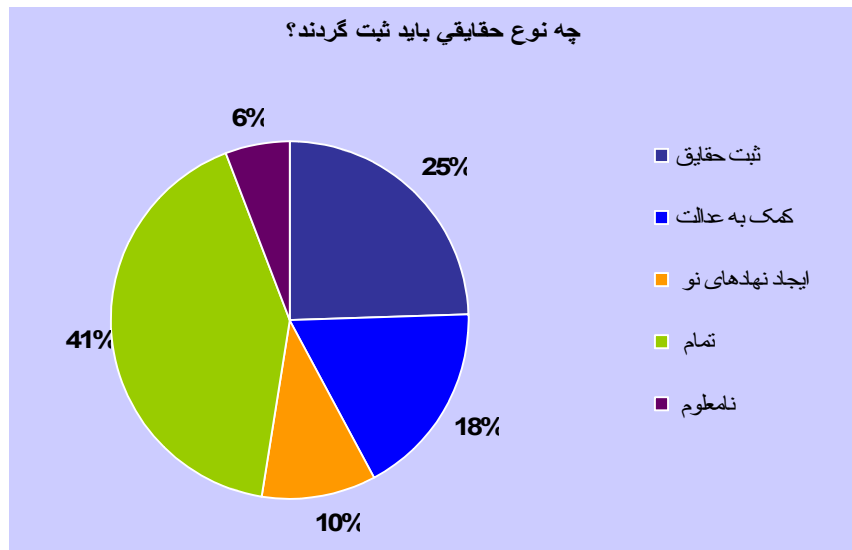
24 ناشناخته ماندن «گزینه بیان حقیقت» شاید پائین بودن درجه «حقیقت-جویی» را در برابر سایر گزینه های عدالت انتقالی روشن سازد. با این هم، در ولایات جنوبی، تمایل شدیدی به این شیوه از تأمین عدالت به چشم می خورد. پاسخ دهندگان در ولایات هلمند، کندهار و زابل دو برابر بالاتر از حد اوسط ملی، از انتشار حقیقت برای تأمین عدالت حمایت کردند.

25 در پاسخ به این پرسش، تفاوت های بزرگ منطقه ای دیده نشد. تنها یک استثناء قابل ذکر وجود داشت و آن اینکه: تقریباً نیمی از پاسخ دهندگان در ولایت بامیان (۴۳ فیصد) اظهار داشتند که آنها از انتشار گزارشی در خصوص افشای کلیه موارد نقض حقوق بشر در گذشته، حمایت نمی کنند.

26 ۹۳ فیصد از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی اعتقاد داشتند که تخطی های حقوق بشر باید حفظ و یادآوری شوند. ۷۰ فیصد از دلایلی که آنها در این ارتباط ذکر کردند، مربوط به جلوگیری از رخداد دوباره این جرایم در آینده بود.

27 ۴۲ فیصد از پاسخ دهندگان شرح دادند که هدف اولیه چنین سند یا گزارشی باید افشای حقایق، تأمین عدالت و پیشنهاد بنیادهای نو برای افغانستان باشد. این در حالی است که ۲۵ فیصد دیگر از پاسخ دهندگان، افشای حقایق را به عنوان هدف اختصاصی چنین گزارشی تشخیص دادند.

28 ۳۹ فیصد از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی از کمسیونهای حقیقت یاب اظهار بی اطلاعی کردند. تنها ۰،۱ فیصد از آنها «اطلاعات کامل» و ۵ فیصد «اطلاعات نسبی» در خصوص این کمسیونها داشتند.



براساس اظهارات یک اشتراک کننده از کابل، گذشته را نمی توان به فراموشی سپرد:

«خاطرات در قلب مردم است. مردم زحمتهای زیادی کشیدند تا برای خود خانه ساختند. چطور این ها می توانند ویرانی های خود را از یاد ببرند؟ مردم تهدید شدند تا این کار یا آن کار را انجام بدهند و در غیر آن، کشته می شدند. مردم در روزها گرسنگی کشیدند و قرآن شریف را به دست می گرفتند و شبها برای آزادی دعا می کردند. این مردم نمی توانند گذشته را از یاد ببرند.»

یک زن از پنجشیر این درخواست را به طور جدی تری مطرح کرده است: «دردهایمان را نادیده گرفته نمی توانیم. باید به فریادهای ما گوش داده شود، جرایم جنگی باید ثبت گردد.»

به همین ترتیب، ۶۰ فیصد از پاسخ دهندگان، ثبت تخطی های حقوق بشر را یکی از راه های تأمین عدالت دانستند^{۲۹} برخی از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی تأکید کردند که مجرمین باید حساب آنچه را در گذشته انجام داده اند، پس بدهند.^{۳۰}

اشتراک کنندگان از ولایت خوست معتقد بودند که ثبت حقایق گذشته به «افشای کارهایی که رهبران مردم انجام داده اند و شناخت مجرمین و جلوگیری از به قدرت رسیدن آنها در آینده» کمک خواهد کرد. (بعضی ها احساس می کردند که این پروسه باید با اعتراف به گناهان همراه باشد).

«بی عدالتی های گذشته زمانی جبران می شود که مجرمین اقرار نمایند که آنها این مردم را بدون کدام علتی شهید کرده اند» یک مرد از نیمروز.

به نظر آنها، تحریر و حفظ گزارش یا ثبت حقایق گذشته، یک نقش عملی را در ساختار آینده افغانستان ایفاء خواهد کرد. اشتراک کنندگان باور داشتند که از طریق معرفی مجرمین و افشای اعمالی که آنها انجام داده اند، می توان گامهایی را در جهت پیشگیری از حضور برجسته آنها در جامعه آینده برداشت.

۵۲ فیصد از پاسخ دهندگان معتقد بودند که استفاده از گزارشی که در آن حقایق گذشته ثبت می شود، در ایجاد بنیانهای نوین در کشور مفید خواهد بود^{۳۱} ایجاد بنیانهای نوین افغانی که مستقل و بیطرف هستند و از صلح و دموکراسی حمایت می کنند، به جلوگیری از تکرار

²⁹ ۴۲ فیصد از پاسخ دهندگان شرح دادند که هدف اولیه چنین گزارشی باید افشای حقایق، تأمین عدالت و پیشنهاد ایجاد بنیان های نوین برای افغانستان باشد. این در حالی است که ۱۸ فیصد دیگر آنها، تأمین عدالت را به عنوان هدف اختصاصی این گزارش تشخیص دادند.

³⁰ ۱۴ فیصد از دلایلی را که اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی برای ثبت حقایق گذشته ذکر کردند، مربوط به تشخیص مرتکبین جرایم گذشته می باشد.

³¹ ۴۲ فیصد از پاسخ دهندگان اظهار داشتند که هدف این گزارش باید افشای واقعیتها، تأمین عدالت و معرفی بنیادهای جدید باشد. ۱۰ فیصد دیگر از آنها ابراز کردند که هدف اولیه این گزارش باید معرفی بنیادهای جدید در افغانستان باشد.

جنگ در کشور مساعدت خواهد کرد. یکی از اشتراک کنندگان از ولایت خوست این نظر را ارائه کرد که ثبت حقایق آنچه گذشته است، به گسترش «روح اخوت و برادری» در میان مردم کمک خواهد کرد.

بعضی از اشتراک کنندگان نگران عواقب ابراز حقایق بودند. یک زن در وردک، ترس خود را از ابراز حقایق چنین اظهار داشت: (مه می ترسم، مه نمی تانم فعلاً حقیقت را بگویم. به این خاطر که دفعتاً مره اعدام خواهند کرد).

زن دیگری در مزار شریف پیشنهاد کرد: (که ثبت حقایق باید بصورت مخفی و محرم صورت گیرد).

یک نفر از ولایت پکتیکا نکته نظر خاصی را در مورد جمع آوری حقایق بیان داشت. او گفت: (جنایات گذشته نباید فعلاً ثبت شود؛ زیرا فعلاً یک دولت بی طرف و حتی آدم های بی طرف وجود ندارند که این کار را انجام دهند).

چند نفر دیگر نگران این بودند که دریافت حقایق گذشته و حرف زدن در مورد گذشته، زخمهای گذشته را دوباره تازه خواهد کرد. (حادثات گذشته نباید ثبت گردند. درس گرفتن از گذشته به کار نمی آید. خاطرات درد آور گذشته، نفرت و تشویش روانی را زیادتیر خواهد کرد) یک مرد از کندز.

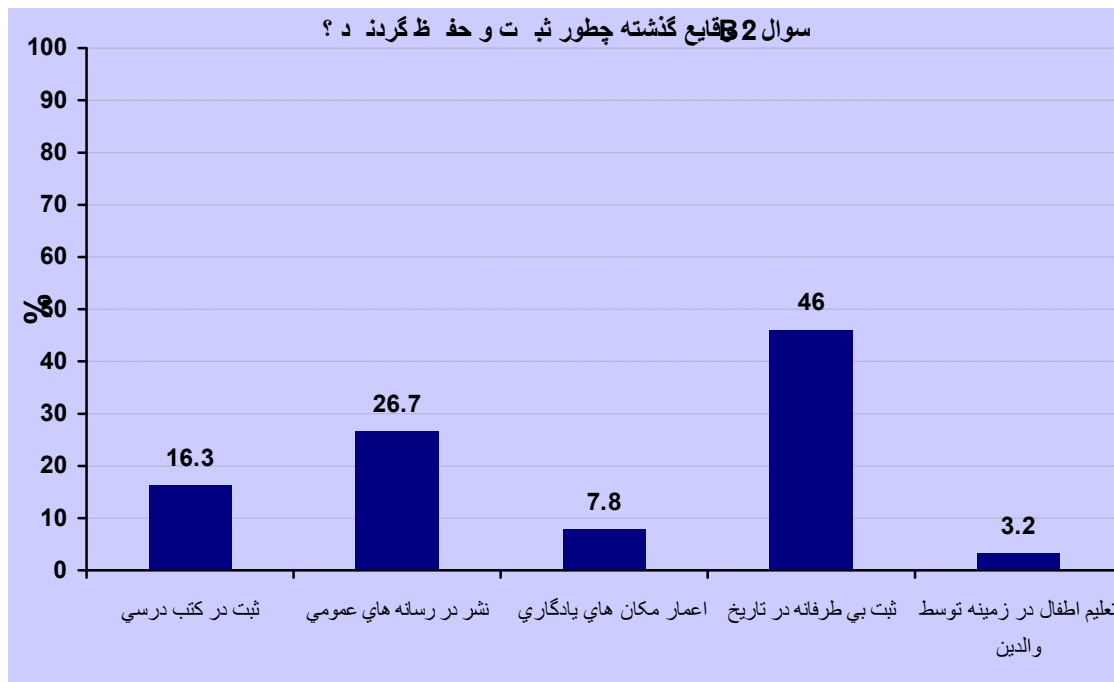
یک زن در کابل خواستار این بود که ما باید (به گذشته سیل نکنیم و جرایم گذشته را فراموش کنیم).

یک اشتراک کننده دیگر در پکتیکا نیز مخالف ثبت حقایق بود و اظهار می کرد که: (اسلام به ما بخشش و عفو را یاد می دهد و ما باید به خاطر توسعه کشور خود گذشته را بیاد نیاوریم).

ج. پیشنهادهایی برای پیگیری میکانیزم بیان حقایق

تعدادی از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی اصرار کردند که واقعیتهای و رویدادهای گذشته باید در کتابهای تاریخ گنجانده شوند تا مردم افغانستان از گذشته خود عبرت بیاموزند و جهانیان از آنچه در این کشور رخ داده است، آگاهی داشته باشند. اشتراک کنندگان در ولایت بامیان روشن ساختند که ثبت حقایق جنگ افغانستان باید به طور رایگان در اختیار عموم مردم گذاشته و در کتابخانه ها حفظ شود. اشتراک کنندگان در ولایت کابل گفتند که گذشته کشور باید از طریق کتب، اخبار، کستها، خبرگزاریها، رسانه های همگانی و آموزش آن به کودکان، یادآوری شود. اشتراک کنندگان در غزنی و کنر نیز همین توصیه ها را طرح کردند و افزودند که باید فیلمهای ویدئویی و تلویزیونی در این ارتباط تولید و برای مردم به معرض نمایش گذاشته شود. اشتراک کنندگان ابراز داشتند که کلیه این مواد باید در آرشیف ملی محفوظ بماند و ریکارد جنگ به بخشی از نظام تعلیمی مکاتب و پوهنتون ها تبدیل گردد.^{۳۲}

۳۲ ۴۶ فیصد از پیشنهادهای اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی در خصوص نحوه ثبت واقعیتهای گذشته این بود که آنچه در گذشته روی داده است، به شکل کتابهای تاریخی به طرز بیطرفانه حفظ گردد. ۳۰ فیصد از آنها سفارش کردند که حقایق گذشته از طریق رسانه های همگانی به اطلاع مردم رسانده شود، در حالی که ۱۷ فیصد از آنها توصیه نمودند که واقعیتهای گذشته در کتب آموزشی مکاتب و پوهنتونها گنجانده شود.



(ثبت و نگهداری این اسناد باید توسط مردم و مؤسساتی که مستقل و بیطرف هستند، صورت بگیرد. تا سلامت و مصؤونیت آن دست نخورده باقی بماند) یک مرد از ارزگان.

(یک کمیسیون حقیقت یابی باید ایجاد شود.) یک مرد از ولسوالی انجیل.

(این حقایق باید از طریق رادیو و تلویزیون نشر و پخش شود.) یک مرد از لوگر.

(برای بیسوادان، این جنایات باید در قالب قصه ها و افسانه ها در آورده شود تا آنها بتوانند بصورت شفاهی آن را بیان کنند.) یک زن از جوزجان.

(این ها باید به عنوان یک مضمون درسی مکاتب به شاگردان تدریس شود.) یک مرد از فراه.

(مورخین باید موارد نقض حقوق بشر در گذشته را جزو تاریخ ملی کشور ثبت نمایند و در آرشیف ملی کشور نگهداری کنند.) یک مرد از غزنی.

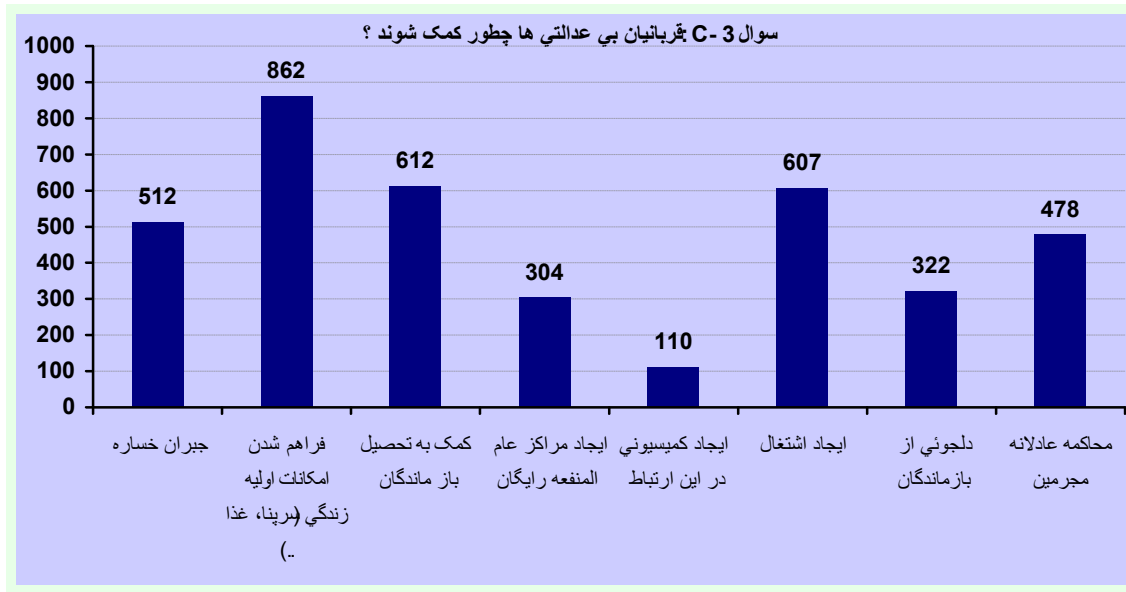
در مورد این که چه کسی باید نقش عمده را در یک موسسه و نهاد غرض جمع آوری حقایق یا حقیقت یابی، داشته باشد؟ ۲۳،۴ فیصد از پاسخ دهندگان حکومت راه، ۲۱،۸ فیصد جامعه جهانی را به عنوان عمده ترین ارگان ها غرض جمع آوری حقایق بهتر قلمداد کردند. روشنفکران و گروههای اجتماعی ۱۴،۳ فیصد و بزرگان محلی ۴،۱ فیصد حمایت کردند. تقریباً ۲۱،۱ فیصد مردم براین باور بودند که تمامی این ها نقش داشته باشند.

(دردها و زخم‌ها بدون مرهم شفا نمی‌یابند.)، یک مرد از بغلان.
(ما باید دانش کسب کنیم و از طریق آن به سعادت و انکشاف برسیم)، یک زن از غزنی.
(زمانی که ما مهاجرت کردیم، خانه‌های ما را در کابل بزور گرفتند. دولت باید برای مردمی مثل ما خانه تهیه کند.) یک مرد از کوهستان.
(مکاتب و کودکستان‌ها باید برای اطفال قربانیان اعمار شوند.) یک زن از پلخمری.

الف. برداشت عمومی از اهمیت پرداخت غرامت

۸۸ فیصد از پاسخ‌دهندگان نظرخواهی خواستار پرداخت غرامت و جبران خسارت توسط مرتکبین جرایم گذشته، به قربانیان، شدند^{۳۳}. ۹۰ فیصد از آنها تنها به حمایت شدن قربانیان موافقت نکردند؛ زیرا عمق دردهایی را که مردم در جریان جنگ‌ها کشیده‌اند به اندازه ایست که یک اشتراک‌کننده از کندهار چنین بیان داشت: «تمام مردم افغانستان قربانی جنایات بوده‌اند. شما فامیلی را یافت نمی‌توانید که با مرگ یا معلولیت روبرو نبوده باشد».

^{۳۳} در پاسخ به این پرسش که چه تعداد از مردم پرداخت غرامت را بر سایر مکانیزم‌های تأمین عدالت ترجیح می‌دهند، تنها یک پنجم افراد جواب مثبت دادند. تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان افغان در ایران (۴۶ فیصد) پرداخت غرامت به قربانیان را بهترین راه تأمین عدالت خواندند، در حالی که حمایتی که پاسخ‌دهندگان در ولایات کندهار، زابل و بامیان از پرداخت غرامت نشان دادند به دو برابر حد اوسط ملی می‌رسید. در سه ولایت جوزجان، فاریاب و هلمند و در میان مهاجرین افغان مقیم پاکستان، گروه بزرگی از پاسخ‌دهندگان از پرداخت غرامت به قربانیان جرایم جنگی، حمایت نکردند.



از دید اکثر مردم، پرداخت غرامت یعنی تهیه و ارائه کمکهای اساسی به قربانیان که شامل خوراک و سرپناه می شود. ۲۳ فیصد از پیشنهادها طرح شده در گروههای مباحثاتی، راجع به فراهم آوری مساعدتهای بنیادی به قربانیان است. ۱۶ فیصد از آنها در رابطه با آماده سازی زمینه تعلیم و تربیه رایگان به قربانیان است، در حالی که ۱۶ فیصد دیگر از پیشنهادهایی در رابطه با ایجاد زمینه کار برای قربانیان مطرح شده است. همچنین، ۱۳ فیصد از توصیه ها در خصوص چگونگی تأمین عدالت مؤثر یاد نمودند، ۸ فیصد پیشنهادات در مورد توسعه زیرساختها و ۸ فیصد دیگر درباره فراهم آوری کمکهای روانی و اجتماعی مجانی به قربانیان مطرح شده است.

همچنان، اشتراک کنندگان در گردیز براهمیت کمک به بیوه زنان، ایتم و پناهندگان تأکید کردند. در همین رابطه، یک مرد از لوگر پیشنهاد کرد: «دولت باید زندگی اطفال شهدا را تا زمانی که آنها بالغ شوند و بر پای خود ایستاد شوند، تأمین نماید».

یک اشتراک کننده از بلخ نظر مشابهی را ابراز کرد: (کمک های مادی و معنوی باید برای یتیمان و معیوبین فراهم گردد و فرصت های کاری نیز برای بازماندگان ایجاد شود).

اشتراک کنندگان در ولایت بامیان پیشنهاد کردند که برای بازماندگان قربانیان نقض حقوق بشر، زمین، خانه و مساعدتهای اقتصادی مهیا شود. آنها توصیه کردند که خانواده های قربانیان با ارائه عرایض خود به محاکم، خواستار پرداخت جبران خسارتهای مادی از سوی مرتکبین جرایم گذشته گردند. آنها همچنین خواستند تا متهمین در محاکم حاضر شوند و توضیحاتی را در این باره تقدیم نمایند. علاوه بر آنها توضیح دادند که با استفاده از این شیوه کینه توزی و عقده افرادی که پدر، برادر یا سایر اعضای خانواده خود را از دست داده اند، آرام خواهد شد.

اشتراک کنندگان در ولسوالی حضرت سلطان اظهار داشتند که قربانیان باید شناسایی شده و سپس برای آنها، کمکهای مادی و معنوی فراهم گردد. یکی از اشتراک کنندگان در شهر مهترلام بابا معتقد بود که باید «تسکین روحی» برای قربانیان آماده شود. در مجموع، «دلجویی از قربانیان» و «همدردی با آنها» حداقل انتظار بیست که قربانیان از مقامات دولتی دارند.

یک زن از کندهار شکایت کرد که: «شوهر و برادرم کشته شدند و تاکنون کدام مقام دولتی با من همدردی نکرده است».

(به قربانیان باید توجه شود و به شکایات شان رسیدگی گردد.) یک مرد از دایکندی.

شماری از اشتراک کنندگان به پرداخت غرامت به گونه جمعی اشاره کردند. اشتراک کنندگان در قریه شنیل ولسوالی شیر و ولایت بامیان، پیشنهاد کردند که در ساحتی که حقوق بشری مردم پامال شده است، سرکها و جاده ها باید آباد شود. برعلاوه، آنها توصیه کردند تا

دارالایتم هایی برای بازماندگان خوردسال ساخته شود. تعدادی از آنها به جبران خسارت نمادین و سمبولیک اشاره کردند و یادآور شدند که امکان تاریخی باید «به یاد قربانیان» احداث شود. برعلاوه اشتراک کنندگان پیشنهاد نمودند تا یک نهاد رسمی برای فراهم آوری حمایت های قانونی خاص برای کمک به قربانیان به صورت جمعی باید ایجاد شود. یک بنیاد باید برای قربانیان جنگی ایجاد شود و سیاستمداران و تاجران کشور به آن کمک نمایند و نسبت به مشکلات آنها بی تفاوت نباشند.

ب چه کسانی باید در روند پرداخت غرامت کمک نمایند؟

اشتراک کنندگان براین باور بودند که دولت، سازمان ملل متحد و جامعه بین المللی باید به برنامه پرداخت غرامت، کمک مالی نمایند. همچنان

تعدادی زیاد از اشتراک کنندگان مشوره ملی خواستار این بودند که کشورهایی که جنگ افغانستان را تشدید کرده بودند و در آن نقش داشتند؛ نیز باید در روند پرداخت غرامت و جبران خسارت اشتراک ورزند و در پروژه بازسازی افغانستان منحصی یک مسئولیت اخلاقی شرکت کنند و کمک نمایند.

نتیجه گیری

می توان با استفاده از مشورتهای انجام شده، نتیجه گیری های مهمی را در ارتباط با میکانیزم های غیرقضایی انجام داد. اولین نتیجه گیری این که مردم افغانستان وسیعاً از برکناری مرتکبین جرایم گذشته از وظایف هایشان پشتیبانی می کنند. اگرچه پاسخ دهندگان نظرخواهی بر اولویت عزل ناقضان سرشناس حقوق بشر از پستهای شان تأکید می کنند، اما آنها اظهارنظرهایی را نیز در خصوص ضرورت اصلاح و سازماندهی مجدد سیستم خدمات عامه ، ریشه کنی خویشاوندسالاری و واسطه گری و همچنین جانشین ساختن مولفه های اهلیت، کاردانی و پاسخگویی در اداره عمومی کشور، کرده اند. پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان بصورت عموم به پروسه هایی علاقمند بودند که جریان و دوره های جنگ طی آن مستند ساخته شده و ثبت تاریخ گردد.

حمایت از پرداخت غرامت نیز در سطح بالایی قرار داشت. به نظر می رسید که پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان به جای این که عنوان «قربانی» را به خود دهند (به این خاطر که اکثر آنان خود قربانی جرایم گذشته شده بوده اند)، آن را به سایرین؛ به ویژه به نیازمندترین اقشار جامعه، معلولین و آنهایی که نزدیکان یا نان آوران خود را از دست داده بودند، نسبت می دادند. نکته قابل ذکر دیگر این که آنها دیدگاهی از پرداخت غرامت ارائه کردند که بیشتر جمعی و گروهی بود. آنها همچنین اشاره کردند که این غرامتها باید به منظور رفع ضرورتهای بزرگتر اجتماعی پرداخته شود. نقطه دیگر این است که پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان از جامعه جهانی خواستند تا مسئولیتهای خود را در این عرصه عملی نمایند.

فصل چهارم

اقدامات پیشگیرانه: اصلاحات، آشتی و جلوگیری از وقوع مجدد جنایات

مقدمه

در این نظرخواهی، نظریات گوناگونی در خصوص سیاستهای آینده در کشور گردآوری شد.

نقش اصلاحات اداری

از پاسخهای اکثر اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی چنین برداشت می شود که اصلاحات اداری یکی از اجزای ضروری بازسازی در کشور است. مردم به ادارات دولتی بی اعتماد هستند. از همین رو، ایجاد یک حکومت نماینده، پاسخگو و مسئول با ادارات بیطرف، محور اکثریت گفتگوهای انجام شده در گروههای مباحثاتی را تشکیل می داد.

یک مرد از غزنی تأکید کرد: «بی عدالتی های گذشته زمانی جبران می شود که فساد از دواير دولتی برچیده شود و دولت خدمات بهتری را به مردم ارائه دهد».

اشتراک کنندگان خواستار تحقق اصل اهلیت و رفع خویشاوندسالاری و واسطه گری در اداره کشور بودند.

«زمانی که کار به اهل آن سپرده شود، اختلافها و بی اعتمادی ها از بین خواهد رفت» یک اشتراک کننده در کنر.

«سه چیز عدالت را در آینده تأمین خواهد کرد: حکومتی که از مردم نمایندگی کند، خلع سلاح و تطبیق شایسته سالاری در دواير دولتی» یک زن از بغلان.

«مقامات عالی دولتی باید به کسانی سپرده شوند که شایستگی دارند و حامی عدالت باشند» یک مرد از کندز.

نهادهای تامین امنیت از جمله نهادهایی شناسایی شد که ضرورت به اصلاحات دقیق تر و جدی تر دارند.

«تحکیم اردوی ملی و همکاری با دولت مرکزی، وحدت ملی را تأمین خواهد کرد و وحدت ملی، ثبات و صلح دوامدار را تضمین می کند» یک مرد از هلمند.

«اردوی ملی باید جای قوماندان و قوماندان سالاری را بگیرد» یک مرد از غزنی.

سپردن کار به اهل آن در ادارات عامه از جمله تقاضاهایی بود که توسط شمار زیادی از پاسخ دهندگان نظرخواهی و اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی ذکر شد که این خود بیانگر ضرورت فوری تطبیق اصلاحات اداری است.

«سیستم اداری باید اصلاح شود و افراد غیرمسلکی و بی کفایت سبکدوش شوند» یک مرد از غوربند.

بررسی نظریات اشتراک کنندگان درخصوص نظام عدلی و قضایی، بی اعتمادی مردم نسبت به این نظام را آشکار می سازد.

«بعد از این که حکومت منتخب به واسطه اراده مردم افغانستان ساخته شد، مؤسساتی که از حقوق قربانیان دفاع می کنند، ایجاد خواهند شد» یک اشتراک کننده در نیمروز.

یک مرد از بامیان، راه حل مبتکرانه ای را به منظور حسن حاکمیت در کشور پیشنهاد کرد. او اظهار داشت:

«تا زمانی که رهبران محلی بر محلات خود حکومت کنند، جلوی بی عدالتی را نمی توان گرفت. بنابر این مقامات عالی رتبه در ولایات و ولسوالی ها نباید از همان محل باشند. برای مثال، یک کندهاری باید والی بامیان تعیین شود و بر عکس. به این ترتیب این افراد قادر خواهند بود تا به امور مردم به طور بیطرفانه رسیدگی کنند».

یک مرد از نورستان با تأکید بر ارزش قانون در جامعه، خاطرنشان ساخت: «قانون اساسی که یک وثیقه میان مردم و حکومت است، باید تطبیق گردد».

نقش آشتی ملی

الف. ضرورت آشتی

جمع کثیری از اشتراک کنندگان گروه‌های مباحثاتی اعتقاد داشتند که مردم افغانستان نیاز به آشتی دارند. ۷۵ فیصد از اشتراک کنندگان در مورد ضرورت این آشتی توافق داشتند، در حالی که ۹ فیصد آنها بر این نظر بودند که نیازی برای چنین مصالحه ای وجود ندارد. «یک نیاز عاجل به مصالحه ملی وجود دارد؛ به این دلیل اختلافات قومی هنوز هم مردم را متفرق می سازد» یک مرد از غزنی. «باید صلح شود تا بساط تنفر از دل‌های مردم جمع شود» یک مرد از بادغیس.

اشتراک کنندگان در یکی از گروه‌های مباحثاتی در کابل معتقد بودند: «آشتی در بین مردم به این دلیل که دل مردم پر از عقده و کینه است».

یک اشتراک کننده از ده سبز بر این نظر بود که :

«آشتی ضروری است به این خاطر که مردم با یکدیگر اختلاف‌های زیادی دارند. علت این اختلاف ها هم این است که رهبر یک تنظیم، افراد تنظیم‌های مخالف را کافر می خواند».

یک زن هزاره از ولایت بلخ، تخطی های طالبان بر ضد مردم هزاره را یادآور شد و بر لزوم آشتی در صورتی تأکید نمود. او گفت: «مردم افغانستان جنگ‌های زیادی را تیر کرده اند که بعضی از این جنگ‌ها نژادی و قبیله‌ای بوده است. طالبان به نام پشتون، بقیه مردم را قتل می کردند. حالا، مردم ما فکر می کنند که تمام پشتونها قاتل و ظالم هستند، در حالی که این خارجی ها بودند که این جنایات و ظلمها را تحریک کردند. آنها بودند که به نام این و آن، جنگ را در میان افغانها به وجود آوردند. ما باید این مشکلات را حل کنیم و مردم باید با هم آشتی کنند».

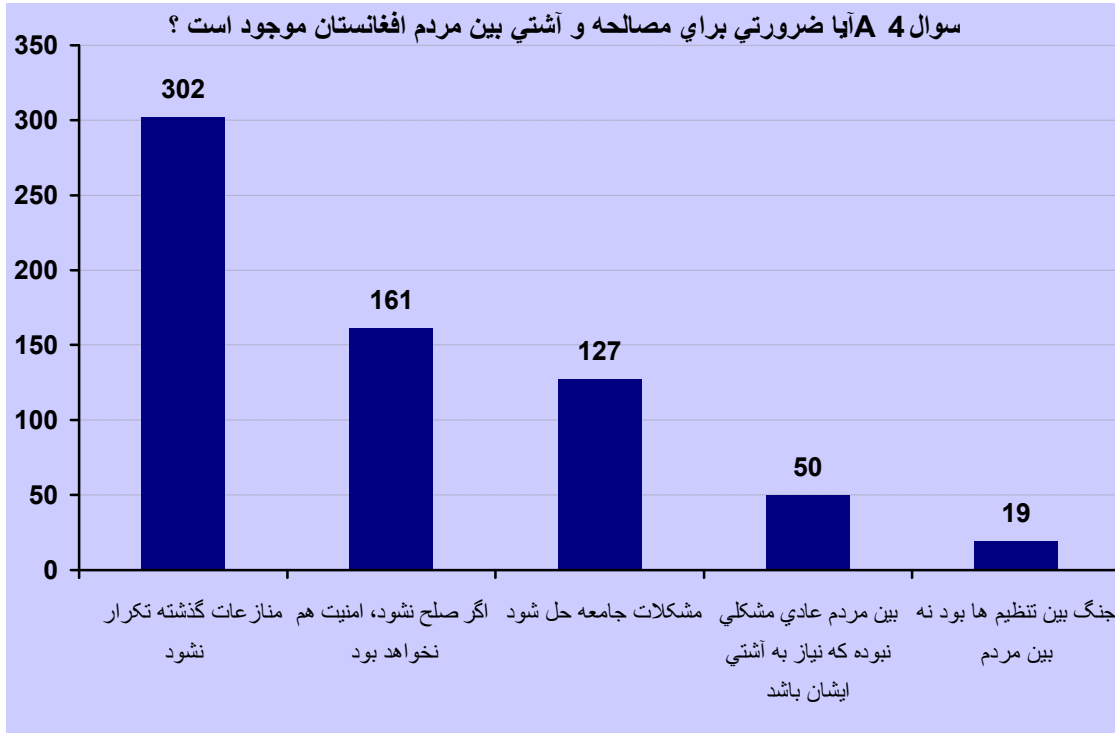
یک اشتراک کننده در ولسوالی سیغان تأکید کرد که باید توجه به رهبران متمرکز شود. او گفت: «تمام اقوام و قبایل با هم متحد هستند؛ اما ضرورت این است که رهبران و رؤسا متحد شوند و مصالحه کنند».

بخش بزرگی از اشتراک کنندگان تصریح کردند که جنگ سالاران و اعمالی را که آنها انجام می دهند، از جمله موانع اصلی در راه دستیابی به آشتی در کشور است. اشتراک کنندگان آنها را مسئول اختلافات دوامداری دانستند که در گذشته وجود نداشته است. در این رابطه، یک زن از بادغیس اظهار داشت:

«بالای مردم افغانستان فرض است تا آشتی کنند؛ به این خاطر که در گذشته در میان قومیتها هیچ خصومتی وجود نداشت، بلکه این قوماندانها بودند که اختلافها را به میان آوردند».

«تمام همین خلقی ها، پرچمی ها، طالبها و شورای نظار، مسلمان و افغان هستند. تنها زمانی مصالحه موفق خواهد بود که قدرتمندها اختلافات خود را کنار بگذارند و به تعقیب این کار، نفاق از جمع عوام دور خواهد شد».

اشخاصی که از ضرورت آشتی و مصالحه حمایت نکردند، این استدلال را پیش کشیدند که مشکلات و مسائل در میان شهروندان عادی کشور حل شده و آنها قبلاً با یکدیگر آشتی کرده اند. یک اشتراک کننده در کابل تأکید کرد که «۵۰ فیصد از مردم در حالت آشتی» قرار دارند.



اکثر اشتراک کنندگان از لزوم برگزاری گردهمایی های ملی و محلی برای گسترش آشتی سخن گفتند ۳۴.

«البته که بدینی میان مردم به وجود آمده است، ولی باید اجتماعی برای گفتگو و صحبت بین مردم و رسیدن به آشتی ملی ایجاد شوند» یک زن از کندز.

«شاید از طریق یک نوع اجتماع ملی یا مذهبی، ما بتوانیم که گفتگو و صحبت های برادرانه داشته باشیم و مشکلات قومی را حل کنیم» یک مرد از هلمند.

اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی دایر شده در کابل، راه های چندی را برای بسط و گسترش آشتی پیشنهاد نمودند: «علمای دینی می توانند این مشکل را در مساجد حل کنند».

«مکاتب و معلمها می توانند روی این قضیه کار کنند. باید انگیزه ای به وجود آید تا مردم متحد شوند».

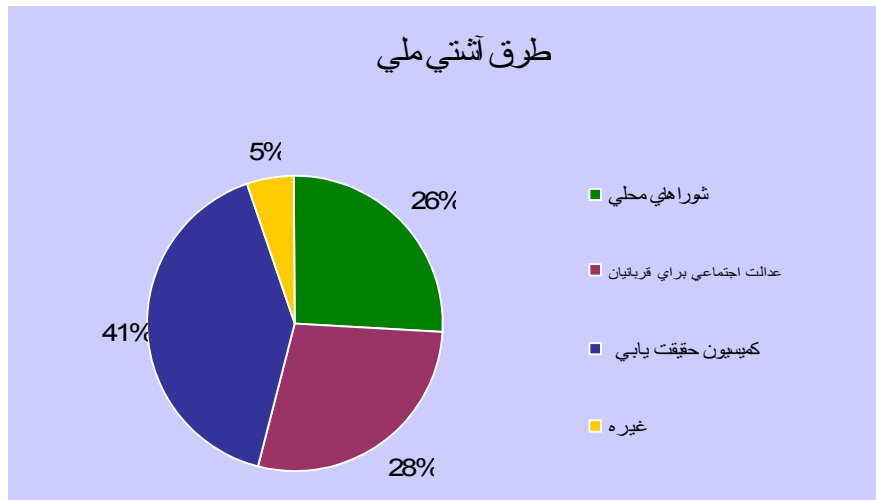
«باید مؤسساتی برای گسترش اخوت و برادری ایجاد شوند».

«باید حکومت مردمی ساخته شود و قانون اساسی تطبیق شود تا مردم به یکدیگر نزدیک شوند و بتوانند مشکلات خود را از این طریق رفع نمایند».

برخی از اشتراک کنندگان اعتقاد داشتند؛ از آنجایی که کشورهای خارجی نقشی در جنگ افغانستان دست داشته اند، آنها هم باید در روند آشتی وظیفه خود را انجام دهند.

«هر زمان که دشمنان داخلی و خارجی این ملت دست از مداخله بردارند، افغانها قادر به مصالحه و آشتی خواهند بود» یک مرد از هرات.

شمار دیگری از آنها خواستار ادای احترام به قربانیان و قدردانی از تلاش های آنها به منظور اصلاح نقض حقوق بشر در گذشته شدند. یک مرد از جلال آباد گفت: «آثار تاریخی باید به یاد قربانیان اعمار شوند». جدول زیر مفیدترین راههای آشتی و مصالحه را از دیدگاه اشتراک کنندگان نظرخواهی نشان می دهد.



ب. اقدامهای لازم برای ایجاد اعتماد و وحدت

«ما به هیچ کس اعتماد نداریم. دلیلش هم واضح است، همگی با ما بد کرده اند. ما تبدیل به یک ملت ظالم شده ایم. ما به ادارت دولتی هم اعتماد نداریم. خلاصه این که ما دیگر به هم اعتماد نداریم. خدا این مردم را مورد عفو و بخشایش خویش قرار دهد»

این احساسات تلخی است که یک مرد هراتی به آن اشاره داشته است. با تأمل بر گفته این فرد، ضرورت عاجلی که برای تأمین وحدت ملی و اتخاذ اقدامات اعتمادسازی در کشور وجود دارد، درک می گردد.

تعداد زیادی از اشتراک کنندگان چگونگی روابط میان ملت و دولت را بخش اساسی ایجاد اعتماد و وحدت ملی در افغانستان خواندند. «وحدت ملی زمانی شدنی است که مابین مردم و حکومت اعتماد وجود داشته باشد» یک زن از کندز.

«اگر مردم و حکومت در گفتار و عمل صادق باشند، اعتماد و وحدت ملی تأمین خواهد شد» یک مرد از بامیان.

بخش دیگری از اشتراک کنندگان بر لزوم ترویج برابری و رفع تبعیض از جامعه برای موفقیت فرایند ملت سازی تأکید کردند.

«اول، رهبران باید سر عقل بیایند و مردم هم باید از خوب و بد آگاه ساخته شوند تا این که زمینه از بین بردن تبعیضات مساعد و بی عدالتی ها جبران شود.» یک مرد از ارزگان .

«اعتماد و وحدت در بین مردم زمانی به وجود می آید که اختلافهای لسانی، قبیلوی و قومی از میان برود.» یک مرد از غزنی.

«اگر حقوق تمام گروههای قبیلوی و قومی در تمام جوانب زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مساویانه و متناسب با نفوس آنها رعایت گردد، وحدت ملی تضمین خواهد شد.» یک مرد از لغمان.

اشتراک کنندگان گروه‌های مباحثاتی، پیشنهادات زیادی را در زمینه تأمین وحدت ملی ارائه کردند. اکثریت آنها، خلع سلاح را پیشزمینه تأمین وحدت ملی دانستند.

«خلع سلاح سرتاسری، اعتماد و اتحاد را تضمین خواهد کرد» یک مرد از غزنی.

اشتراک کنندگان در ولسوالی (متدرک) خواستار تسریع روند خلع سلاح و برکناری جنایتکاران و مجرمین از ادارات دولتی شدند.

اشتراک کنندگان در بدخشان توصیه کردند که وزارت معارف، یک کتاب درسی را در این مورد برای استفاده در نصاب تعلیمی تهیه نماید. آنان اضافه کردند که هدف از این کتاب درسی باید آموزش «ارزش وحدت ملی» به معلمان و شاگردان باشد. این گروه مباحثاتی همچنان سفارش نمود که لیلیه‌هایی برای مکاتب ولایتی اعمار گردد تا شاگردان از نقاط مختلف افغانستان «به امید این که آنها با یکدیگر روابط و مناسبات دوجانبه، حسنه و دوستانه برقرار نمایند»، در آنجا اقامت کنند.

«ارگانه‌های باصلاحیت خصوصاً وزارت اطلاعات و فرهنگ باید برنامه‌هایی را برای اطفال ما جور کنند که اطفال ما یاد بگیرند که اگر نسل گذشته کارهای بدی را انجام داده است، آنها باید کار خوب انجام بدهند و مملکت را آباد کنند» یک زن از پروان.

اشتراک کنندگان در ولایت خوست بر اهمیت گسترش بازسازی برای اعتمادسازی و تأمین امنیت تأکید کردند.

«ما زمانی قادر خواهیم بود اعتماد و همبستگی را در میان مردم به وجود آوریم که سلاح از دست مردم جمع آوری شود و مردم بفهمند که «من» و «تو» و «شمال» و «جنوب» معنایی نداشته و به درد نمی‌خورد» یک مرد از هرات.

اشتراک کنندگان گروه‌های مباحثاتی در کابل خاطرنشان کردند که دولت به منظور تعیین خطوط سیاست‌های جدید، باید با مردان و زنان بیسواد نیز مشوره نماید. آنها توصیه کردند که یک نهاد نظیر لویه جرگه از کلیه اقوام دعوت نماید تا برای مشاوره، نظرخواهی و بحث گرد هم بیایند. آنها همچنان ابراز داشتند که کارهای زیادی باید برای از بین بردن فاصله طبقاتی میان ثروتمندان و فقرا صورت پذیرد.

اشتراک کنندگان در ولسوالی شیبیر به طرز محتاطانه بیان داشتند که فرصتها و مواقع کاری باید برای تمام اقوام فراهم گردد تا همه افراد کشور بتوانند «در بازسازی کشور» مشارکت کنند. اشتراک کنندگان در ولایت غزنی خواستار محو بیسوادی غرض بالا بردن اعتماد در بین مردم بودند.

در رابطه با مسئله رهبری، اشتراک کنندگان نظریات قاطعی را در خصوص ویژگیهای ضروری برای رهبران افغانستان اظهار کردند «ما زمانی شاهد وحدت خواهیم بود که رئیس دولت بیطرف باشد. رئیس دولت باید حامی منافع ملی و عامه باشد؛ نه این که تنها به فکر خود باشد» یک اشتراک کننده در غور

«رئیس جمهور آینده باید داکتر اجتماع باشد و بتواند که دردهای این ملت را شفا دهد» یک مرد از کابل.

یک زن از پروان که بر نقش رسانه‌های همگانی در ترویج وحدت ملی اصرار می‌کرد، گفت: «برای ایجاد وحدت ملی و اعتماد مابین مردم، تلویزیونها، رادیوها و اخبار وظیفه دارند که پیغام وحدت ملی را پخش نمایند و به اطفال ما بگویند که لغمانی‌ها هم بیادری‌های شما هستند».

اکثر اشتراک کنندگان بر اهمیت تعلیم و تربیه به منظور آشنایی مردم با حقوق و وجائب شان، تأکید نهادند.

«بیسوادی، علت اصلی تمام بدبختی‌های ما است» یک زن از بدخشان.

نتیجه‌گیری

نظرخواهی درباره تدابیر پیشگیرانه نشان می‌دهد که مردم پس از سالها تحمل درد، خشونت و سرکوب، دارای نظریات واضح و آشکاری برای بهبود سطح زندگی خود هستند. آنها توقع دارند تا مؤسسات عامه(دولتی) به گونه‌ای اصلاح شوند که تغییرات مثبتی در زندگی روزمره مردم ایجاد گردد. آنها انتظار دارند تا مردم در برابر سؤاستفاده از قدرت، حمایت شوند و خدمات مؤثری برای آنها ارائه گردد. برداشت عمومی این است که اصلاحات باید در قوه قضائیه، حارونالی، پولیس، اردو و نهادهایی که مستقیماً بر نحوه بهره‌مندی مردم از حقوق بشر تأثیر می‌گذارند، هرچه زودتر و جدی‌تر انجام شود.

اگرچه شمار قابل ملاحظه‌ای از اشتراک کنندگان و پاسخ دهندگان از روند آشتی ملی پشتیبانی کردند؛ لکن آنها بر این باور بودند که چنین روندی باید بر رهبران و قوماندانانی متمرکز شود که مخالف یکدیگر بوده و جنگ را آغاز کرده‌اند. پیشنهادهای بسیاری در زمینه

چگونگی پیشبرد برنامه آستی ملی مطرح شد که شامل استفاده از روشهای سنتی و دینی نیز می شود. مردم ابراز تمایل کردند تا در فعالیتهای ملت سازی مشارکت داشته باشند. آنها از رهبران کشور انتظار دارند تا با صداقت و مهربانی، چنین کاری را آغاز نمایند. از نظر بسیاری مردم، رفع تبعیض و تعصب به عنوان نقطه آغازین ایجاد اعتماد و وحدت ملی در کشور به شمار می رود. آنها توصیه کردند تا در جهت ارتقای سطح دانش و سواد مردم و مبارزه با بیسوادی جداً کوشش شود. دولت، جامعه مدنی و رسانه های همگانی از جمله بازیگران عمده در استراتژی ملت سازی پنداشته شدند.

فصل پنجم

تحلیل نتایج مشوره ملی و پیشنهادات:

مقدمه

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که براساس مکلفیت قانونی خود مشوره ملی را جهت تدوین استراتژی ملی به منظور رسیدگی به جرایم و موارد نقض حقوق بشر در گذشته، به راه انداخت.

موارد ذیل را براساس نتایج نظر خواهی ملی ارائه می نماید:

- (۱) خلاصه نتیجه گیریهای عمومی که از نظر خواهی ملی استنتاج شده است.
- (۲) نظریات مختصر درباره زمینه ها و محیط ملی و بین المللی تامین عدالت انتقالی.
- (۳) تدوین استراتژی ملی تامین عدالت انتقالی و پیشنهادهایی برای دولت و سایر مراجع ذیربط غرض تطبیق و عملی ساختن میکانیزم ها و استراتژی پیشنهاد شده در این گزارش.

۱ خلاصه نتیجه گیری های عمومی از نظر خواهی ملی

در مجموع، نتیجه گیریهای زیر از برنامه نظر خواهی ملی به منظور تنظیم پیشنهادهای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان صورت گرفته است:

- اکثر مردم افغانستان خود را به عنوان قربانیان مستقیم نقض جدی حقوق بشر در جریان جنگ، می شمارند.
 - شمار بسیار زیادی از مردم اعتقاد دارند که جرایم و تخطی ها به طور دوامدار در مدت ۲۳ سال جنگ رخ داده و حتی تا امروز ادامه دارد.
 - آنها وسیعاً نسبت به دولت، کارکنان ادارات دولتی و تا حدودی جامعه جهانی به دلیل پایان ندادن به این وضع، بی اعتماد هستند.
 - مردم به این باورند که تداوم پدیده معافیت از مجازات، به مجرمین فرصت داده است تا قدرت را به دست بگیرند و به ارتکاب تخطی های بیشتر روی آورند.
 - ضرورت عاجلی برای قطع روند گذشته نقض حقوق بشر و جلوگیری از تکرار آن در آینده وجود دارد،
- از سوی دیگر:
- برداشت مردم از مفهوم «عدالت» عمیق و ریشه بی است و آنها خواستار اجرای عدالت در ارتباط با جرایم گذشته و حال هستند؛
 - هنوز هم دولت و جامعه بین المللی فرصت دارند تا نسبت به رفع بحران اعتماد میان مردم و دولت اقدام کنند. بخش بزرگی از مردم از دولت و جامعه جهانی توقع دارند تا عدالت را تأمین نمایند؛
 - کلیه تدابیری که دولت برضد مجرمین مشهور اتخاذ می کند، به اعاده اعتماد و باور مردم به دولت و دولتمداران کمک خواهد کرد؛
 - مردم از ارتکاب جرایم در اوضاع کنونی، جداً اظهار نگرانی کرده اند و خواهان جلوگیری یا توقف این اعمال گردیده اند؛

- مردم نوعی از «عدالت» را می‌خواهند که مجموعه‌ی بی‌از اقدامات گوناگونی را دربرداشته و باعث اعاده اعتماد به نهادهای دولتی و رسیدگی به ضروریات و خواسته‌های قربانیان گردد.
- به صورت مشخص مردم در جریان مشوره ملی موارد ذیل را پیشنهاد نمودند:
- سیاست‌گذاران عدالت انتقالی باید به اصول اسلامی در افغانستان احترام گذاشته و از آن استفاده به عمل آورند. در ضمن باید چالشهایی را که افغانستان با آن روبرو است، در نظر گیرند که این چالشها شامل موارد ذیل می‌شود:
 - ناامنی که ایجادکننده فضای ترس و وحشت است؛
 - قدرت محدود دولت مرکزی و تسلط جنگسالاران بر محلات؛
 - مشکلات قضایی که جانبداری، فساد و ناکارآمد بودن قوه قضائیه را در بر می‌گیرد.
- سیاستها و روش‌های تامین عدالت انتقالی باید اتخاذ اقداماتی را در ارتباط با عاملین خارجی جنگ افغانستان که مردم قسماً آنها را مسئول درگیری در کشور می‌دانند، دربرداشته باشد؛
- مردم از برکناری جنایتکاران جنگی از وظایفشان قویاً پشتیبانی می‌کنند، بخصوص وظایفی که به آنان قدرت و صلاحیت بیشتر می‌دهد؛
- مردم قویاً خواهان تطبیق عدالت جزایی هستند. دلیل عمده مردم این است که جزا یکی از راههای عزل مجرمین کنونی از موقوف‌های شان است؛
- در ضمن به نظر می‌رسد سیاست عدالت انتقالی بدون تطبیق عدالت جزایی برای اکثر مردم قناعت بخش نخواهد بود؛
- روند عدالت انتقالی باید در داخل افغانستان توسعه یابد و رهبری آن را خود مردم برعهده داشته باشند؛ اما جامعه جهانی از آن حمایت کند؛
- مردم بر ثبت حقایق آنچه در گذشته در افغانستان روی داده است، تأکید کردند؛ اما روش این کار باید مشخص شود،
- ضرورت عاجل برای شناسائی و توجه به آسیب دیدگان و قربانیان جنایات ضد حقوق بشری وجود دارد.
- مردم خواهان توجه به نیازهای برخی از اقشار آسیب پذیر جامعه از قبیل مجروحان جنگی، معلولین، معیوبین و وابستگان آنانیکه جان‌های شان را از دست داده‌اند، هستند.

۲ عدالت انتقالی در وضعیت جاری سیاسی افغانستان

به منظور ارائه پیشنهادهای عملی ضروری است تا عرصه سیاسی فعلی کشور تا آنجایی که به تطبیق استراتژی عدالت انتقالی مرتبط است، بررسی شود. روند انتقال افغانستان در پی حملات نظامی ایالات متحده آمریکا به طالبان پس از ۱۱ سپتامبر به وجود آمد. در نتیجه مذاکرات بن آغاز شد و یک چهارچوب سیاسی شامل گروههای وابسته جبهه متحد و حامیان شاه سابق و تکنوکراتها تحت رهبری حامد کرزی به وجود آمد. از آن پس هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان «یوناما» و مخصوصاً فرستاده سابق سرمنشی سازمان ملل متحد به افغانستان آقای اخضر ابراهیمی به گونه جالب توجهی بر دوام روند سیاسی بدون توجه به گذشته، در کشور تأکید نموده‌اند.

در رابطه با روند سیاسی در افغانستان، پیشرفتهای زیادی به چشم خورده است. لویه جرگه اضطراری جوزای ۱۳۸۱ مطابق جون ۲۰۰۲ و لویه جرگه قانون اساسی به منظور تصویب قانون اساسی جدید افغانستان به تعقیب برنامه آگاهی عامه، تدویر شدند و در میزان ۱۳۸۳ مطابق اکتوبر ۲۰۰۴، انتخابات ریاست جمهوری به گونه صلح آمیز و تاریخی برگزار شد و قرار است انتخابات پارلمانی در حمل ۱۳۸۴ مطابق اپریل ۲۰۰۵ دایر شود. این اقدامات نشانگر آنست که افغانستان موفقانه و استوار در حال گذار از یک حکومت انتقالی با مشروعیت محدود به سوی یک حکومت منتخب و پایدار است. در کنار حفظ ثبات شکننده کشور اهمیت روند سیاسی و مسائل جدی‌یی که در پیشبرد آن مطرح هستند، نباید دست کم گرفته شوند و باید به نقش سازمان ملل متحد در ادامه این روند توجه کرد.

برخلاف توافقات اخیر صلح در جهان توافقات بن برای ایجاد مکانیزم پاسخگویی در مورد اعمال گذشته در روند سیاسی ناکام مانده است. گرچه موافقتنامه بن به مسئله پاسخگویی به عنوان یک اصل و پرنسپ توجه دارد ولی حاوی هیچ مکانیزم خاصی برای تأمین آن نیست.^{۳۵} در جریان مذاکرات بن یکی از ماده های پیشنهادی در موافقتنامه بن مبنی بر عفو رد شد و در مقابل ماده پیشنهادی سازمان ملل متحد مبنی بر جلوگیری از اعلام عفو و بخشش توسط دولت آینده که در مسوده اولین طرح صلح ملل متحد برای افغانستان (موافقتنامه بن) گنجانیده شده بود نیز حذف گردید.

از آن پس تلاشها برای خارج ساختن متهمان ارتکاب جرایم گذشته از پستهای سیاسی انتصابی براساس سوابق حقوق بشری آنها با موانع متعددی مواجه بوده است. در این باره می توان از لویه جرگه اضطراری مثال آورد. طرزالعمل انتخابات اعضای لویه جرگه اضطراری تصریح می کرد که افرادی که به ارتکاب جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و دست داشتن در قاچاق مواد مخدر مشهور هستند، فاقد صلاحیت حضور در این جرگه می باشند. علاوه بر آن وکلا مجبور بودند تا سوگندنامه ای را برای احراز نمایندگی در لویه جرگه اضطراری امضا کنند. لیکن تمام این تدابیر که شامل مکانیزم رسیدگی به شکایات نیز بود، با انتصاب تعداد پنجاه نفر که خلاف طرز العمل های لویه جرگه اضطراری به این جرگه راه یافتند و درمیان آنها برخی از ناقضان مشهور حقوق بشر قرار داشتند، ناکام گذاشته شد.

جنگ سالاران همچنان توانستند با استفاده از نیرو و ارباب به حضور در لویه جرگه قانون اساسی راه یابند. آنها برای بار دیگر می خواستند تا ماده ای را مبنی بر مصونیت از تعقیب عدلی در قانون اساسی بگنجانند که این نظر قویاً با مخالفت شدید شماری از نمایندگان که خواستار گنجانیدن ماده ای برعکس در قانون اساسی بودند، رد شد. نهایتاً قانون اساسی نیز مانند موافقتنامه بن در ارتباط با مسئله پاسخگویی از اعمال گذشته و محاکمه سخنی برای گفتن ندارد.

بالاخره بر مبنای قانون انتخابات، حزب سیاسی دارای شاخه نظامی و گردانندگان بد سابقه در عدم رعایت حقوق بشر فاقد شرایط لازم برای ثبت نام می باشند. اگر این مکانیزم به گونه مؤثر تطبیق می شد، این توانمندی وجود داشت تا برخی از کاندیداهای سیاسی رد صلاحیت شوند. سیستم عدلی و قضائی کشور قادر نبود تا در جهت اجرای این مکانیزم کوششی به خرج دهد. به همین ترتیب، اشخاصی از احزاب سیاسی مذکور، توانستند از طریق «دفتر مشترک تنظیم انتخابات» به عنوان کاندیدان مستقل به کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری نیز نائل شوند.

بنابراین، عدالت انتقالی و روند سیاسی از زمان موافقتنامه بن تاکنون در خطوط جداگانه ای قدم برداشته اند؛ اما دیگر ممکن نیست تا روند سیاسی در مسیری جدا از مسیر عدالت انتقالی و پاسخگویی پیش رود. افراد بیشماری که در نظرخواهی ما شرکت کردند بر لزوم تأمین پاسخگویی تأکید نمودند. بنابر این باید در روند انتخابات آینده و تقرر افراد به موقعیتهای کلیدی در دولت به مسئله پاسخگویی و بررسی صلاحیت آنها از دیدگاه حقوق بشر توجه جدی مبذول داشته شود. سرمنشی سازمان ملل متحد در گزارش اخیر خود درباره عدالت انتقالی و حاکمیت قانون تصریح کرده است:

«عدالت و صلح نیروهای متضاد نیستند؛ بلکه - در صورت پیگیری درست - این ها یکدیگر را گسترش داده و دوام می بخشند. بنابراین سؤال این نیست که آیا عدالت و پاسخگویی را تعقیب کنیم یا خیر؛ بلکه مسئله این است که چه زمانی و چگونه تعقیب کنیم»^{۳۶}

احتمالاً پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری امکان آوردن تغییرات خاص قوت پیدا می کند. نتایج نظرخواهی نشاندهنده این نکته است که باور و اعتقاد مردم به حکومت و جامعه بین المللی در صورتی قابل اعاده خواهد بود که آنها مشکلات مردم را در عرصه ثبات و عدالت پایدار و دراز مدت حل کنند.

اکثر افرادی که ما با آنها مصاحبه کردیم از ارزش و اهمیت مسئله تأمین عدالت پاسخگویی محاکمه و قیمت گزافی را که باید برای آن پرداخت، آگاه بودند. استراتژی یی را که ذیلاً طرح کرده ایم؛ در حالی که انتظارات مردم مبنی بر پاسخگویی در آن در نظر گرفته شده، در جهت رفع چالشهای عمده و واقعی افغانستان نیز کوشیده است.

³⁵ در موافقتنامه صلح اخیر در کشورهای آفریقای قبیل سیرالیون، لائوس، جمهوری دموکراتیک کنگو و بوروندی، اشارات آشکاری به مکانیزم های مختلف از جمله کمیسیونهای حقیقت یابی و آشتی شده است.

³⁶ گزارش سرمنشی سازمان ملل متحد، حاکمیت قانون و عدالت انتقالی در جوامع در حال جنگ و پس از آن، ۳ اگست ۲۰۰۴، سازمان ملل متحد، سند Doc. S/2004/616، بند ۲۱.

ما در تنظیم سفارشات خود موانع جدی ثبات و امنیت افغانستان و مصونیت شاهدان را مدنظر قرار داده ایم. ما معتقد هستیم که کار برنامه‌ی و استراتژی‌یک در زمینه‌ی تأمین پاسخگویی و محاکمه متهمین ارتکاب جنایات گذشته، ثبات کشور را خدشه دار نخواهد کرد. در عوض، باور ما این است که عدم توجه به تأمین عدالت و حسابدگی و به قدرت رسیدن افراد بدون بررسی سوابق گذشته و تمایلات امروز آنها، تهدیدی در برابر ثبات و صلح پایدار در افغانستان به حساب می‌آید.

۳ زمینه‌های بین‌المللی عدالت انتقالی

بررسی زمینه‌های بین‌المللی کنونی درباره عدالت انتقالی با مسائل افغانستان رابطه قابل ملاحظه‌ای دارد. در این ارتباط، دو روند بین‌المللی حائز اهمیت است:

- 1 دهه گذشته شاهد تلاش‌های کشورهای زیادی برای رسیدگی به جرایم گذشته به اشکال مختلف بوده است که می‌توان از تجارب برخی از آنها در سیاست‌گذاری عدالت انتقالی در افغانستان کار گرفت؛
- 2 در سطح سازمان ملل متحد، تمرکز خاصی بر موضوع عدالت انتقالی و حاکمیت قانون شده است که نتیجه آن گزارش سرمنشی این سازمان در این رابطه می‌باشد؛

عدالت انتقالی در جریان دهه گذشته شاهد تغییرات بزرگی بوده است. برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که این رشته از تلاش‌های کشورهای نظیر چیلی و ارجنتاین برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در وضع پس از دیکتاتوری و با تشکیل کمیسیون‌های حقیقت‌یابی برای تحقیق موارد ناپدیدگی و لادری نشأت گرفته است. تعدادی دیگر از کارشناسان به محاکمات نورنبرگ و توکیو اشاره و استدلال می‌کنند که رشته عدالت انتقالی در جریان این رویدادها ظهور کرده است.

به هر حال سالیان اخیر شاهد تغییرات چشمگیری در شیوه‌های رسیدگی به جرایم گذشته از سوی کشورها بوده است. کمیسیون‌های حقیقت‌یابی در کشورهای چون گواتیمالا، سلووادور، چاد، آفریقای جنوبی، پیرو، تیمور شرقی، غنا و سیرالیون ایجاد شده است.^{۳۷} قرار است تا کمیسیون‌های حقیقت‌یابی جدیدی در لایبریا، اندونزی و کینیا تأسیس شوند.^{۳۸} در ارتباط با جهان اسلام اینکه جدیداً یک کمیسیون حقیقت‌یابی در کشور مراکش به منظور تحقیق مسائل مربوط به لادری و شکنجه و ارائه سفارشات درباره نحوه پرداخت غرامت به قربانیان، تشکیل شده است. قرار است این کمیسیون، برگزاری جلسات استماع را به زودی آغاز کند.

در سطح بین‌المللی در خصوص برگزاری موفقانه محاکمه متهمان ارتکاب جرایم گذشته در داخل کشور، نمونه‌های اندکی به چشم می‌خورد که شامل یونان، ارجنتاین و رواندا می‌شود.^{۳۹} نقطه جالب دیگر این است که برای تحقیق وقایع جنگ در یوگوسلاوی سابق و رواندا، محاکم بین‌المللی شکل گرفت و در کشورهای کوسوو، تیمور شرقی و سیرالیون، محاکم مختلط با ترکیبی از قضات و کارکنان ملی

37 این کمیسیونها در تمام موارد، با هم تفاوت داشته‌اند. کمیسیونهای حقیقت‌یابی در آمریکای لاتین (به استثنای پرو) عموماً به بررسی تخطی‌ها بدون برگزاری جلسات استماع عمومی و از طریق اخذ اظهار نامه از قربانیان و شهود در پشت درهای بسته، پرداخته‌اند. این کمیسیونها هیچگونه عفو و بخششی را به مجرمین اعطاء نکرده‌اند. کمیسیون حقیقت‌یابی و آشتی آفریقای جنوبی، تنها کمیسویی بود که از قدرت‌های عفو فردی به آن دسته از مجرمینی که کلیه جوانب اشتراکشان در ارتکاب جرایم سیاسی را افشا می‌ساختند، برخوردار بود. همچنین، این اولین کمیسویی بود که جلسات استماع عامه را دایر کرد. کمیسیون حقیقت‌یابی و آشتی آفریقای جنوبی توانسته است تا تأثیرات بزرگی را بر برداشت مردم از نقش این کمیسیونها، وارد کند و تمام کمیسیونهای حقیقت‌یابی که پس از آن تشکیل شده‌اند، از طرز‌العمل آن در برگزاری جلسات استماع عامه پیروی کرده‌اند. هیچ یک از این کمیسیونها، عفو اعطاء نکرده‌اند. اما، کمیسیون حقیقت‌یابی در تیمور شرقی از صلاحیت کاهش مسئولیت جزایی برخی از مجرمین برخوردار بود و به جای تعقیب قضایی بیشتر مجرمین، آنها مجبور بودند تا خدمات اجتماعی را به مردم ارائه دهند.

38 در لایبریا، پیش‌نویس مقررات کمیسیون تهیه شده است. این در حالی است که مقررات کمیسیون حقیقت‌یابی در اندونزی به تصویب رسیده است. در کینیا نیز علاقمندی برای تأسیس یک کمیسیون عدالت و حقیقت‌یابی به منظور رسیدگی به فساد و نقض حقوق بشر وجود دارد.

39 در یونان، روند محاکمه پس از یک دوره دیکتاتوری نظامی در سال ۱۹۷۴ برگزار شد. محاکمات در ارجنتاین نیز پس از ختم کار تحقیقی کمیسیون در خصوص موارد لادری شدن اشخاص، در سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۷ تدویر شد. مفسرین معتقدند که اجرای این محاکمات در بازگشت حاکمیت دموکراتیک و تحقق اصول دموکراسی در این کشورها، از کمال مؤثریت برخوردار بوده است. در رواندا نیز پس از نسل‌کشی (ژینوساید)، محاکمات گسترده‌ای دایر شد و در اتیوپی پس از حاکمیت خونین منگیستو، این محاکمات جنبه عملی پیدا کرد. نکته قابل ذکر این است که روند محاکمه در این کشورها با مشکلاتی از قبیل بازداشت بیش‌ازاندازه مجرمین پیش از محاکمه، روبرو بوده است.

و بین المللی تشکیل شده است و در نظر است تا یک محاکمه مختلط دیگر برای محاکمه جنایاتی که در دوره «خمرهای سرخ» در کامبودیا رخ داده است، تأسیس گردد.^{۴۰}

در تیمور شرقی و سیرالیون در کنار این محاکم، کمیسیونهای حقیقت یابی نیز وجود داشته اند.^{۴۱} بر علاوه، شکل گیری «محکمه جزایی بین المللی» یک تحول عظیم دیگر است که اخیراً به وقوع پیوسته است و افغانستان اساسنامه آن را به تصویب رسانده است.^{۴۲}

کشورهای زیادی با مشکلات روبرو شده اند که با وضعیت افغانستان قابل مقایسه است، اما نکته واضح این است که تمام این ممالک دانش و تجربیاتی را کسب کرده اند که می توان از آن در افغانستان بهره گرفت.^{۴۳} کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از این تجارب به منظور تهیه توصیه های خود بر اساس نظرخواهی ملی، استفاده کرده و خواهد کرد. همچنین، کمیسیون از تمام افرادی که در این زمینه دارای تجربه و تخصص هستند، دعوت می نماید تا به تحقق استراتژی عدالت انتقالی در کشور یاری رسانند.

گزارش اخیر سرممنشی سازمان ملل متحد در خصوص عدالت انتقالی و حاکمیت قانون بیانگر درسهای مهمی است که از قسمتهای مختلف دنیا در این زمینه، آموخته شده است. سرممنشی در ابتدا، اصول عمده که در این رشته وجود دارد را تأیید و موارد زیر را یادآوری می کند:

(۱) ضرورت است تا نهادهای ملی، نقش رهبری را در ارزیابی نیازها و توانمندیهای ملی به عهده بگیرند.

(۲) ضرورت است تا مشورتهای و نظرخواهی هایی برای راهنمایی سیاستگذاران انجام شود (وی مخصوصاً از افغانستان به عنوان یک نمونه مثبت یاد کرده است!).

(۳) ضرورت است تا از اصلاحات داخلی به جای تحمیل راه حل های خارجی حمایت شود،

(۴) ضرورت است تا استراتژیهای کامل و متمم اتخاذ گردد تا احترام به حقوق و کرامت قربانیان تأمین شود.

سرممنشی سازمان ملل متحد در گزارش خود، تطبیق روند محاکمه در داخل کشور، جایی که تخطی ها در آنجا روی داده است را بر ایجاد محاکم ویژه بین المللی نظیر آنچه برای یوگسلاویای سابق و رواندا تشکیل شد، ترجیح می دهد. در این گزارش، به نقش مهم و دایمی محکمه جنایی بین المللی در جلوگیری و ریشه کنی معافیت از مجازات اشاره شده است. در پایان، سرممنشی سازمان ملل متحد وعده داده است که این سازمان از روندهای حقیقت جویی، برکناری ناقضان حقوق بشر و پرداخت غرامت به قربانیان پشتیبانی خواهد کرد.

دلیل تأکید سازمان ملل متحد بر مقوله عدالت انتقالی این است که به احتمال قوی، امکانات و حمایت سیاسی بیشتری برای عدالت انتقالی در سطح بین المللی مهیا خواهد شد. دلیل دیگر این است که احتمالاً سازمان ملل متحد به تعیین یک مکانیزم معیاری برای مساعدت با کشورها در رسیدگی به نقض حقوق بشر در گذشته، اقدام خواهد کرد.^{۴۴}

40 در کوسوو و تیمور شرقی، یک ارگان مختلط مرکب از قضات داخلی و بین المللی برای بازسازی نظام قضایی داخلی ایجاد گردید. در حالی که در سیرالیون، یک نهاد ویژه تحت عنوان «محکمه خاص» با ترکیبی مختلط، تأسیس شد. محاکم در سیرالیون و کامبودیا بر اساس توافقنامه ای که از سوی کشورهای مذکور و سازمان ملل متحد تصویب شده بود، ایجاد گردیده بودند.

41 در تیمور شرقی، کمیسیون حقیقت یابی و محکمه مختلط در صورت شریک سازی اظهارات در خصوص متهمین با حارنوال، از مناسبات رسمی برخوردار بودند. بعداً، حارنوال وقت کمی برای تصمیم گیری در مورد آغاز تعقیب قضایی داشت و در صورت عدم تصمیم گیری، قضیه های متهمین به «روند آشتی با جامعه» فرستاده می شد. در سیرالیون، روابط رسمی در میان کمیسیون حقیقت یابی و آشتی و محکمه خاص وجود نداشت. اگرچه این دو نهاد در پهلوی یکدیگر کار می کردند اما دارای تماسهای نزدیکی با هم نبودند. نتیجتاً این امر باعث بروز مشکلات و موانعی در اجرای وظایف دو مؤسسه یاد شده گردید.

42 اساسنامه محکمه جزایی بین المللی در جولای ۲۰۰۲، نافذ گردید. تا حال ۱۰۰ کشور جهان این اساسنامه را تصویب کرده اند. بر اساس این اساسنامه، صلاحیت قضایی این محکمه گذشته را شامل نمی شود (به ماقبل رجعت نمی نماید). در حال حاضر، این محکمه، پس از آنکه یوگاندا و جمهوری دموکراتیک کانگو قضایایی را به آن راجع ساختند، سرگرم انجام تحقیقاتی در کشورهای متذکره است.

43 برای مرور تحولات نوین در عرصه عدالت انتقالی، به «تحقیق مستقل درباره اقدامات برجسته و پیشنهادات برای کمک به دولتها در زمینه تحکیم ظرفیت داخلی برای مبارزه با پدیده معافیت از مجازات» نگاه کنید. این تحقیق توسط پروفیسور دیان اورنتلیشر انجام شده و در سند UN Doc. E/CN.4/2004/88 مورخ ۲۷ فبروری ۲۰۰۴ قابل دریافت است.

44 در حال حاضر، اقدامات بین المللی در زمینه عدالت انتقالی همشکل نیست: پیشنهاد ایجاد یک کمیسیون بین المللی تحقیق به منظور گردآوری اطلاعات کامل در مورد تخطی های جدی حقوق بشر در افغانستان - که از جانب اسما جهانگیر «گزارشگر خاص سازمان ملل متحد درباره قتل های غیرقانونی، غیررسمی یا خودسرانه» مطرح شده بود - در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از حرکت باز ماند. این در حالی است که یک کمیسیون جدیداً برای بررسی اینکه آیا نسل کشی (ژنوساید) در منطقه دارفور سودان رخ داده است یا خیر، تشکیل شده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از تحولات نوینی که در سطح سازمان ملل متحد اتفاق افتاده است، استقبال کرده و تصریح می کند که تحقق استراتژی عدالت انتقالی که در ذیل طرحریزی شده است، به کمک و حمایت این سازمان ضرورت دارد.

پیشنهادها

در این بخش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پیشنهادهای متعددی را غرض تطبیق استراتژی تامین عدالت انتقالی ارائه می دارد. بخش عمده این پیشنهادهای مستقیماً به حکومت راجع می شود و مسئولیتهائی را به دوش آن می گذارد. بر علاوه درمورد اقداماتی که ملل متحد، جامعه جهانی، جامعه مدنی و خود کمیسیون مستقل حقوق بشر غرض تامین عدالت در افغانستان انجام داده می تواند اشاره می کند. همچنان یک سلسله اقدامات که بصورت عاجل و در کوتاه مدت باید توسط حکومت انجام داده شود پیشنهاد شده است. این پیشنهادات اقدامات عاجل که گامهای اولیه را جهت حساسی و جلب اعتماد مردم فراهم خواهد ساخت، در برمی گیرد. بر علاوه کمیسیون از حکومت می خواهد که تعهد خود را مبنی بر توجه به یک استراتژی همه گیر و وسیع واضح بسازد؛ زیرا بعضی از عناصر در تامین عدالت انتقالی وجود دارد که احتمالاً بعداً بروز خواهند کرد و بدین ترتیب بدون آن، پروسه تامین عدالت نامکمل خواهد بود.

پیشنهادهایی برای رئیس جمهور

۱ تعهد سیاسی برای تامین عدالت

در دوره پس از انتخابات، افغانستان در مرحله سرنوشت سازی قرار دارد. آقای حامد کرزی با برخورداری از پشتیبانی گسترده از تمام اقشار جامعه افغانستان، به عنوان رئیس جمهور کشور برگزیده شده است و ما از او تقاضا داریم تا از قدرت و اعتبار ملی و بین المللی خود در جهت تحقق این استراتژی استفاده نموده و کمیسیون از آقای حامد کرزی می خواهد تا تعهد و علاقمندی سیاسی را غرض تامین عدالت انتقالی در حضور مردم فراهم سازد.

در جریان تاریخ معاصر جهان، شماری از رهبران جهان گامهای مهمی را در جهت بازسازی کشورهايشان پس از دوره های نقض حقوق بشر، برداشته اند. در زیر، به اظهارات برخی از این رهبران در دوره های تاریخی کشورهايشان، اشاره شده است:

«امروز یک روز فراموش نشدنی برای آفریقای جنوبی است. امروز، امیدها و رویاهایی که مردم برای سالها انتظار آن را می کشیدند، تحقق یافته است. ما می خواهیم تا مرحله جدیدی از امید، آشتی و ملت سازی را آغاز کنیم» نلسون ماندیلا، رهبر آفریقای جنوبی هنگام رأی دهی در انتخابات سال ۱۹۹۴.

مثال های الهام بخش دیگری نیز از سایر رهبران جهان مخصوصاً رئیس جمهور ویسنت فاکس از مکزیک و محمد ششم شاه مراکش نیز درین زمینه موجود است.

نظرخواهی ملی ما نیز بیانگر این است که مردم افغانستان نیز برای تامین خواسته های مشابهی فریاد زده اند.

«باید که برایتان بگویم که تحقیق درباره بدبختی های قربانیان و بازماندگان شهدا، اعتماد به حکومت را زیاد می کند؛ متأسفانه که کدام مقام یا مرجعی تاکنون به آنها توجه نکرده است» یک مرد از بامیان.

«ما رهبری را می خواهیم که بتواند احترام مردم را کسب کند» یک زن از کندهار.

تقریباً ۷۰ فیصد از اشتراک کنندگان نظرخواهی، شخصاً از نقض حقوق بشر در جریان جنگ متأثر شده اند. دوره پس از انتخابات ریاست جمهوری، فرصت بی نظیری را برای آقای کرزی به منظور رفع مشکلات و التیام دردهای مردم ایجاد می کند. ما از وی تقاضا داریم که در جهت اجرای دو تدبیر ذیل کوشش نماید:

1 از رئیس جمهور درخواست می کنیم تا به برنامه ریزی و اجرای یک سلسله از تدابیر نمادین و سمبولیک به منظور حمایت از قربانیان اقدام کند. این تدابیر می تواند شامل اعمار بناهای یادبود یا تعیین اماکن و ایام یادبود از قربانیان باشد. این اقدامات هزینه زیاد ضرورت نخواهد داشت اما دارای ارزش نمادین است. در گذشته، این تلاشها برای ارجح سازی به مقام و کوشش مجاهدین برای ملت سازی در افغانستان انجام شده است که اکنون باید برای اذعان به دردها و مشقتهای اکثریت مردم افغانستان در جریان دهه های جنگ، صورت پذیرد.

2 از رئیس جمهور می خواهیم تا در حضور مردم به منظور رسیدگی به جرایم گذشته از طریق یک استراتژی دراز مدت و یکپارچه شامل برکناری، عدالت جزائی، جستجوی حقایق و پرداخت غرامات می باشد، تعهد نماید. ما از او تقاضا داریم تا به مردم افغانستان اطمینان دهد تا این استراتژی عدالت انتقالی را که به منظور تامین عدالت که براساس خواست مردم اولویت بندی شده است، تطبیق نماید. برخی از جنبه های این استراتژی (در مورد جستجوی حقایق و پرداخت غرامت) بعداً تعریف و با جزئیات توضیح داده خواهد شد. با وجود این ما از محترم حامد کرزی، رئیس جمهور کشور خواستاریم تا نسبت به تطبیق این استراتژی متعهد باشد.

3 بر علاوه ما از ریش سفیدان و بزرگان در مناطق مختلف کشور تقاضا می نمایم تا اقدامات مشابه را غرض شناسائی قربانیان و آسیب دیدگان انجام داده و حمایت خود را از تطبیق این استراتژی ملی اعلام دارند. همچنان از علما و روحانیون می خواهیم تا از منبرها، مساجد و تکایا غرض تشویق وحدت ملی و مصالحه ملی در سطوح محلی استفاده نموده و مردم را به آن تشویق کند.

بررسی صلاحیت کاری و عزل از موقف های دولتی

نتایج نظرخواهی نشان می دهد که مردم شدیداً خواستار برکناری آن دسته از تخطی کنندگان حقوق بشری هستند که تاکنون موقعیتهای پرصلاحیتی را در جامعه به دست دارند. تقرر ناقضان حقوق بشر به پستهای بلند در واقع، تأییدی بر جنایات گذشته آنها است. بخش بزرگی از پاسخ دهندگان نظرخواهی، روند حقیقت جویی را یکی از راههای افشای این افراد و روند عدالت جزایی را یکی از وسائل عزل آنها دانستند. از آنجایی که آغاز این روندها در آینده نزدیک غیرمحمتمل است، پس در کوتاه مدت، اتخاذ یک برنامه بررسی صلاحیت کاری آنها ضروری پنداشته می شود.

از نتایج نظرخواهی فهمیده می شود، نهادهایی که در آن مجرمین حقوق بشر هنوز حضور دارند، مورد اعتماد مردم نخواهند بود. اقدامات برای بررسی صلاحیت این اشخاص؛ حتی اگر محدود باشد، به رفع بحران اعتماد که بر کشور حاکم شده است، کمک خواهد کرد.

بررسی صلاحیت کاری از لحاظ حقوق بشر یک پروسه تخنیکی می باشد؛ زیرا دیدگاه های را که ما در ذیل پیشنهاد نموده ایم، یک چهار چوکات کاری را در این زمینه ارائه می دارد که قابلیت تطبیق عملی را دارا است. کمیسیون با درک این که سازمان ملل متحد در این زمینه از تجارب کافی برخوردار است، از حکومت می خواهد تا در پهلوی این چهارچوکات کاری از تجارب ملل متحد و سایر متخصصین این عرصه نیز استفاده نماید.

الف. بررسی صلاحیت کاری به عنوان شیوه متفاوت از اصلاحات اداری

اداراتی که حقوق بشر در آنجا نقض شده و منافع شخصی برخی از افراد را تأمین کرده است، باید به ادارات حامی حقوق بشر و بازدارنده نقض آن تبدیل شده و طور بی طرفانه به مردم افغانستان خدمت کنند. از آنجایی که ادارات از طریق کارکنان و پرسونل خود اجرای وظیفه می کنند، بنابر این اصلاح کارکنان باید رکن اساسی اصلاحات اداری را تشکیل دهد. یکی از اجزای مهم بررسی صلاحیت، اصلاح پرسونل است. بررسی صلاحیت روندی است که به منظور ارزیابی کفایت و شایستگی افراد برای پستهای خاص مورد استفاده قرار می گیرد. در واقع، بررسی صلاحیت یکی از راه حل هایی است که برای ارزیابی صداقت اشخاصی که موقعیتهای مهم را در دست دارند و تعیین این که آیا شایستگی ادامه کار را دارند یا خیر، استفاده می شود.

برکناری ناقضان حقوق بشر از کار الزاماً مؤسسات حکومتی را به نهادهایی که عادلانه و مؤثرانه فعالیت می کنند، تبدیل نخواهد کرد. علت این است که ادارات عامه با کمبودها و مشکلات زیادی روبرو هستند. برای مثال، کارمندان مؤسسات عامه از شرایط و مهارتهای لازم برخوردار نبوده و در مجموع، پرسونل این مؤسسات از کل نفوس کشور نمی توانند نمایندگی می کنند. از آنچه ذکر شد بر می آید که این مؤسسات دارای ساختار سازمانی مؤثر و کارآمدی نمی باشند. بنابراین، طرزاعمال بررسی صلاحیت باید بر کلیه مؤسسات عامه تطبیق شود. با این هم، کمیسیون بر این باور است که این کار یک روند دراز مدت است. پیشنهاد کمیسیون در کوتاه مدت این است که یک برنامه به منظور بررسی صلاحیت مقامات بلندپایه و کاندیداهای پستهای کلیدی بر اساس کارنامه حقوق بشری آنها، اتخاذ و اجرا شود.

ب. برنامه پیشنهادی برای بررسی صلاحیت در کوتاه مدت

بررسی صلاحیت با در نظر داشت زمینه سیاسی کنونی افغانستان، دارای ابعاد چندیست که نظر به انواع پستیهای که ناقضان حقوق بشر در آن یافت می شوند، قرار ذیل دسته بندی می شوند:

- 1 تعیینات سیاسی مثلاً اعضای کابینه و والی ها که می توان آن را بدون در نظر داشت روند قضایی اجرا کرد؛
- 2 تعیینات در ادارات خدمات عامه که هم تعیینات و هم برکناری ها، باید با در نظر داشت روند قضایی، صورت پذیرد؛
- 3 پستیهای انتخابی، برای مثال اعضای شورای ملی که از مشروعیت برخوردار هستند و باید با معیارهای اخلاقی و حقوق بشری برابر باشند؛
- 4 اصلاحات اداری.

۱) تعیینات سیاسی (اعضای کابینه، والی ها و...):

آشکار است که اداره عامه و مردم از عملکرد رهبران سیاسی پیروی می کنند. توطئه چینی و خودخواهی برای دستیابی به قدرت و مقامات دولتی از طرف رهبران احزاب و گروهها، بدترین نمونه عملکرد رهبری سیاسی طی سالیان متمادی را برای مردم نشان داده است. به نظر کمیسیون، تا حال این روند متوقف نشده است. دولت و رهبران سیاسی وظیفه دارند تا اعتماد مردم را به دولت جلب کنند. کمیسیون معتقد است که نخستین گام باید عدم واگذاری پستیهای سیاسی کلیدی به آن دسته از افرادی باشد که به زندگی مردم بی اعتنا بوده و در زمینه حقوق بشر و احترام به حقوق مردم، سوابق خوبی ندارند.

ماده ۷۲ قانون اساسی افغانستان^{۴۵} از تعیین شخصی که از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضدبشری، جنایت و حرمان از حقوق مدنی محکوم شده باشد، به حیث وزیر جلوگیری می کند. افغانستان اخیراً از سالهای جنگ و درگیری سر بیرون کرده است و محکوم شناخته شدن متهمین از سوی محکمه در این زمان، ناممکن است. با این وجود، همه مردم می دانند که اکثر رهبران احزاب و گروه ها و تنظیمها مرتکب چنین جرایم و جنایات در جریان جنگ شده اند. از همین رو، این ماده که در چندین قسمت از قانون اساسی تکرار شده است، باید از لحاظ لغوی تفسیر نشده و یک تفسیر «هدفمندانه» از آن ارائه گردد. بنابراین، از آنجایی که هدف ماده ۷۲ جلوگیری از تکرار مرتکب جرایم ضدبشری در دستگاه دولت بوده است، رئیس جمهور مطابق با احکام قانون اساسی وظیفه دارد تا حداکثر فعالیتها را به منظور برآورده ساختن هدف این ماده انجام دهد.

کمیسیون از رئیس جمهور تقاضا دارد تا به کارنامه حقوق بشری کاندیداها پیش از تعیین آنها به وظایف سیاسی، توجه نماید. مخصوصاً از وی خواسته می شود تا اتهاماتی که بر پایه گزارشهای اخیر بین المللی حقوق بشر به برخی از اشخاص مظنون به ارتکاب نقض حقوق بشر در گذشته وارد شده است را مد نظر قرار داده و از تقرر اشخاص ذکر شده در این گزارشها و آنهايي که مشهور به نقض حقوق بشر در گذشته هستند، خود داری و جلوگیری نماید. همچنین کمیسیون از رئیس جمهور تقاضا دارد تا کلیه نامبردگان در این گزارشها را از پست ها و ادارات دولتی برکنار کند. ما از اقدامات شجاعانه رئیس جمهور، در خارج ساختن جنگ سالاران از پستیهای دولتی حتی پیش از انتخاب شدن وی قدردانی می کنیم.

کلیه منصوبان سیاسی باید تعهدنامه ای را مبنی بر عدم ارتکاب جرایم ضدبشری و فساد در گذشته، امضاء نمایند. همچنین، آنها باید تعهد بسپارند که چنین اعمالی را در آینده مرتکب نخواهند شد. در صورت نقض تعهدنامه از سوی منصوب سیاسی، رئیس جمهور نباید در برکناری وی تعلل کند.

⁴⁵ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب لویه جرگه تاریخی ۱۵ جدی ۱۳۸۲ مطابق (۴ جنوری ۲۰۰۴).

زمان بندی اجرائات عاجل

۲. تعیینات در ادارات خدمات عامه

موقف و موقعیتهای خدمات عامه اغلباً در افغانستان مورد سؤاستفاده قرار گرفته است. ضروری است تا یک فرهنگ انساندوستانه حاکم شود. مأمورینی که نامتناسب با وظایف خود عمل می کنند و منافع شخصی خود را بر مسئولیتهای رسمی ترجیح می دهند، برای خدمت عامه مناسب نیستند و آنهایی که در موقعیتهای بلند قرار دارند باید به معیارهای مسلکی و اخلاقی جدی تری پایبند باشند. از مأمورینی که مرتکب نقض حقوق بشر شده اند، توقع اجرای وظیفه برای تأمین منافع عامه نمی رود. این افراد، برای وظایف در ادارات خدمات عامه نامناسب هستند؛ لذا کمیسیون پیشنهاد می کند که سیستم ذیل برای کوتاه مدت بر کلیه مقرری ها در پستهای بلند ادارات خدمات عامه تطبیق گردد:

- الف. زمانی که مقرری های جدید در سطوح عالی در ادارات دولتی در نظر گرفته می شود کمیسیون اصلاحات ملکی و اداری باید در مورد چگونگی واجد صلاحیت بودن کاندیدان از نگاه سابقه حقوق بشری آنها با کمیسیون مستقل حقوق بشر، مشوره نماید.
- ب. تمام افرادی که مقرر می شوند، باید تعهدنامه ای را امضا نمایند و قسم یاد کنند که نقض حقوق بشر یا فساد را در گذشته مرتکب نشده و در آینده نیز نخواهند شد.
- ج. اگر پس از تقرر آنها اطلاعاتی به دست آمد که نشانگر ارتکاب تخطی از حقوق بشر یا تعهد دروغین از جانب مقامات بلند پایه باشد و یا بعد از دادن تعهد مرتکب نقض حقوق بشر گردند، کمیسیون اصلاحات اداری^{۴۶} این مسئله را باید به عنوان نقض تعهدنامه بررسی نماید ۴۷ هر نهاد و موسسه مربوط به این پروسه می تواند که معلومات لازم را در مورد تخطی ها و عدم صحت تعهد نامه افراد به کمیسیون اصلاحات اداری تقدیم نماید.
- د. کمیسیون اصلاحات اداری باید از صلاحیت رد شکایات بی اساس و بی معنا برخوردار باشد. در صورت آغاز تحقیقات از طرف کمیسیون اصلاحات اداری، این کمیسیون باید یک کاپی کتبی از اتهامات را به مقام مربوط و فرد مورد اتهام ارائه دهد. متهم و معترض هر دو حق دارند کتباً به اتهامات پاسخ دهند.
- هـ. کمیسیون اصلاحات اداری باید نمایندگان سازمانها و اشخاص مربوط را در این زمینه جستجو و نظریات آنها را ملاحظه نماید.
- و. کمیسیون اصلاحات اداری صلاحیت دارد تا در مورد برگزاری جلسه استماع یا رسیدگی به شکایت بر اساس اسناد و مکاتیب تصمیم بگیرد. نقض آشکار تعهدنامه به تعقیب یافته های کمیسیون باید تحقیق و بر اساس اسناد موجود مورد رسیدگی قرار گیرد.
- ز. اگر یافته های کمیسیون اصلاحات اداری بیانگر نقض تعهدنامه توسط مقام مربوط باشد، وی باید از کار برکنار شود. در صورتی که نقض سطحی بوده و مقام مربوط خدمات مؤثر عامه را انجام داده باشد، کمیسیون اصلاحات اداری باید از صلاحیت صدور جریمه (مثلاً کار بدون معاش برای مدت معین) برخوردار باشد.
- ح. ضرورت است تا ظرفیت کمیسیون اصلاحات اداری به منظور اجرای این وظایف، توسعه و استحکام در جریان دوره تعدیل لایحه وظایف این کمیسیون و گذار آن به ساختار جدید، برای کمیسیون اصلاحات اداری، در صورت لزوم همکاری و معاونت بین المللی جلب و جستجو گردد.
- ط. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری باید یک کمیته رسیدگی به موارد نقض و تقلب در ارائه تعهدنامه ها را ایجاد نماید.
- کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همچنان به رئیس جمهور پیشنهاد می نماید که یک هیئت سه نفری متشکل از نماینده کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و ملکی نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر و نماینده دفتر هیئت معاونت ملل متحد (UNAMA) غرض رسیدگی و تصمیم گیری نهائی در مورد اتهامات وارده بر افراد در مورد نقض تعهدنامه مبنی بر نقض حقوق بشر، ایجاد نماید.

⁴⁶ نام رسمی این سازمان، کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی می اشد که در جوزا سال ۱۳۸۲ مطابق (جون ۲۰۰۲) بر اساس فرمان رئیس اداره مؤقت، ایجاد گردید.

⁴⁷ کمیسیون اصلاحات اداری وظیفه دارد تا چهارچوب حقوقی خدمات عامه، طرز العمل های عادلانه و مناسب استخدام افراد در اداره عامه و سیاستهای مدیریت پرسونل را تهیه کند

زمان بندی اجرائات : عاجل

۳. پستهای انتخابی

براساس ماده ۸۵ قانون اساسی، شخصی که به عضویت شورای ملی کاندیدا یا تعیین می شود، نباید از طرف محکمه به جرایم ضدبشری، جنایت و حرمان از حقوق مدنی محکوم شده باشد. ماده ۸۶ قانون اساسی، کمیسیون مستقل انتخابات را ملزم می نماید تا وثایق و اعتبارنامه های اعضای شورای ملی را مورد دقت قرار دهد. هدف ماده های ۸۵ و ۸۶ قانون اساسی این است که افرادی که به پستهای مهم عامه انتخاب می شوند باید با معیارهای عالی اخلاقی برابر باشند. هدف قانون اساسی این است که جنایتکاران و اشخاصی که در جرایم جنگی و تخطی از حقوق بشر دست داشته اند، وارد نهادهای قانونگزاری کشور نشوند.

تا به حال هیچ و یا تعداد بسیار اندکی از افراد به دلیل جرایم جنگی و جنایات علیه بشریت در افغانستان محکوم شناخته شده اند. با این هم، کمیسیون انتخابات موظف ساخته شود تا خواستار امضای تعهدنامه از سوی تمام کاندیداها در ملاعام و حضور مردم شود. در این تعهدنامه، کاندیدان کتباً قسم یاد می کنند که ماده ۸۵ قانون اساسی را رعایت می کنند. همچنین، کاندیداها باید تعهد بپردازند که در آینده، نقض حقوق بشر و اعمال فساد را مرتکب نخواهند شد و در ارباب و تقلب انتخاباتی، دست نخواهند داشت.

کمیسیون انتخابات، شورای ملی و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان وظیفه دارند تا نقض احتمالی تعهدنامه را افشا سازند و تعقیب کنند. یک کمیته انضباطی خاص باید در چهارچوب شورای ملی به منظور بررسی نقض احتمالی تعهدنامه ایجاد گردد. در صورت اثبات نقض تعهدنامه، شخص مربوط از عضویت در شورای ملی خارج ساخته می شود.

در این رابطه، جامعه مدنی نقش مهمی را در نظارت بر عملکرد نهادهای دولتی و تشخیص تخطی های احتمالی از تعهدنامه بر عهده دارد. رسانه های همگانی هم نقش بااهمیت اطلاع رسانی دارند و باید اطلاعات دقیقی را درخصوص مأمورین بلندپایه ادارات عامه به مردم ارائه دهند. مردم باید از امکانات بالقوه تشخیص تناقض منافع در ادارات عامه و برنامه های انتخاباتی کاندیدان آگاهی کامل داشته باشند. اگر این کار به درستی انجام شود، رسانه های همگانی می توانند به پیدایش فرهنگ پاسخگویی در کشور مساعدت نمایند.

زمان بندی اجرائات : عاجل

۴. اصلاحات اداری

همان طور که ذکر شد، بررسی صلاحیت نمی تواند بدیلی برای اصلاحات اداری باشد. اجرای اصلاحات اداری از اهمیت فوق العاده ای در کشور برخوردار است. برنامه عدالت انتقالی بدون اصلاحات اداری به بدبینی و عدم اعتماد بیشتر به اداره عامه خواهد انجامید و در مجموع، روند انتقال کشور به صلح را متوقف خواهد کرد. هدف انجام این اصلاحات باید ایجاد ادارات عامه عادلانه، مؤثر و قابل اعتماد به منظور ارائه خدمات به مردم و حمایت از حقوق بشر و حاکمیت قانون باشد.

کارکنان ورزیده و سالم بدون برخورداری از تشکیلات سالم اداری، طرزالعملها و امکانات کافی قادر به انجام کارهای مسلکی مؤثر نخواهند بود. بنابراین، بخش دیگری از اصلاحات اداری باید شامل ایجاد مکانیزم نظارت بر اجرائات مأمورین، طرحریزی طرزالعملهای رسیدگی به شکایات شهروندان، اصلاح یا ایجاد چهارچوبهای حقوقی و طرزالعملهای داخلی، تعدیل و بهبود قوانین کاری، تحقق شفافیت در عملکرد دولت، تغییر روش های مربوط به نظام سابقه و تهیه معاش و منابع کافی و گسترش زیربناها باشد^{۴۸} موفقیت رونداصلاحات اداری برای آغاز حاکمیت مؤثر ضروری است. رهبری قوی و متعهد، وجود اطلاعات کافی و اقدام دسته جمعی جامعه مدنی از جمله شرطهای تحقق حسن حاکمیت و مبارزه با فساد است.

کمیسیون یادآور می شود که پیشرفت در عرصه حاکمیت قانون دچار مشکلات ویژه ای بوده است. علت این مشکلات قسماً عدم هماهنگی کافی در بین دست اندرکاران داخلی و کمک کنندگان بین المللی امور مختلف، بوده است.^{۴۹} یکی دیگر از چالشها این بوده

48 به راهنمای «مرکز بین المللی عدالت انتقالی» که به همکاری برنامه توسعه سازمان ملل متحد تدوین شده است، نگاه کنید.

49 مؤسسه صلح ایالات متحده آمریکا، استقرار حاکمیت قانون در افغانستان (مارچ ۲۰۰۴)، مرکز گفتگوی بشردوستانه، کمک به عدالت و حاکمیت قانون در افغانستان: تحلیل استراتژیک (فبروری ۲۰۰۴). همچنین، یوناما اخیراً با یک مشاور مسائل حاکمیت قانون قرارداد بسته است.

است که کشورهای مختلف عهده دار اصلاح بخشهای مختلف بخش امنیتی شده اند که در نتیجه دولت نتوانسته است تا یک برنامه سرتاسری واحد و هم آهنگ اصلاحات را تنظیم و تطبیق نماید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از دولت می خواهد تا به دیدگاههای مردم توجه کرده و در جهت انسجام تلاشهای خود در این زمینه کوشش نماید. کمیسیون یادآور می شود که سازمان ملل متحد از تجارب خاصی در عرصه اصلاح بخش امنیتی و مسائل حاکمیت قانون بهره مند است. کمیسیون از کلیه دست اندرکاران تقاضا دارد تا برنامه های خود در زمینه طرح و تطبیق اصلاحات بخش امنیتی را با سازمان ملل متحد شریک ساخته و آن را هماهنگ سازند.

۲ عدالت جزایی

تقاضای تامین عدالت جزایی و تعقیب جزایی در میان مردم از قوت خاصی برخوردار بود. در ضمن، موانع تطبیق عدالت جزایی نیز بسیار بوده و حتی حادثه از سایر عناصر این استراتژی است. چنین برداشت وجود دارد که تطبیق عدالت جزایی، خطر مستقیم به مجرمین و مرتکبین نقض حقوق بشر شمرده شده و احتمال آن می رود که مجرمین در عوض درصدی بر هم زدن صلح و ثبات یا روند تعقیب جزایی خواهند شد. ما این مشکلات و چالشها را دست کم نمیگیریم.

فعلاً نهاد داخلی مناسبی برای انجام تحقیقات پیچیده در سطوح عدلی و قضایی کشور وجود ندارد. امکان دارد که قضات و وکلای کاردان، صادق و سختکوشی وجود داشته باشند؛ لکن نظام عدلی و قضایی کشور با مشکلات کلی و اساسی مواجه است. برعلاوه ظرفیت ها و نهادهای مناسب برای حمایت از شهود و تدارک وکلای مدافع وجود ندارد. مشکلات حقوقی دیگری نیز نظیر نابودی اسناد و مدارک به مرور زمان وجود دارد. در نهایت امر اجرای تعقیب قضایی با مشکل عدم اراده سیاسی روبرو است. زیرا چنین یک تصور وجود دارد که این یک کار تفرقه انگیز و خطرناک است. ضمناً باید به خاطر داشت که پیگرد عدلی و قضایی مجرمین به رفع مسئله معافیت از تعقیب قضایی در کشور، کمک خواهد کرد.

در نظرخواهی، از پاسخ دهندگان درباره شرکت در روند جزایی به منظور ارائه شواهد و مدارک پرسیده نشده بود؛ اما آنچه به نظر می رسد این است که به دلیل عدم موجودیت میکانیزم حمایتی از شاهدان، مردم از اشتراک در چنین روندی، هراس دارند. آنها بدون در نظر داشت پیامدها و عواقب روند عدالت جزایی، این روند را به حیث راهی برای عزل برخی از مجرمین تلقی می کنند. بخش بزرگی از مردم، تطبیق جزا را وسیله برای برکناری و مقابله با متخلفین فعلی می دانند.

گرچه کشور ما امروز فاقد ظرفیت مناسب عدلی و قضایی غرض رسیدگی به جرایم گذشته است؛ اما شماری از اقدامات بین المللی مهم که در رابطه با مسئله تعقیب قضایی و عدالت جزایی در کشور انجام شده، باید از آن حمایت گردد. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از تصویب اساسنامه محکمه جزایی بین المللی از سوی دولت، ابراز خرسندی نموده و از دولت می خواهد تا قوانین تطبیقی اساسنامه این محکمه را مخصوصاً در بخشهایی از این اساسنامه که خواستار همکاری دولتها با این محکمه است، را تدوین نموده و تصویب نماید. محکمه جزایی بین المللی از صلاحیت رسیدگی به جرایم مربوط به اساسنامه آن یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و نسل کشی (ژنوساید) برخوردار است. علاوه، رسیدگی به تخطی های جدی و سیستماتیک حقوق بشر در حوزه صلاحیتهای قضایی این محکمه قرار می گیرد. محکمه جزایی بین المللی در صورتی به محاکمه مرتکبین این جرایم اقدام می کند که براساس نظام متمم آن، افغانستان در رسیدگی به این جنایات «بی علاقه و حقیقتاً ناتوان» باشد یا اینکه افغانستان خود تصمیم بگیرد تا قضیه ای را به این محکمه ارجاع نماید. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از تفسیری که حارنوال محکمه جزایی بین المللی از «اصل متمم بودن این محکمه» ارائه کرده است، استقبال می کند که براساس آن، امکان برقراری روابط میان قوه قضائیه افغانستان و محکمه جزایی بین المللی قابل پیش بینی است.^{۵۰}

⁵⁰ کمیسیون دیدگاه نارنوال محکمه جزایی بین المللی که در یک سند غیررسمی زیر عنوان «اصل متمم بودن محکمه در عمل» منعکس شده است را یادآوری می کند. این سند در وبسایت www.iccpi.int/library/organs/otp/complementarity.pdf قابل دریافت است. کمیسیون مخصوصاً بخش «همکاری و گفتگو با دولتها» در این سند را خاطر نشان می سازد.

محاکمه (سرور زرداد) در محکمه عالی انگلستان، یکی دیگر از ابتکارات بین المللی درخصوص عدالت انتقالی در افغانستان است. زرداد متهم به توطئه برای ارتکاب شکنجه و گروگانگیری بین سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۵ مطابق (۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ میلادی) می باشد، (زرداد در سالهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵ قوماندان ولسوالی سروبی ولایت کابل بود). لوی حارنوال پادشاهی بریتانیا، لورد گولد سمیت (Lord Gold Smith) شخصاً مسئول رسیدگی به این قضیه است. در همین راستا دستگیری دوتن از مسئولین خاد نظامی سابق، حسام الدین حسام و حبیب الله در کشور شاهی هالند به اتهام دست داشتن به جنایات علیه بشریت در زمان قدرت، نیز قابل قدر است.

این انکشافات که اولین محاکمه و دستگیری در سطح جهانی در رابطه با افغانستان است، از اهمیت بالایی برخوردار است و کمیسیون از حارنوالان سایر کشورها نیز تقاضا دارد تا چنین اقداماتی را براساس «قاعده صلاحیت قضایی جهانی» مد نظر داشته و در مورد مجرمین جنایات ضد بشری افغانستان، از آن استفاده نمایند.

از طرف دیگر، کمیسیون نتایج نظرخواهی را مبنی بر اولویت برگزاری محاکمات در داخل کشور، مطابق با قوانین داخلی و اسلامی و با اشتراک قضاات داخلی و بین المللی که در آن جامعه جهانی نقش نظارتی و حمایتی را داشته باشد، یادآوری می کند. کمیسیون معتقد است که برخلاف محاکمه عبدالله شاه که توسط محکمه اختصاصی امنیت ملی صورت گرفت^{۵۱}، تمام محاکمات باید با استانداردهای بین المللی در زمینه رعایت تشریفات قانونی برابر باشد.

بنابراین، کمیسیون معتقد است که ایجاد یک نهاد داخلی برای محاکمه مرتکبین جرایم گذشته در کشور با در نظر داشت توقعات مردم افغانستان، ضروری است و تأکید می کند که این نهاد باید پیش از بهبود نظام عدلی و قضایی در سراسر کشور، تأسیس گردد. به نظر کمیسیون، توسعه حاکمیت قانون از بن تا امروز، بسیار آهسته، کند و مشکل بوده است. واقعیت امر این است که افغانستان راه درازی را برای بازسازی کامل نظام قضایی پیش رو دارد.

از همین رو، کمیسیون به دولت پیشنهاد می کند تا در ظرف دو سال، یک نهاد دایمی تحقیقی به نام «حارنوالی اختصاصی» را در نظام عدلی تأسیس نماید. در تأسیس این حارنوالی، می توان از تجارب بین المللی مثلاً در تشکیل حارنوالی اختصاصی در مکزیک، استفاده به عمل آورد. دولت افغانستان باید کمکها و تجربیات بین المللی را در ایجاد این نهاد، جستجو نماید. در ضمن، کمیسیون از سایر دولتها، سازمان ملل متحد و محکمه جزایی بین المللی می خواهد تا ارائه کمکهای فنی و تخصصی بین المللی به این حارنوالی را در نظر بگیرند. این حارنوالی باید از صلاحیت تحقیق و محاکمه مرتکبین جنایات گسترده و نقض سیستماتیک حقوق بشر چون جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی در گذشته و حال، برخوردار باشد. بر علاوه، این اداره باید به تحقیق و محاکمه افرادی پردازد که تحت عنوان «قضایای عمده ملی» ثابت کشور را تهدید می کنند. در این رابطه، ما به نتایج نظرخواهی اشاره می کنیم که براساس آن، مردم خواستار محاکمه تمام مرتکبین جرایم گذشته و حال نیستند؛ بلکه آنها خواهان محاکمه آن دسته از اشخاصی هستند که مسئول بیشترین جرایم گذشته و حال بوده اند. از سوی دیگر، تنها محاکمه تعداد محدودی از این افراد جنبه عملی دارد. اما برای سایر مرتکبین، راههای گوناگون عفو، ادغام مجدد در جامعه و مصالحه قابل تطبیق است که در این ارتباط، رویه بین المللی هم وجود دارد. مردم در نظرخواهی ابراز داشتند که در صورت اصلاح واقعی مجرمین، آنها شایسته عفو و بخشش پنداشته خواهند شد.

از نظر تشکیلات، حارنوالی اختصاصی باید دارای ظرفیت کافی برای رسیدگی به کلیه جوانب جرایم سیستماتیک باشد. باید میان این دسته از جرایم و جرایم عادی فرق قائل شد. در جرایم سیستماتیک، معمولاً در بین افرادی که جرایم را برنامه ریزی نموده یا دستور داده اند و اشخاصی که آن را اجرا کرده اند، چندین مرحله طی شده است. در واقع مشکل اصلی، افشای ارتباطات میان این دو گروه از افراد در محکمه است. رسیدگی به جرایم عادی به انجام تحقیقات جنایی در محل وقوع جرم، ضرورت دارد. این در حالی است که رسیدگی به جرایم سیستماتیک نظیر جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت، نیازمند تجزیه و تحلیل روابط موجود فی مابین مرتکبین است. از این رو، نه تنها حقوقدانان و حارنوالان باید در این نهاد خاص حضور داشته باشند، بلکه این نهاد باید شامل تحلیلگران نظامی، سیاسی و تاریخی نیز باشد. در این صورت است که می توان ساختارهای ارتکاب جرم را تجزیه و تحلیل کرده و آن را فاش ساخت.

51 این محاکمه در گزارش خانم اسماء جهانگیر، گزارشگر خاص درباره قتلهای غیرقانونی، غیررسمی یا خودسرانه، در ۳ فیورری ۲۰۰۳ تشریح شده است. (UN Doc. E/EN.4/2003/3/Add/4 بند ۴۷-۵۶.

در رابطه با حارنوالی اختصاصی، یک مسئله دیگر حائز اهمیت است و آن، ایجاد یک ظرفیت در چهارچوب این حارنوالی برای برقراری روابط و گفتگو با قربانیان است. نظرات قربانیان در مورد مرتکبین جرایم به تنظیم استراتژی تعقیب قضایی یاری می رساند و آنها می توانند با ارائه شهادت به پیشبرد این روند کمک کنند. هدف از این کار باید اعاده حیثیت و کرامت قربانیان باشد. باید متوجه بود که رسیدگی به جرایم علیه کودکان و زنان از حساسیت خاصی برخوردار است.

کمیسیون پیشنهاد می کند که یک محکمه اختصاصی در ظرف دو سال پس از تأسیس حارنوالی اختصاصی به منظور استماع قضایای جرایم جنگی و جرایم ضدبشری که در جریان جنگ رخ داده است، ایجاد شود. توصیه می شود که دولت افغانستان موافقتنامه ای را در خصوص این محکمه با سازمان ملل متحد به امضا رساند. این محکمه باید شامل قضات افغانی و بین المللی باشد. برخلاف حارنوالی اختصاصی که باید یک نهاد حقوقی دائمی باشد، محکمه اختصاصی باید دارای صلاحیتها و دوره کاری محدود و معین باشد.⁵² می توان برای ایجاد این محکمه از تجربیات و اندوخته های «محکمه جرایم جنگی محکمه عامه بوسنیا» استفاده به عمل آورد. نقطه دیگر این که اساسنامه و مقررات محکمه باید حدود اختیارات و طرزالعمل آن را تعیین کند.

ضرورت است تا یک اداره دیگر برای وکلای مدافع که مرتبط به این محکمه خواهند بود، ایجاد گردد و نیز حارنوالی اختصاصی و هم محکمه اختصاصی نیاز به ارگانی برای انجام فعالیتهای اطلاع رسانی و آگاهی عامه دارند. محکمه اختصاصی باید شامل کارکنان داخلی و بین المللی باشد که کارکنان بین المللی باید دارای وظایف مشخص بوده و پستهایی را در اختیار داشته باشند که اشغال آنها توسط افغانها احتمال خطرات امنیتی را افزایش می دهد.

برعلاوه کمیسیون پیشنهاد می کند تا قوانین مربوط به اقامه دعوی مدنی علیه مجرمین برای پرداخت غرامت به قربانیان، بازنگری شود. مراکز کمکهای حقوقی باید در سرتاسر کشور ایجاد شوند و به مردم در زمینه چگونگی تعقیب طرزالعملهای حقوقی یاری رسانند. در کنار آن محکمه اختصاصی ای که توسط دولت برای رفع مناقشات ملکیت تأسیس شده است، باید به منظور حل و فصل قضایای غصب زمین در ظرف چند سال آینده تقویت گردد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از چالشهای فراروی پیگیری این جریان آگاه و معتقد است که انجام چنین کاری برای جلوگیری از تکرار جرایم گذشته در آینده لازم است. اجرای تمام این کارها وقت می گیرد. بنابراین کمیسیون به حکومت پیشنهاد می کند تا آمادگی ها و زمینه سازی را در جهت تأسیس حارنوالی اختصاصی در ظرف دو سال آینده آغاز نماید.

زمان بندی اجراءات: شروع عاجل، تأسیس حارنوالی اختصاصی در ظرف ۲ سال و تأسیس محکمه جرایم جنگی در ظرف ۳ سال آینده.

تطبیق

برعلاوه آنچه در بالا تذکر رفت، کمیسیون از دولت تقاضا می کند تا اقدامات زیر را نیز اتخاذ نماید:

- 1 یک بخش مشخص را در دفتر ریاست جمهوری جهت هماهنگی جنبه های مختلف تطبیق استراتژی عدالت انتقالی اختصاص دهد؛
- 2 گزارشهایی را درباره پیشرفت کار استراتژی عدالت انتقالی در هر شش ماه منتشر نماید؛
- 3 نتایج نظرخواهی را در سیاستگزاری دولت در این زمینه شامل نماید.

پیشنهادهایی برای سازمان ملل متحد و جامعه جهانی

کمیسیون از سازمان ملل متحد و مجامع دیپلماتیک می خواهد تا گامهای زیر را در رابطه با تطبیق این استراتژی بردارند:

- 1 دولت افغانستان را در مورد تطبیق این استراتژی تشویق به پاسخگویی و حساسدهی نمایند؛

⁵² کمیسیون بر این باور است که در صورت اشتراک سازمان ملل متحد، مجازات اعدام جنبه تطبیقی نخواهد یافت، لیکن از سوی دیگر، مشکلات فنی و سیاسی این محکمه بدون حضور سازمان ملل را در نظر گرفته است. در حالت عدم تطبیق جزای اعدام، ضرورت است تا برنامه های آموزشی ویژه ای به راه انداخته شود زیرا احتمالاً مردم خواستار تطبیق این مجازات هستند.

- 2 از تطبیق این استراتیژی، حمایت سیاسی و مالی نمایند؛
- 3 فشارهای سیاسی را به منظور عدم تقرر یا برکناری ناقضان نامدار حقوق بشر اعمال کنند؛
- 4 کمکهای فنی و تجارب خود را در اختیار برنامه بررسی صلاحیت و کمیسیون اصلاحات اداری قرار دهند؛
- 5 اصلاحات اداری را به طور منسجم و هماهنگ تعقیب نمایند؛
- 6 از تجارب سازمان ملل متحد در ارتباط با بررسی صلاحیت و اصلاحات اداری، استفاده کنند؛
- 7 از ایجاد یک نهاد داخلی برای تحقیق و مجازات مجرمین، حمایت تخنیکی نمایند؛
- 8 شعبات تخصصی را به امر عدالت انتقالی بر اساس گزارش سرمنشی سازمان ملل متحد، اختصاص دهند؛
- 9 از دولت بخواهند تا گزارشهایی منظمی را در خصوص پیشرفت استراتیژی عدالت انتقالی در اختیار آنها قرار دهد.

پیشنهادهایی برای جامعه مدنی

- همچنین کمیسیون از جامعه مدنی - ملی و بین المللی تقاضا دارد تا تدابیر زیر را در رابطه با تطبیق استراتیژی عدالت انتقالی اتخاذ نمایند:
- 1 موارد نقض حقوق بشر را مستند ساخته و آنها را به اطلاع دولت افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و جامعه جهانی برساند؛
 - 2 از روند تطبیق این استراتیژی پشتیبانی کرده و کمکهای خود را در این زمینه آماده سازند؛
 - 3 نهادهای جامعه مدنی در امر بالا بردن سطح آگاهی عمومی مردم از میکانیزم های عدالت انتقالی سهم و ورزند.

توسعه سایر اجزای استراتیژی عدالت انتقالی در آینده

کمیسیون مستقل حقوق بشر از ضرورت اتخاذ یک استراتیژی واحد و یکپارچه آگاه است و توجه خاصی را همزمان به محاکمه مجرمین و خواستهای قربانیان میدول می دارد. کمیسیون اذعان می کند که برخی از اجزای این استراتیژی به کار بیشتر ضرورت دارد و باید با شرایط کشور برابر ساخته شود. ضرورت کار بیشتر در زمینه های زیر احساس می گردد:

- (۱) جمع آوری اسناد؛
- (۲) تعیین مکانیزم حقیقت جویی؛
- (۳) تعیین روش پرداخت غرامت و جبران خسارت؛
- (۴) ارتقای ظرفیت جامعه مدنی و سایر دست اندرکاران.

جمع آوری اسناد

تطبیق استراتیژی عدالت انتقالی باید برپایه اطلاعات و معلومات دقیق و معتبر درباره تخطی های حقوق بشر استوار باشد. اگرچه فعالیتهای مهم و معتبری در این رابطه در جریان سالهای گذشته انجام شده است؛ لکن نیاز عاجلی برای گردآوری اطلاعات بیشتر درخصوص وقایع گذشته کشور وجود دارد. لازم است تا از فعالیتهای موجودی که در راستای جمع آوری اسناد نقض حقوق بشر در کشور انجام شده است. (گزارش کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر، عملکرد «پروژه عدالت افغانستان» و کارکرد «سازمان نظارت بر حقوق بشر») حمایت گردد. قطع نظر از مستندسازی نقض حقوق بشر، لازم است تا تحقیقات هدفمند و داخلی در خصوص مسائل خاص از جمله نمونه های تخطی، سلسله مراتب دستوردهی و دوسیه های شخصی مجرمین و قربانیان، اجرا گردد. کلیه اطلاعات و معلومات باید تنظیم و توحید شود تا بتوان در فعالیتهای آینده عدالت انتقالی از آن کار گرفت. کمیسیون از سازمان ملل متحد درخواست می نماید تا فعالیتهای خود را در این زمینه گسترش دهد. همچنین، کمیسیون پیشنهاد می کند تا فعالان این عرصه کارهایشان را به طور هماهنگ انجام دهند.

مکانیزم حقیقت جویی

همان گونه که در فصل سوم اشاره شد، مردم از روند حقیقت جویی پشتیبانی می کنند. این پشتیبانی با در نظر داشت آشنایی ناکافی آنها با مفهوم «کمسیون حقیقت یابی» تعجب آور است. اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی از فوایدی که روند حقیقت جویی در قبال دارد، آگاهی قابل ملاحظه ای داشتند و پاسخ دهندگان نظرخواهی، نظرات مثبتی را درخصوص سودمندی های احتمالی این روند ابراز کردند. اکثر اشتراک کنندگان بر لزوم ثبت و نگهداری آنچه در گذشته در کشور روی داده است، تأکید نمودند. آنها اغلب به تألیف یک «کتاب تاریخی» به منظور تدریس در مکاتب اشاره می کردند. گرچه آنها در مورد چگونگی اشتراک یا علاقه به اشتراک در این روند توضیح ندادند؛ ولی نظرخواهی نشانگر این است که برخی از مردم تمایل دارند تا به طور محرمانه در این روند شرکت کنند. برعلاوه به نظر می رسد که شماری از اشتراک کنندگان مایل به بیان دردها و مصائب وارده هستند. حتی تعدادی از آنها، تخطی های بی نهایت حساس نظیر تجاوز جنسی را بیان کردند. نظرخواهی نشان می دهد که مردم تمایل دارند تا در یک روند اخذ اظهارات و حتی جلسات استماع عامه اشتراک ورزند. این در حالی است که بخشی از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی، از صحبت برضد مجرمین اظهار ترس و وحشت نمودند. آنچه قابل پیش بینی است این که تعداد زیادی از مردم از شرکت در جلسات استماع عامه در برخی از مناطق، هراسان هستند. کمیسیونهای حقیقت یابی در کشورهای مختلف اشکال مختلفی را به خود گرفته است. کمیسیونهای حقیقت یابی جدیدالتأسیس (سیرالئون، تیمور شرقی، غنا، آفریقای جنوبی و به زودی مراکش) به برگزاری جلسات استماع عامه اقدام کرده اند. این در حالی است که کمیسیونهای حقیقت یابی که پیش از کمیسیون حقیقت یابی آفریقای جنوبی ایجاد شدند، معمولاً تحقیقات خود را به گونه محرمانه انجام داده و اظهارات مردم را پشت درهای بسته، اخذ کرده اند. تمام کمیسیونهای حقیقت یابی، گزارشهایی را حاوی یافته های خود درباره عوامل ریشه ای جنگ، منتشر ساخته اند. برخی از این کمیسیونها از اشخاص نام برده و تعدادی دیگر از انجام این کار صرفنظر کرده اند. تاکنون تنها یک کمیسیون (کمیسیون حقیقت یابی آفریقای جنوبی) از قدرت اعطای عفو شخصی برخوردار بوده است. آنچه آشکار است این است که نظرخواهی بیشتری باید به منظور شناسایی و تعیین نیازها و انتظارات مردم، صورت پذیرد. ما به اطلاعات مزیدی در خصوص روش انجام این کار در کشور ضرورت داریم. کشور ما باید شیوه متناسب به شرایط خود را در این زمینه پیدا کند. به هر حال، در صورت تأسیس یک کمیسیون حقیقت یابی می توان از نتایج نظرخواهی برای کمک به تنظیم ساختار، ترکیب و صلاحیتهای آن استفاده به عمل آورد.

گرامت و جبران خسارت

روحیه سخاوتمندی مردم برای کمیسیون تحسین انگیز و تشویق آور بوده است. بخش بزرگی از مردم، پرداخت غرامت و جبران خسارت به قربانیان را یک اولویت ارزیابی کرده اند. لازم است تا یک برنامه جبران خسارت بر اساس اطلاعات بیشتر از آنچه که امروز در دست است، طرح شود. در سایر کشورها طرح برنامه جبران خسارت مربوط به کمیسیون حقیقت یابی بوده است. کمیسیون خواهان آن نیست که کار پرداخت غرامت و جبران خسارت به قربانیان به تعویق انداخته شود؛ بلکه بررسی وضع قربانیان باید آغاز شود و اقشاری که بیشترین دردها را کشیده اند، باید تعیین گردند. کمیسیون قصد دارد تا یک گزارش موضوعی را درباره جبران خسارت قربانیان منتشر نماید. قرار است این گزارش حاوی پیشنهادهایی درباره نقش بازیگران بین المللی در این زمینه نیز باشد.

حمایت از فعالیتهای جامعه مدنی در عرصه عدالت انتقالی

کمیسیون براهمیت آزادی جامعه مدنی، رسانه های همگانی و فعالان سیاسی برای گسترش ظرفیت شان تأکید می کند. جالب این که، برخلاف سایر کشورها، کشور ما تاکنون شاهد تشکیل مؤسسات دفاع از قربانیان و مسائل حقوق بشر نظیر لادریکی نبوده است. نشانه های استیلائی فضای محدودیت و انحصار در کشور به چشم می خورد. کمیسیون از کمکهای سازمانهای جامعه مدنی و فعالان شخصی برای ترویج و دفاع از حقوق بشر در سراسر کشور قدردانی می کند. تحکیم جامعه مدنی سرتاسری برای موفقیت فعالیت عدالت انتقالی ضروری به شمار می رود.

ضمیمه ۱

شیوه تحقیق

طرح مسئله و آمادگی ها

این تحقیق پس از گفتگوهای مقدماتی با جامعه مدنی که از ماه جوزا الی میزان ۱۳۸۲ مطابق (جون تا اکتوبر ۲۰۰۳) در سرتاسر کشور صورت گرفت، طرح گردید. به تعقیب این گفتگوها، محققین بخش عدالت انتقالی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در دو جلسه آموزشی مفصل اشتراک کردند. اولین جلسه آموزشی در سطح کمیسیون برگزار شد، در حالی که جلسه دوم با کمک فنی «مرکز بین المللی عدالت انتقالی» و به مدت ۱۰ روز در ماه قوس ۱۳۸۲ مطابق (نوامبر ۲۰۰۳) دایر گردید. اشتراک کنندگان در جلسه دوم به بررسی ماهیت عدالت انتقالی و تکنیکهای نظرخواهی ملی پرداختند.

تصمیم گرفته شد که با اتخاذ یک روش دوجانبه که شامل تحقیق کمی و کیفی باشد، برنامه نظرخواهی به پیش برده شود. هدف از شیوه تحقیق کمی، تعیین اولویتهای اشتراک کنندگان نظرخواهی و هدف از شیوه تحقیق کیفی، دستیابی به اطلاعات و معلومات عمیق برای استفاده سیاستگذاران بود. این اطلاعات در جریان جلسات گروههای مباحثاتی به دست آمد.

ماه های قوس و دلو سال ۱۳۸۲ صرف ارتقای سطح آمادگی ها برای نظرخواهی ملی شد. این نظرخواهی با برگزاری یک کنفرانس خبری رسماً راه اندازی شد و بعداً پروژه امتحانی آن در هشت ولایت تطبیق گردید^{۵۳} تطبیق پروژه امتحانی به اصلاح جزئی بخشهایی از نظرخواهی و سؤالات گروههای مباحثاتی منجر شد.

یک پلان کاری در سطح ملی به منظور مصاحبه ها و جلسات گروههای مباحثاتی در سرتا سر کشور ترتیب گردید. در ابتدا، این برنامه در دفتر مرکزی کمیسیون و در مشورت نزدیک با محققین بخش عدالت انتقالی دفاتر مرکزی و ساحوی تهیه گردید و سپس دفاتر ساحوی کمیسیون یک برنامه زمانی را به منظور اجرای نظرخواهی در سطوح ولایتی و ولسوالی تنظیم کردند. معیار جمعیت و نفوس کشور با استفاده از اطلاعات و معلومات لویه جرگه اضطراری جوزای سال ۱۳۸۲ و لویه جرگه قانون اساسی دلو ۱۳۸۲ معین گردید^{۵۴} برعلاوه، برنامه ای برای مصاحبه با مهاجرین افغان در ایران و پاکستان نیز تهیه شده بود. با این هم، عملاً ما فراتر از تعداد تعیین شده و پلان تنظیم شده آن رفتیم و دلیل این بود که این برنامه صرفاً یک نظرخواهی و تحقیق اجتماعی نبوده؛ بلکه یک مشورت ملی با ملت افغانستان است.

در مجموع ما نظرخواهی را با ۴۱۵۱ نفر به صورت مصاحبه رو در رو انجام دادیم و بیشتر از ۲۳۹۳ نفر در بیشتر از ۲۱۱ گروه مباحثاتی در سراسر کشور شرکت کردند. اطلاعات مربوط به نفوس در ضمایم مربوط آمده است. نظرخواهی ما در ۳۲ ولایت از مجموع ۳۴ ولایت افغانستان صورت گرفت (دو ولایت دیگر اخیراً تاسیس شده است). همچنین، ما با حدوداً ۴۰۰ مهاجر افغان در پشاور و کوئته و ۳۰۰ مهاجر در مشهد و تهران مصاحبه نمودیم. انجام این نظرخواهی تقریباً هشت ماه به طول انجامید و از جدی ۱۳۸۲ الی عقرب ۱۳۸۳ مطابق (جنوری تا اگست ۲۰۰۴) به مرحله اجرا گذاشته شد.

53 پروژه امتحانی در کابل، مزار، ننگرهار، هرات، بامیان، گردیز، بدخشان و کندهار به اجرا گذاشته شد.

54 معیار مصاحبه از طریق سؤالننامه، ۰.۰۲ فیصد از ۱۶۰۰۰۰۰ نفوس بود که برای استفاده در لویه جرگه های اضطراری و قانون اساسی تأیید شده بود.

نحوه انتخاب پاسخ دهندگان و اشتراک کنندگان

برای تطبیق نظرخواهی، از روش انتخاب تصادفی پاسخ دهندگان کار گرفته شد. محققین ما هیچ نقشی در انتخاب پاسخ دهندگان و موقعیت مصاحبه نداشتند و با استفاده از روش پیاده روی تصادفی، پاسخ دهندگان را انتخاب می کردند. به عبارت دیگر، محققین در این روش به پیاده روی می پرداختند و اولین نفری که با آن مواجه می شد الی نفر یازدهم شمار نموده و با نفر یازدهم که به نظرشان با معیارهای انتخاب تصادفی برابری داشتند، برای مصاحبه انتخاب می دادند. مصاحبه در روی سرک برگزار می شد. از روش خانه به خانه نیز برای ایجاد توازن در مصاحبه کار گرفته شده است.

از روش گلوله برفی برای انتخاب اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی بهره گرفته شد. محققین پیش از برگزاری جلسه گروه مباحثاتی از اشتراک کنندگان درخصوص شهرتشان بدون ذکر نام سوال می کردند و از وقت و موضوع های جلسه به آنها اطلاع می دادند. تصمیم این بود تا اشتراک کنندگان به طور داوطلبانه در جلسات گروههای مباحثاتی شرکت کنند و از آنها خواسته شده بود تا افراد دیگری را که برابر با معیارهای انتخاب بودند، برای محققین معرفی نمایند. لسٹ اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی عموماً یک یا چند روز پیش از روز جلسه تهیه می شد^{۵۵} در مجموع، جلسات جداگانه برای اشتراک کنندگان زن و مرد دایر گردید.

اکثر گروههای مباحثاتی در مناطقی که کمیسیون در آنجا دفتر ساحوی ندارد، در مساجد و مکاتب برگزار شدند و برخی از جلسات گروههای مباحثاتی در سطح دهات در خانه های اشتراک کنندگان تدویر گردیدند. علاوهً شماری از گروههای مباحثاتی در (گرو واره) و (مندر) برای اقلیتهای مذهبی هندو دایر شدند. جلسات گروههای مباحثاتی، حداقل یک ساعت و حداکثر دو و نیم ساعت به طول می انجامیدند. با در نظر داشت ملاحظات امنیتی، از اشتراک کنندگان خواسته شد تا نام مستعار یا شماره ای را برای شناسایی خود در جلسات گروههای مباحثاتی تعیین کنند که مکرراً اشتراک کنندگان انجام این کار را به دلیل شور و هیجانی که داشتند، فراموش کردند.

محققین و قالب جلسات گروههای مباحثاتی

در حدود ۱۷ نفر محقق که ۸ نفرشان زن بودند، روند نظرخواهی و گروه مباحثاتی را به پیش بردند. بیشتر از ۱۰ معاون و منشی به این محققین در اداره گروههای مباحثاتی کمک می نمودند. تمام گردانندگان و معاونان در خصوص نحوه برگزاری جلسات گروه مباحثاتی و پرسش سؤالات بدون اعمال نفوذ و نظر خود شان، آموزش دیده بودند. این جلسات با معرفی مختصر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، هدف نظرخواهی ملی، شیوه برگزاری گروه های مباحثاتی و کسب توافق اشتراک کنندگان به ثبت روند جلسه به وسیله کسب آغاز می شدند. با وجود این ۴۰ فیصد از اشتراک کنندگان گروههای مباحثاتی با ثبت جریان جلسه موافقت نکردند. در این حالات، محققین ثبت را متوقف نموده و به منشی ها اشاره می کردند که بحث جلسه را عیناً یادداشت نمایند. در برخی حالات که اشتراک کنندگان با ثبت جلسه موافقت کردند، گردانندگان به آنها وعده سپردند تا کستها را پس از تهیه دست نویس جلسه، پاک کنند. آشکار بود که مردم از احتمال تعقیب و پیگرد خویش براساس آنچه را که در جلسات ابراز کرده بودند، نگران بودند. یادداشتهای جلسات فوراً به بررسی گرفته می شدند و در صورت شک درباره نادرستی اطلاعات، جلسه دوباره برگزار می شد. ۱۰ گروه مباحثاتی در کندهار، ارزگان و هلمند مجدداً دایر شدند. در برگزاری مجدد این جلسات، جریان بحث ثبت می شد و بعداً اطلاعات مورد بررسی قرار می گرفت. کمیسیون از «مرکز بین المللی عدالت انتقالی» درخواست کرد تا عملکرد محققین بخش عدالت انتقالی را به منظور اطمینان از اجرای درست شیوه تحقیق ارزیابی نماید. یکی از مسئولین این مرکز، عملکرد دفاتر ساحوی کمیسیون را در خصوص برنامه نظرخواهی در ماه حمل ۱۳۸۳ ارزیابی کرد.

^{۵۵} اشتراک کنندگان در کابل حتی یک هفته پیش از تدویر جلسات گروههای مباحثاتی شناسایی و لسٹ و دعوت می شدند.

تحلیل کمی

تمام سؤالات نظرخواهی طوری طرح شده بودند که قابلیت ورود به بانک معلوماتی کامپیوتر (Data Base) را داشته باشند. بدین منظور مرکز منابع معلومات کامپیوتری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یک بانک معلوماتی را به منظور گنجاندن اطلاعات در آن طراحی کرد. یک تیم متشکل از ۵ کارمند، اطلاعات را در این بانک معلوماتی جاسازی کردند. از روند ورود اطلاعات به بانک معلومات، مراقبت منظم صورت می گرفت. از یک برنامه به نام «اس پی اس اس» برای تحلیل کمی اطلاعات کار گرفته شد. پاسخهای نظرخواهی همچنین برای تعیین نوسانات منطقه ای و جنسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در صورت عدم پاسخ اشتراک کنندگان یا ارائه بیش از یک پاسخ به یک سؤال، پاسخها با عنوان «نامعلوم» مشخص می شدند.

تحلیل کیفی

دفتر مرکز منابع معلومات کامپیوتری کمیسیون یک بانک معلوماتی دیگر را، به منظور تحلیل کیفی جلسات گروههای مباحثاتی ایجاد کردند. اسناد ۵۰ گروه مباحثاتی به طور تصادفی از ولایات مختلف انتخاب شدند و یک گروه تحقیق به مرور آنها پرداخت. این تیم، پاسخهایی را که بار بار در جریان جلسات گروههای مباحثاتی ذکر شده بودند، مشخص نمودند. اطلاعات بعداً استخراج و با استفاده از یک سیستم کود، کودگذاری شدند. از این سیستم برای گنجاندن اطلاعات متباقی گروههای مباحثاتی در بانک معلوماتی، استفاده شد. جداول مربوط به تحلیل کیفی اطلاعات در ضمایم مربوطه این گزارش آمده است. به منظور تکمیل تحلیل کمپیوتری اطلاعات با «احساس انسانی» اسناد و دست نوشتههای تمام گروههای مباحثاتی مطالعه، نکات مشترک آنها تعیین و آنها براساس تفاوتهای منطقه ای، ولایتی و جنسی مشخص گردید. همچنین، ما نقل قولهایی را با استفاده از اطلاعات گروههای مباحثاتی تهیه دیده ایم که در سراسر این گزارش دیده می شوند. این تحقیق به نوع خود بزرگترین مطالعه در افغانستان به شمار می رود. این اولین تجربه تحقیقی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان درخصوص مشوره ملی و نظرخواهی است که احتمالاً خالی از کمبودات نخواهد بود. لکن ما معتقد بر این هستیم که این کمبودها صحت و درستی، نتایج و ارزش اساسی این گزارش را برای استفاده مردم و سیاستگذاران، متأثر نخواهد کرد.

ضمیمه ۲

پرسشنامه

مقدمه

سلام، نام من . . . است. من برای کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کار می کنم. کمیسیون از سوی اداره موقت افغانستان و براساس فرمان ریاست دولت ایجاد شده است؛ اما کاملاً مستقل از اداره انتقالی افغانستان عمل می کند. کمیسیون بی طرف و غیرسیاسی می باشد. وظیفه من نظارت بر حقوق بشر و ترویج آن در افغانستان می باشد. کمیسیون صلاحیت دارد که از مردم افغانستان درباره نحوه رسیدگی به جرایم گذشته یعنی جرایمی که در جریان جنگ ها روی داده است، سؤالاتی را پرسی نماید. به عنوان مثال سؤالاتی چون نحوه تحقیق این جرایم و محاکمه مجرمین. فعلاً کمیسیون در این باره از خود سیاستی ندارد. وظیفه ما تنها این است که نظریات مردم افغانستان را درباره جرایم گذشته جمع نمائیم و سپس یک گزارش عمومی برای دولت و ملت افغانستان و جامعه بین المللی منتشر کنیم. ممکن است من نظریات شخصی خود را داشته باشم؛ اما وظیفه من در این جا این است که بی طرف باشم و نظریات

شما را ثبت نمایم. امیدوارم که شرکت در این کار را مهم بدانید. در عوض اشتراک شما، پولی برایتان داده نخواهد شد و فایده مالی برای شما نخواهد داشت؛ اما نقطه نظرانی که شما می دهید، به دولت جهت اتخاذ پالیسی هایش و به افغانستان جهت رسیدن به یک آینده بهتر و عدالت اجتماعی کمک می نماید.

محرمیت، آرامش و رضایت

می خواهم به شما اطمینان بدهم که اسم تان در فورمه ها نوشته نمی شود و نظریاتی که شما در اینجا می دهید کاملاً "محرمانه و بی نام خواهند ماند. ببینید فورمه ای که من با خود دارم جایی برای نوشتن اسم ندارد (فورمه را نشان بدهید) و معلوماتی که نشان دهد شما کی هستید را در فورمه نمی گیریم. تمام کاری که من انجام می دهم این است که جنسیت و سن تقریبی شما را به غرض آمارگیری یادداشت می نمایم.

موافق هستید؟ سؤالی دارید؟

دستورالعمل

بسیار خوب. از شما ۱۹ سؤال می کنم، شما می توانید جواب «بله» یا «خیر» بدهید و البته برای سهولت در جواب دادن، من برایتان یک سلسله از گزینه ها را ارائه می کنم. بعضاً "ممکن است جوابی را که شما می خواهید بدهید در گزینه های سؤالات موجود نباشد؛ لطفاً" در آن صورت بهترین جواب را از گزینه هایی که داده شده است، انتخاب نمائید.

حقیقت یابی

۱. عدالت برای شما چه مفهومی دارد؟

(الف) مجازات مجرمین از سوی محکمه؛

(ب) غرامت دهی به قربانیان جرایم ضد حقوق بشر؛

(پ) آشتی اقوام متخاصم؛

(ت) انتشار حقایق در مورد جنایات و موارد نقض حقوق بشر در گذشته؛

(ث) تمامی موارد فوق.

۲. به نظر شما، کدام ارگان یا اشخاص باید نقش مهمی را در موسسه ای که برای جمع آوری حقایق تأسیس می شود، داشته باشد.

(الف) دولت افغانستان؛

(ب) جامعه بین المللی؛

(پ) بزرگان محلی؛

(ت) روشنفکران و گروه های اجتماعی؛

(ث) شخصیت های مذهبی؛

(ج) نماینده زنان؛

(چ) تمامی موارد فوق.

۳. به نظر شما، یافتن حقایق در مورد جرایم ضدحقوق بشری که در جریان جنگ ها در افغانستان روی داده است، مهم می باشد؟ بله / خیر

۴. آیا به نظر شما کسی که در حضور یک نهاد خاص ایجاد شده برای تامین عدالت انتقالی به جرایم خود اقرار می کند، باید مورد عفو قرار گیرد؟ بله / خیر

راه حل های قضایی و عدلی

۵. آیا شما خواستار برقراری عدالت برای جرایم جنگی گذشته و آنان که مرتکب موارد نقض حقوق بشر نیز شده اند، هستید؟ بله / خیر

۶. برقراری عدالت تا چه اندازه برایتان اهمیت دارد؟

الف) اگر بله، عدالت تا چه اندازه برایتان اهمیت دارد؟.

ب) نهایت مهم است؛

ت) مهم است؛

ث) تا اندازه ای مهم است؛

ج) مهم نیست.

۷. به نظر شما، چه کسی باید به خاطر جرایمی که در جریان جنگ مرتکب شده است، محاکمه شود؟

الف) هر کسی که مرتکب نقض حقوق بشر شده است؛

ب) آنهایی که جرایم سنگین مرتکب شده اند و آمرین آنها؛

پ) تنها اشخاصی که مسوول طراحی، دستور و ارتکاب جرایم سنگین بوده اند؛

ت) هیچکس.

۸. فکر می کنید باید برای جرایم مرتکب شده، خساره پرداخته شود؟ بله / خیر

۹. اگر جنایتکاران جنگی به محکمه کشانیده شوند، به نظر شما کدام یک از نهادهای ذیل باید مهم ترین نقش را در این راستا بازی نمایند؟

الف) دولت افغانستان؛

ب) جامعه بین المللی؛

پ) دولت افغانستان و جامعه بین المللی؛

ت) رهبران محلی؛

ث) تمام موارد فوق به شکل مختلط

۱۰. فکر می کنید که محاکمه نمودن جنایتکاران جنگی؛

الف) ثبات، صلح و امنیت را در افغانستان افزایش می دهد؛

ب) ثبات، صلح و امنیت را در افغانستان کاهش می دهد؛

پ) مطمئن نیستم.

۱۱. آیا به نظر شما، پروسه قضایی به آشتی کمک می نماید؟ بله / خیر

۱۲. اگر قرار باشد جنایتکاران جنگی محاکمه شوند، کجا باید محاکمه گردند؟

الف) داخل افغانستان؛

ب) خارج از افغانستان، در یک کشور مسلمان؛

پ) خارج از افغانستان، در یک کشور دیگر؛

۱۳. چه زمانی باید جنایتکاران جنگی در افغانستان محاکمه گردند؟

الف) اکنون؛

ب) در جریان دو سال آینده؛

پ) در جریان ۲ تا ۵ سال آینده؛

ت) بیشتر از ۵ سال.

۱۴. به کدام یک از موسسات ذیل برای برگزاری یک محاکمه عادلانه اعتماد بیشتری دارید؟

الف) محکمه با قضاات افغانی؛

ب) محکمه با قضاات بین المللی؛

پ) محکمه با قضاات افغانی و بین المللی.

۱۵. آیا شما به نظام قضایی فعلی افغانستان جهت تامین مسوولیت پذیری برای جرایم گذشته ضدحقوق بشر اعتماد دارید؟ / بله / خیر

۱۶. آیا تامین عدالت برای جرایم جنگی به آوردن امنیت و پیشرفت در افغانستان کمک می نماید؟ بله / خیر

۱۷. به نظر شما آیا ناقضان حقوق بشر باید از وظایف و مقاماتشان سبکدوش گردند؟ بله / خیر

۱۸. چه عوامل دیگری برای آشتی مفید خواهد بود؟

مفیدترین آن را شماره ۱ و بعد براساس اهمیت آن الی شماره ۴ نشانی شود. (۱: مفیدترین؛ ۴: مضرتترین)

الف) شوراها/ جرگه های محلی؛

ب) عدالت اجتماعی برای قربانیان؛

پ) کمیسیون حقیقت یابی و آشتی؛

سئوالات شخصی

۱۹. آیا شما قربانی جرایم جنگی بوده اید؟ بله/ خیر

۲۰. آیا عضوی از خانواده شما قربانی بوده است؟ بله/ خیر

۲۱. چه وقت؟

۱۹۷۸-۱۹۹۱

۱۹۹۱-۱۹۹۶

۱۹۹۶-۲۰۰۱

۲۲. جنگ افغانستان عمدتاً!؛

الف) یک جنگ داخلی بین احزاب داخلی بود؛

ب) یک جنگی بود که به اثر مداخله و یا تجاوز کشورهای دیگر در گرفته بود؛

پ) هر دو مورد فوق بطور مساوی نقش در آن داشتند.

۲۳. کدام کشور یا کشورها را شما مسؤول جرایم جنگی می دانید؟ (می توانید بیشتر از یک کشور را انتخاب نمائید)

الف) ایران؛

ب) پاکستان؛

پ) شوروی سابق؛

ت) امریکا؛

ث) تمامی شان.

۲۴. به نظر شما، جامعه بین المللی پس از سقوط طالبان تاکنون چگونه با افغانهایی که جرایم علیه بشریت را مرتکب شده اند، برخورد کرده است؟

الف) از آنها حمایت سیاسی، نظامی و مالی کرده است؛

ب) تمامی تلاش خود برای محدود کردن قدرت و نفوذ این اشخاص را انجام داده است؛

پ) هیچ کدام از دو مورد فوق.

۲۵. مسأله قومیت چه نقشی را در جنگ افغانستان ایفا کرده است؟

الف) بخشی از جنگ افغانستان را مشکلات قومی تشکیل می دادند؛

ب) تسلط و کنترل قوماندانها بر اقوام باعث بروز جنگ قومی شده؛

پ) در افغانستان جنگ قومی واقعی وجود نداشته است.

۲۶. آیا در گزارشی که نوشته می شود باید تمامی جرایم گذشته ضد حقوق بشر گنجانیده شود؟ بله / خیر

اگر بله، آن گزارش چه اهدافی را باید دنبال نماید؟

الف) حقیقت را بر ملا نماید؛

ب) عدالت را تامین نماید؛

پ) موسسات و سیاست های جدیدی را پیشنهاد نماید تا از وقوع جرایم مشابه در آینده جلوگیری گردد؛

ت) تمامی موارد فوق.

۲۷. اگر محاکمه ای در کار نباشد، آیا مردم به «انتقام» روی می آورند؟ بله / خیر

نکته: در صورتی که مصاحبه شونده جواب دیگری که خارج از جوابها است ارائه نماید، شما می توانید آن را نیز ثبت نمایید.

ضمیمه ۳

گروه های مباحثاتی

ورقه توافق (توافقنامه).

معرفی: نام من . . . است. من کارمند کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان هستم. ما معلومات مربوط به نقض حقوق بشر در افغانستان را جمع آوری می کنیم. خوش می شویم تا نظریات مردم افغانستان را درباره تخلفات حقوق بشر دانسته و بدانیم از نظر مردم بهترین راه برخورد با این تخلفات چیست. معلومات جمع شده به ما این امکان را خواهد داد تا مفکوره مردم را که برای ما بسیار با اهمیت هستند، دانسته و به جواب این سؤال برسیم که مردم خواهان چه نوع برخوردی با ناقضان حقوق بشر هستند. با اشتراک در این مطالعه ما به این عقیده هستیم که شما می توانید برای ایجاد یک افغانستان آزاد و برخوردار از عدالت کمک نمائید.

اطمینان بر محرمت و رضایت

من از شما می خواهم که در گروه مباحثاتی اشتراک نمایید، این مباحثه یک الی دوساعت دوام خواهد کرد. مامور کمیسیون بنام . . . چند سوال از شما پرسان خواهد کرد. موظف دیگر بنام . . . صحبت ها را یادداشت می کند. شما در گروههای ۸ تا ۱۰ نفری شرکت خواهید نمود. برای سؤلهایی که پرسیده خواهد شد، جواب درستی وجود ندارد. به این دلیل که این یک مباحثه است. شما می توانید که به سؤالها جواب ندهید.

همکار ما جوابهای شما را محرّم نگه می دارد. ضرور نیست شما نام اصلی تان را در این گروه مباحثاتی بگوئید. لطفا نام های کسانی را که در این گروه اشتراک دارند در بیرون افشا نکنید. نام شما هیچ جا تحریر نخواهد شد و هیچ کس حق ندارد هویت شما را بداند. تنها همکار ما در این مباحثه می تواند این معلومات را جمع و در دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان قفل کرده و کلید را نگه دارد. (ما خواهان این هستیم که شما اجازه ثبت کردن این بحث را بدهید. تنها موظف تحقیق است می تواند به آن دسترسی داشته باشد و بعد از این که آن را به تحریر درآوریم، همه آن را از بین می بریم. نام ها و مشخصات هویتی نیز از میان برده می شوند).

وقتی ما مطمئن شدیم که با اشتراک در این تحقیق برای شما مشکلی پیش نمی آید، آن گاه از شما تقاضای اشتراک خواهیم نمود؛ زیرا، ما هم از این باخبریم که مردم افغان رنج دیده اند و هنوز از حوادث گذشته هراس دارند. ما به عنوان یک کارمند کمیسیون حقوق بشر نه یک نظامی، به فکر امنیت و مصونیت شما می باشیم. اگر شما در این باره شک و تردیدی دارید لطفا آزادانه به ما بیان دارید و می توانید در این مباحثه شرکت ننمایید. اشتراک شما در این مباحثه فایده مادی مستقیم برای شما ندارد، ولی ما امیدواریم که تحقیق ما برای بهبود وضعیت مردم افغانستان مفید باشد. برای اشتراک در این مباحثه برای شما پولی پرداخته نخواهد شد. اشتراک شما رضاکارانه است. شما آزاد هستید که سؤلهایی را که دلتان نمی خواهد، جواب ندهید و هم هر وقتی که خواستید می توانید از مباحثه بیرون شوید، رد کردن اشتراک در مباحثه برای شما و فامیل شما مشکلی به وجود نخواهد آورد. آیا از من سؤالی دارید؟.

راجع به این نوشته ها هر سؤالی که دارید پرسیده می توانید. اگر شما راجع به حقوق خود و طرز رفتار با شما در این پروژه سؤالی دارید، لطفا بعد از این که ما این جا را ترک کردیم با این آدرس تماس بگیرید. (احمد نادر "نادری" عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان).

لطفا اسم، آدرس و شماره تیلیفون را فراموش نکنید.

اهداف «داخلی» سروی - یا تجدید نظرهای پیشنهاد شده

با در نظر داشت این اصل که موثرترین و پایدارترین تدابیر و اقدامات برای تامین عدالت انتقالی برای یک جامعه آنهایی می باشند که براساس مشوره با مردم، انکشاف یافته و درک شده و از دید مردم مشروعیت داشته باشند. اهداف این سروی عبارتند از:

درک این که مردم افغانستان در مورد تجارب و سرگذشتشان از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ چه احساسی دارند.

سنجش و ارزیابی این که مردم افغانستان تخطی های حقوق بشر را که به وقوع پیوسته اند، چگونه درک و چوکات بندی می نمایند.

تعیین و تصمیم بر این که آیا درک و احساس از تخطی های حقوق بشر در میان مردم افغانستان بر مبنای گروه های قومی، سیاسی یا نظامی استوار است.

تصمیم بر این که آیا همه مردم افغانستان به حیث یک کل آرزو و علاقه ی برخورد با این میراث از تخطی ها را دارند و یا تنها گروه های خاص جامعه.

درک این که مردم افغانستان از عدالت چه فهمی دارند و توقعات آنها از نیل به آن چیست.

سنجش و اندازه گیری دیدگاه ها و طرز برخورد مردم افغانستان که چگونه به بهترین شکل با میراث تخطی های حقوق بشر در افغانستان معامله شود و نظرسنجی در مورد راه حل های متفاوت که در برخورد با تخطی های حقوق بشر در افغانستان پیشنهاد شده است.

سنجش و ارزیابی افکار مردم افغانستان در مورد اشتراک جامعه بین المللی در ارزیابی و انکشاف یک پاسخ به میراث تخطی های حقوق بشر.

درک آنچه را که مردم افغانستان و گروه هایش از پیامدهای عدالت انتقالی آرزو دارند.

تشخیص موسسات، نهادها و شخصیتهایی که به نظر مردم افغانستان جهت تطبیق روند عدالت انتقالی شایسته و قابل اعتماد پنداشته می شوند.

اگر اتفاق نظر و دیدگاه مشخص در مورد نیاز به پاسخ در برابر میراث تخطی ها موجود باشد و درک این که تا چه سطح معلومات کافی وجود دارد.

۱. تدویر گروه مباحثاتی.

- مدت زمان جلسه ۹۰-۱۲۰ دقیقه؛
- ۶-۱۰ دقیقه برای هر صحبت کننده؛
- تسهیل نمودن به منظور درک درست نظریات و برداشت ها؛
- یک گرداننده و یک نفر یادداشت کننده.

۲. شناسائی و دعوت.

دو تن از کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در شناسائی و دعوت نمودن اشتراک کنندگان با استفاده از روش ذیل در برگزاری جلسات مباحثاتی استفاده خواهند کرد.

روش روبرو: با استفاده از یک پرسشنامه قبلاً آماده شده، با هر کسی که در راه پیش آمد، می توان مصاحبه نمود. در هر انتخاب تصادفی از افراد و یا خانواده، سئوالات احصائیوی را بپرسید. زمانی که معیارهای انتخاب برآورده شد، با تقدیم نامه و یا به صورت شفاهی پروژه را معرفی نمایید. اگر آنها به مشارکت موافقه نمودند، تاریخ ملاقات را که قبلاً تعیین نموده اید، برایشان بگویید. اگر یک فرد یا خانواده تمایل نشان نداد، به فرد یا فامیل همسایه رجوع نمایید.

نمونه گیری به شکل برف کلوله یا زنجیری :

ابتدا یک فرد معلوماتی را پیدا نمایید که او یک شخص را که به شرایط انتخاب برابر باشد، معرفی نماید. از این فرد مشخص خواهش نمایند تا اشتراک نموده و شخص دیگر واجد شرایط را معرفی نماید. این پروسه را دوام بدهید تا این که ۱۰ نفر در یک گروه برای مطالعه جذب گردد.

۳- شرایط انتخاب.

(به سند ضمیمه شرایط انتخاب در گروه مباحثاتی ملاحظه شود).

۴- اطمینان حاصل نمایید که موقعیت برگزاری جلسات مناسب بوده و محریمیت اشتراک کنندگان را تامین کند. اگر فاصله از محل کار یا خانه اشتراک کننده طولانی باشد برای آنها امکانات ترانسپورتی را مهیا سازید.

۵- ثبت و دیگر آمادگی ها.

پیش از شروع هر مجلس کارهای ذیل را انجام دهید:

- اطمینان از درست کار کردن ضبط صوت.
- اطمینان از کافی بودن کست برای ثبت مباحثات.
- اطمینان از ضعیف نبودن باتری های ضبط صوت.
- گرداننده باید دوقلم و یک کتابچه یادداشت به همراه داشته باشد.
- یادداشت کننده باید حداقل دوقلم و کتابچه یادداشت داشته باشد.
- فورمه توافق.

• رهنمود گروه مباحثاتی را با خود داشته باشد.

۶- تشویقیه.

تهیه نوشابه، چای و کلهجه (نان چاشت در صورت امکان) برای اشتراک کنندگان.

رهنمود برای گرداننده جلسات:

- هر گروه مذاکراتی به صورت هم شکل عمل کرده و سئوالات مشابه را بکار می برند.
- باید گرداننده و موسسه تحقیق کننده معرفی شوند.

- باید هدف تحقیق بیان شود.
- باید اصول اساسی گروه مذاکراتی تشریح شود.
- دلیل و منطقی ثبت نمودن و محرمیت برای اشتراک کنندگان تشریح شده اجازه آنها جهت مذاکره اخذ گردد.
- ارائه نظریات جواب دهندگان.

کار برای بحث و گفتگو:

پیش از همه می خواهیم خودم را معرفی نمایم. نام من . . . است. فعلاً من به صفت یک محقق در بخش عدالت انتقالی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان کار می نمایم. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می خواهد که نظریات و خواسته های مردم را درمورد نحوه برخورد با تخطی های حقوق بشری در افغانستان بداند. ممکن است نظر شما بهترین راه به منظور برخورد با تخطی های حقوق بشری در گذشته باشد. جمع بندی و نتیجه گیری از این معلومات ما را در درک آنچه که مردم افغانستان در برخورد با جنایات گذشته خواهان آن هستند، یاری می نماید. این معلومات و نظریات شما می توانند بر تصمیمی که در مورد چگونگی برخورد با تخطی های گذشته از اصول حقوق بشر اتخاذ می گردند، تاثیر داشته باشند.

- در تماس با همکاران ما، شما می توانید تشریحات مفصل را درمورد این تحقیق دریافت نمائید.
 - با آنها، من می خواهم تا نکات عمده آن را به شما ارائه بدارم.
- شما براساس شرایط و معیارهایی انتخاب شده اید که درین تحقیق حایز اهمیت اند. برعلاوه، این موضوع برای ما خیلی مهم است که این گروه از نظر جنسیت، سن و سطح تحصیل و غیره تا حد ممکن مختلط است.
- شما باید آگاه باشید که درین تحقیق سطح فهم و دانش تان امتحان نمی شود و هیچ جواب درست و غلطی وجود ندارد. به تعبیر دقیق تر جواب صادقانه شما درست است. ما اینجا آمده ایم تا بشنویم و مذاکره نمائیم.
- مذاکره طوری انجام می شود که من از شما سؤال می نمایم و شما به آن پاسخ می دهید. لطفاً موقع مذاکره راحت باشید و برای پاسخ دادن منتظر اشاره من نباشید.

در عین حال لطفاً نزاکت ها را مراعات نمائید. حقوق دیگران را احترام و به سخنان و نظریات شان گوش دهید. زمانی که یک نفر ابراز نظر می نماید، لطفاً اخلاص نکنید. به دیگران اجازه دهید که در مذاکره سهم بگیرند. همچنین لازم است که شما آنچه را که فکر می کنید، به زبان بیاورید. سکوت بهتر است از ابراز آنچه که با آن باور ندارید.

ما هرگز نام شما را فاش نمی کنیم. در این تحقیق به اصلاً به هويت شما ضرورت نیست. همچنان در جریان مذاکره نام کسی را از شما نمی پرسیم.

در جریان این تحقیق، معلومات این مذاکره صرف در دسترس اعضای تیم تحقیق قرار خواهند داشت. اگرچه شما باید بدانید که این مذاکره ثبت می شود. این کار را به این دلیل انجام می دهیم که ما نمی توانیم در عین حال که با شما صحبت می نمائیم، یادداشت هم بگیریم و نیز می خواهیم مطمئن باشیم که آنچه شما می گوئید ما آن را دقیق می شنویم.

آیا موضوع کاملاً برای شما روشن است؟ کدام سؤالی دارید؟ اکنون ما باید کار دیگری را هم انجام دهیم. ما باید خود را معرفی نمائیم. من از همه شما تقاضا دارم که نامهای مستعارتان را ذکر کنید نه نام های اصلی تان را. فقط نامی را که در جریان مذاکره می خواهید با آن یاد شوید، اظهار بدارید.

اکنون لطفاً معلومات اساسی دیگری را درمورد خودتان چون سن، حالت مدنی و شغل فعلی و . . . را با ما در میان بگذارید. (فارم خصوصیات مصاحبه شوندگان را استفاده نمائید).

حالا ما شروع به مذاکره می نمائیم.

سوالات کلیدی گروه مباحثاتی.

۱ به نظر شما حقوق بشر چیست؟

- الف: چه نوع تخطی‌هایی از حقوق بشر در جریان درگیری‌ها در افغانستان رخ داده است؟
 ب: آیا شما شخصاً از تخطی‌های حقوق بشر متأثر شده‌اید؟
 ث: کدام گروه‌ها یا اشخاص را مسئول وقایعی که شما تشریح کردید، می‌دانید؟
 ۲ آیا به نظر شما مردم افغانستان آنچه را که در حق شان انجام گرفته، باید ثبت و حفظ نمایند؟
 الف: چرا بلی؟ و چرا نه؟
 - (اگر بلی این رویدادها باید حفظ و ثبت شوند)
 مردم افغانستان چگونه باید آنچه را که بالایشان اتفاق افتاده ثبت نمایند؟
 ۳ به نظر شما این بی‌عدالتی‌ها چگونه باید جبران شوند؟
 الف: از نظر شما، چه چیز عدالت را تامین می‌نماید؟
 ب: برای شما این تا چه حد حائز اهمیت است که اشخاصی مسئول این بی‌عدالتی‌ها هستند، جوابگوی اعمال شان باشند؟
 ج: چه باید کرد تا قربانیان این بی‌عدالتی‌ها در افغانستان کمک شوند؟
 د: آیا شخصیتها و یا ارگانهایی در داخل افغانستان وجود دارند که بتوانند تحقیقات منصفانه و دقیقی را در مورد بی‌عدالتی‌هایی که باعث رنجش مردم افغانستان شده، انجام دهند؟
 ه: در بیرون از افغانستان چطور؟
 و: آیا شما به سیستم قضائی در افغانستان اعتماد دارید؟
 ز: در مورد قضاات چطور؟
 ح: در مورد حقوقدانها (وکالی مدافع) چطور؟
 ط: اگر آنهایی که متهم به نقض حقوق بشرند به محاکمه کشانیده شوند، این محاکمه در کجا باید انجام شود؟
 ی: تحت کدام قوانین؟ قوانین افغانی؟ یا قوانین بین‌المللی؟
 ک: آیا جامعه بین‌المللی باید به نحوی از انحا در پروسه این محاکمات دخالت نماید؟ اگر بلی، چطور و به کدام ظرفیت؟
 ۴ چه باید کرد تا از قوع مجدد این بی‌عدالتی‌ها جلوگیری شود؟
 الف: آیا نیازی به آشتی مجدد بین مردم افغانستان موجود است؟
 ب: چه تدابیری می‌تواند وحدت و اعتماد را در بین مردم افغانستان ایجاد نماید؟
 ج: آیا شما در مورد محکمه بین‌المللی جنائی و دیوان بین‌المللی جنائی برای یوگوسلاویا و رواندا چیزی شنیده‌اید؟
 د: آیا شما در مورد یک کمیسیون حقیقت‌یابی معلوماتی دارید؟
 ۵ نگرانی‌های عاجل شما چیست؟ (به طور مثال، امنیت، غذا، برق، پیدا شدن اعضای گم شده خانواده و غیره).
 الف: در مورد عدالت چطور؟ آیا این هم یک نگرانی عاجل برای شماست؟

خصوصیات مصاحبه اشتراک کننده

نام گروه مباحثاتی: -----

نمبر گروه مباحثاتی: -----

تاریخ: -----

ولایت: -----

ولسوال: -----

قریه : -----
 موقعیت -----

پیش از برگزاری جلسه مباحثاتی، می خواهیم چند سوال مطرح نمایم		
سوال ۱	شما چند ساله هستید؟	تاریخ تولد: سال /روز /ماه.
سوال ۲	فعالاً حالت مدنی شما چیست؟	۱. مجرد؛ ۲. متاهل یا زندگی همراه والدین؛ ۳. طلاق / بیوه؛
سوال ۳	تا صنف چند مکتب خوانده اید؟	۱. هیچ؛ ۲. ابتداییه؛ ۳. متوسطه؛ ۴. فاکولته؛
سوال ۴	وظیفه شما چیست؟	
سوال ۵	جنسیت	۱. مرد؛ ۲. زن؛
سوال ۶	منشأ قومی	۱. ازبک؛ ۲. بلوچ؛ ۳. هزاره؛ ۴. تاجک؛ ۵. پشتون؛ ۶. پشه ای؛ ۷. ترکمن؛

نکته: برای هر اشتراک کننده یک فورم جداگانه استفاده می شود.

ضمیمه ۴

جدول سروی اجرا شده در ولایات کشور

ولایت	احصایه نفوس بر اساس آمار لویه جرگه اضطراری ۱۳۸۱	تعداد پاسخ دهندگان
پدخشان	375,000	82 نفر
بادغیس	225,000	44
بغلان	650,000	140
بلخ	850,000	177
بامیان	350,000	165
فراه	200,000	35
فاریاب	600,000	101
غزنی	700,000	135
غور	425,000	161
هلمند	650,000	118
هرات	1075,000	190
جوزجان	350,000	113
کابل	2525,000	412
کندهار	800,000	190
کاپیسا	325,000	68
کتر	100,000	22
کندهار	775,000	147
لغمان	350,000	75
لوگر	75,000	15
ننگرهار	950,000	190
نیمروز	100,000	20

37	175,000	پنجشیر
29	150,000	پکتیا
140	575,000	پروان
90	250,000	سمنگان
90	425,000	سرپل
122	600,000	تخار
151	575,000	ارزگان
69	350,000	میدان وردک
28	150,000	زابل
64		خوست
399		مهاجرین در پاکستان
330		مهاجرین در ایران
2		نامعلوم
4151		

جدول گروه مباحثاتی

ولایات	مردان	زنان	مجموع	%
بدخشان	68	19	87	3.63%
بادغیس	11	12	23	0.96%
بغلان	96	62	158	6.59%
بلخ	81	36	117	4.88%
بامیان	72	36	108	4.50%
فراه	10	32	42	1.75%
فاریاب	57	19	76	3.17%
غزنی	41	24	65	2.71%
غور	95	2	97	4.04%
هلمند	42	0	42	1.75%
هرات	145	54	199	8.30%
جوزجان	50	23	73	3.04%
کابل	59	51	110	4.59%
قندهار	17	16	33	1.38%
کاپیسا	10	10	20	0.83%
خوست	40	10	50	2.08%
کنر	10	10	20	0.83%
کندوز	101	38	139	5.79%
لغمان	51	23	74	3.08%
لوگر	13	0	13	0.54%
ننجرهار	134	39	173	7.21%
نیمروز	83	8	91	3.79%
نورستان	25	0	25	1.04%
پکتیکا	28	0	28	1.17%
پکتیا	24	8	32	1.33%
پنجشیر	19	20	39	1.63%

3.00%	72	37	35	پروان
3.42%	82	27	55	سمنگان
2.25%	54	23	31	سرپل
5.13%	123	33	90	تنخار
0.33%	8	0	8	اورزگان
1.63%	39	19	20	وردک
3.63%	87	18	69	زابل
100.00%	2399	709	1690	مجموع
	100.00%	29.55%	70.45%	درصدی ها

ضمیمه ۵

جدول های گروههای مباحثاتی و سروی

۱. عدالت یعنی چه؟

مجموعه	عدالت به معنی نشر حقیقت		عدالت به معنی مصالحه و آشتی		عدالت به معنی جبران خسارت قربانیان		عدالت به معنی جزا توسط محکمه		
	انتخاب نگردیده	بلی	انتخاب نگردیده	بلی	انتخاب نگردیده	بلی	انتخاب نشده	بلی	
۲۶۳۷	۲۴۰۹	۲۲۸	۲۰۹۳	۵۴۴	۲۲۳۴	۴۰۳	۱۲۶۴	۱۳۷۳	مردان
۱۰۰،۰٪	۹۱،۴٪	۸،۶٪	۷۹،۴٪	۲۰،۶٪	۸۴،۷٪	۱۵،۳٪	۴۷،۹٪	۵۲،۱٪	فیصدی مردان اشترک کننده
۱۱۱۴	۱۰۳۳	۸۱	۸۷۰	۲۴۴	۹۲۶	۱۸۸	۶۴۹	۴۶۵	زنان
۱۰۰،۰٪	۹۲،۷٪	۷،۳٪	۷۸،۱٪	۲۱،۹٪	۸۳،۱٪	۱۶،۹٪	۵۸،۳٪	۴۱،۷٪	فیصدی زنان اشترک کننده
۴۱۵۱	۳۷۹۸	۳۵۳	۳۳۱۴	۸۳۷	۳۵۲۱	۶۳۰	۲۱۱۴	۲۰۳۷	مجموع
۱۰۰،۰٪	۹۱،۵٪	۸،۵٪	۷۹،۸٪	۲۰،۲٪	۸۴،۸٪	۱۵،۲٪	۵۰،۹٪	۴۹،۱٪	مجموع

۲. چه کسی یک نقش خوب برای عدالت انتقالی بازی می تواند؟

حکومت ملی در تامین عدالت نقش دارد.	جامعه بین المللی در تامین عدالت نقش دارد.		کلان های محلی در تامین عدالت نقش دارند.		روشنفکران و گروههای اجتماعی در تامین عدالت نقش بازی می کنند.	
	انتخاب نگردیده	بلی	انتخاب نگردیده	بلی	انتخاب نگردیده	بلی
مردان	۷۹۱	۱۸۴۶	۸۹۳	۱۷۴۴	۱۹۹	۵۸۷
فیصدی مردان	۳۰,۰%	۷۰,۰%	۳۳,۹%	۶۶,۱%	۷,۵%	۲۲,۳%
زنان	۳۴۲	۷۷۲	۲۹۳	۸۲۱	۵۶	۲۴۲
فیصدی زنان	۳۰,۷%	۶۹,۳%	۲۶,۳%	۷۳,۷%	۵,۰%	۲۱,۷%
مجموع	۱۲۶۷	۲۸۸۴	۱۲۹۹	۲۸۵۲	۲۸۷	۸۷۳
فیصدی	۳۰,۵%	۶۹,۵%	۳۱,۳%	۶۸,۷%	۶,۹%	۲۱,۰%

۳. اگر شما عدالت می خواهید، چقدر عدالت برای شما مهم است؟

مجموع	اگر شما عدالت می خواهید چقدر عدالت برای شما مهم است؟					
	نا معلوم	بسیار مهم	مهم	خیلی کم مهم	بی اهمیت	نا معلوم
مردان	۳۲	۱۹۵۳	۵۲۶	۶۶	۳۱	۲۹
فیصد مردان اشتراک کننده	۱,۲%	۷۴,۱%	۱۹,۹%	۲,۵%	۱,۲%	۱,۱%
زنان	۱۱	۸۴۹	۲۱۱	۲۵	۱۰	۸
فیصدی زنان اشتراک کننده	۱,۰%	۷۶,۶%	۱۸,۹%	۲,۲%	۹%	۰,۷%
مجموع	۵۰	۳۱۴۹	۷۶۷	۹۸	۴۲	۴۵
قیصدی	۱,۲%	۷۵,۹%	۱۸,۵%	۲,۴%	۱,۰%	۱,۱%

۴. اگر مجرمین جنگی به چنگ عدالت سپرده شوند، چه کسی می تواند نقش مهمی بازی کند؟

مجموع	حکومت	جامعه بین المللی	حکومت و جامعه بین المللی	رهبران محلی	دولت و رهبران محلی	هیچ کدام	
						تمام این ها	کدام
مردان	۴۷۷	۴۴۲	۱۴۱۶	۴۶	۱۰۳	۹۵	۱۸
فیصدی	۱۸,۱%	۱۶,۸%	۵۳,۷%	۱,۷%	۳,۹%	۳,۶%	۷,۰%
زن	۲۴۸	۱۲۵	۵۲۱	۳۱	۱۱۳	۷۱	۰
فیصدی زنان	۲۲,۳%	۱۱,۲%	۴۶,۸%	۲,۸%	۱۰,۱%	۶,۴%	۰%
مجموع	۸۲۴	۶۳۳	۲۰۵۳	۸۸	۲۲۲	۲۶۱	۲۰
مجموع	۱۹,۹%	۱۵,۲%	۴۹,۵%	۲,۱%	۵,۳%	۶,۳%	۵%

۵. تاثیرات سپردن مجرمین جنگی به دست عدالت بر روی صلح

مجموع	تأثیرات سپردن مجرمین جنگی به دست عدالت بر روی صلح		
	کاهش ثبات و امنیت	افزایش ثبات و امنیت	
۲۶۳۷	۱۷۵	۲۰۹۹	مردان
۱۰۰,۰٪	۶,۶٪	۷۹,۶٪	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۱۴	۱۰۸	۷۶۵	زنان
۱۰۰,۰٪	۹,۷٪	۶۸,۷٪	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۱۵۱	۳۱۵	۳۱۷۰	مجموع
۱۰۰,۰٪	۷,۶٪	۷۶,۴٪	مجموع فیصدی

۶. محاکمات در کجا باید دایر گردند؟

مجموع	محاکمات در کجا باید دایر گردند؟				
	نامعلوم	بیرون از افغانستان و در یک کشور دیگر	خارج از افغانستان و در یک کشور اسلامی	در داخل افغانستان	
۲۶۳۷	۴۷	۲۳۳	۲۸۰	۲۰۷۷	مردان
۱۰۰,۰٪	۱,۸٪	۸,۸٪	۱۰,۶٪	۷۸,۸٪	فیصدی مردان اشتراک
۱۱۱۴	۱۲	۶۷	۱۳۴	۹۰۱	زنان
۱۰۰,۰٪	۱,۱٪	۶,۰٪	۱۲,۰٪	۸۹٪	فیصدی زنان اشتراک
۴۱۵۱	۷۶	۳۲۵	۴۱۵	۳۲۹۹	مجموع
۱۰۰,۰٪	۱,۸٪	۷,۸٪	۱۰,۹٪	۷۹,۵٪	مجموع فیصدی

۷. چه وقت مجرمین جنگی محاکمه شوند؟

مجموع	مجرمین چی وقت محاکمه شوند؟					
	نا معلوم	اضافه ترازه ۵ سال	در جریان ۲-۵ سال	در جریان دوسال	حالا	
۲۶۳۷	۷۵	۲۶۷	۵۴۱	۶۸۸	۱۰۶۶	مردان
۱۰۰,۰٪	۲,۸٪	۱۰,۱٪	۲۰,۵٪	۲۶,۱٪	۴۰,۴٪	فیصدی مردان اشتراک
۱۱۱۴	۱۲	۵۰	۱۵۲	۲۵۹	۶۴۱	زنان
۱۰۰,۰٪	۱,۱٪	۴,۵٪	۱۳,۶٪	۲۳,۲٪	۵۷,۵٪	فیصدی زنان اشتراک
۴۱۵۱	۹۷	۳۵۰	۷۸۱	۱۰۵۸	۱۸۶۵	مجموع
۱۰۰,۰٪	۲,۳٪	۸,۴٪	۱۸,۸٪	۲۵,۵٪	۴۴,۹٪	مجموع فیصدی

۸. اعتماد به برگزاری محاکمات در:

مجموع	اعتماد به برگزاری محاکمات			مردان
	نامعلوم	محکمه با قضات افغانی و بین المللی	محکمه با قضات بین المللی	
۲۶۳۷	۲۹	۱۲۳۶	۷۹۷	۵۷۵
٪۱۰۰،۰	٪۱،۱	٪۴۶،۹	٪۳۰،۲	٪۲۱،۸
۱۱۱۴	۸	۶۱۶	۲۵۲	۲۲۸
٪۱۰۰،۰	٪۷،۰	٪۵۵،۳	٪۲۲،۶	٪۲۱،۴
۴۱۵۱	۵۲	۲۰۵۹	۱۱۴۶	۸۹۴
٪۱۰۰،۰	٪۱،۳	٪۴۹،۶	٪۲۷،۶	٪۲۱،۵

۹. منفک نمودن تخطی کننده گان حقوق بشر از پست های کلیدی؟

مجموع	منفک نمودن تخطی کنندگان حقوق بشر از پست های کلیدی			مردان
	نا معلوم	نخیر	بلی	
۲۶۳۷	۹۷	۱۳۹	۲۴۰۱	
٪۱۰۰،۰	٪۳،۷	٪۵،۳	٪۹۱،۱	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۱۴	۳۰	۷۶	۱۰۰۸	زنان
٪۱۰۰،۰	٪۲،۷	٪۶،۸	٪۹۰،۵	مجموعه زنان اشتراک کننده
۴۱۵۱	۱۶۴	۲۳۸	۳۷۴۹	مجموعه
٪۱۰۰،۰	٪۴،۰	٪۵،۷	٪۹۰،۳	مجموعه فیصدی

۱۰. آیا شما قربانی جرایم جنگی بوده اید؟

مجموع	آیا شما قربانی جرایم جنگی بوده اید؟			مردان
	نامعلوم	نخیر	بلی	
۲۶۳۷	۶۷	۷۶۹	۱۸۰۱	
٪۱۰۰،۰	٪۲،۵	٪۲۹،۲	٪۶۸،۳	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۱۴	۲۰	۳۲۹	۷۶۵	زنان
٪۱۰۰،۰	٪۱،۸	٪۲۹،۵	٪۶۸،۷	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۱۵۱	۹۵	۱۱۸۷	۲۸۶۹	مجموع
٪۱۰۰،۰	٪۲،۳	٪۲۸،۶	٪۶۹،۱	مجموع فیصدی

۱۱. عوامل جنگ افغانستان؟

مجموع	عوامل جنگ افغانستان				
	نامعلوم	هر دو	جنگ وارداتی	جنگ داخلی	
۲۶۳۷	۹۲	۱۶۱۹	۸۱۲	۱۱۴	مردان
۱۰۰،۰٪	۳،۵٪	۶۱،۴٪	۳۰،۸٪	۴،۳٪	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۱۴	۳۷	۶۹۴	۲۸۳	۱۰۰	زنان
۱۰۰،۰٪	۳،۳٪	۶۲،۳٪	۲۵،۴٪	۹،۰٪	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۱۵۱	۱۵۰	۲۴۹۱	۱۲۸۲	۲۲۸	مجموع
۱۰۰،۰٪	۳،۶٪	۶۰،۰٪	۳۰،۹٪	۵،۵٪	مجموع فیصدی

۱۲. کدام کشور یا کشورها مسئول هستند؟

مجموع	نامعلوم	دیگر	امریکا	روسیه	پاکستان	ایران	
۲۶۳۷	۲۲	۱	۵۵	۱۷۱	۳۳۶	۱۶	مردان
۱۰۰،۰٪	۸٪	۰،۰٪	۲،۱٪	۶،۵٪	۱۲،۷٪	۰،۶٪	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۱۴	۱۱	۱	۲۶	۱۳۷	۱۵۶	۸	زنان
۱۰۰،۰٪	۱،۰٪	۰،۱٪	۲،۳٪	۱۱،۴٪	۱۴،۰٪	۰،۷٪	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۱۵۱	۳۷	۲	۸۸	۳۲۵	۵۵۰	۳۰	مجموع
۱۰۰،۰٪	۰،۹٪	۰،۰٪	۲،۱٪	۷،۸٪	۱۳،۲٪	۰،۷٪	مجموع فیصدی

۱۳. برخورد جامعه بین المللی با مجرمین جنگی در دو سال اخیر چگونه بوده است؟

مجموع	برخورد جامعه جهانی با مجرمین جنگی در دو سال اخیر				
	نامعلوم	هیچ کدام	کوشش نموده که قدرت آنها را محدود نماید	حمایت سیاسی، نظامی و مالی	
۲۶۳۷	۱۱۳	۳۲۸	۱۰۱۱	۱۱۸۵	مردان
۱۰۰،۰٪	۴،۳٪	۱۲،۴٪	۳۸،۳٪	۴۴،۹٪	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۱۴	۲۷	۱۷۶	۵۲۱	۳۹۰	زنان
۱۰۰،۰٪	۲،۴٪	۱۵،۸٪	۴۶،۸٪	۳۵،۰٪	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۱۵۱	۱۶۴	۶۰۳	۱۶۷۵	۱۷۰۹	مجموع
۱۰۰،۰٪	۴،۰٪	۱۴،۵٪	۴۰،۴٪	۴۱،۲٪	مجموع فیصدی

۱۴. هدف گزارش؟

مجموع	نامعلوم	آوردن عدالت و پیشنهاد نهادهای جدید	احساس نمودن حقیقت و آوردن عدالت	تمام جوانبهای فوق	توصیه نهادهای جدید	آوردن عدالت	افشای حقیقت	
۲۵۹۲	۱۳۹	۲	۵	۱۰۵۰	۲۷۵	۴۶۹	۶۵۲	مردان
۱۰۰,۰٪	۵,۴٪	۰,۱٪	۰,۲٪	۴۰,۵٪	۱۰,۶٪	۱۸,۱٪	۲۵,۳٪	فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۰۳	۵۷	۲	۳	۴۷۳	۹۹	۱۸۸	۲۸۱	زنان
۱۰۰,۰٪	۵,۲٪	۰,۲٪	۰,۳٪	۴۲,۹٪	۹,۰٪	۱۷,۰٪	۲۵,۵٪	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۰۸۶	۲۱۴	۴	۸	۱۷۰۸	۴۲۰	۷۲۲	۱۰۰۹	مجموع
۱۰۰,۰٪	۵,۲٪	۰,۱٪	۰,۲٪	۴۱,۸٪	۱۰,۳٪	۱۷,۷٪	۲۴,۷٪	مجموع فیصدی

۱۵. بدون محاکمه و پاسخگویی، مردم به انتقام روی خواهند آورد؟

مجموع	بدون محاکمه، مردم به انتقام روی می آورند				
	لادرک	تساید	نخیر	بلی	
۲۶۰۳	۶۹	۳	۲۸۳	۲۲۴۸	مردان
۱۰۰,۰٪	۲,۷٪	۰,۱٪	۱۰,۹٪	۸۶,۴٪	فیصدی مردان فیصدی مردان اشتراک کننده
۱۱۰۷	۶	۱	۱۱۰	۹۹۰	زنان
۱۰۰,۰٪	۰,۵٪	۰,۱٪	۹,۹٪	۸۹,۴٪	فیصدی زنان اشتراک کننده
۴۱۰۹	۹۳	۵	۴۱۱	۳۶۰۰	مجموع
۱۰۰,۰٪	۲,۳٪	۰,۱٪	۱۰,۰٪	۸۷,۶٪	مجموع فیصدی

سوال اول - حقوق بشر چیست؟

مجموع	حقوق اجتماعی							حقوق اساسی							
	غیره	مفهومش را نمیدانم	تمام حقوق یک انسان	حقوق شرعی و اسلامی	حق تحصیل	حقوق سیاسی (آزادی رأی و انتخابات)	تساوی مرد و زن	تساوی مذهبی	تساوی قومی	آزادی فکر و بیان	شغل و کار	امنیت و عدالت	ضروریات اولیه	حق حیات	ولایت
93	1	0	28	2	1	3	15	4	1	15	1	16	4	2	بدخشان
16	0	0	0	0	2	2	1	0	0	3	2	1	2	3	بادغیس
143	21	2	32	12	1	3	31	0	0	17	15	7	0	2	بغلان
280	25	0	5	27	65	36	15	0	12	12	43	2	1	37	بلیخ
67	14	7	5	14	13	0	0	0	0	13	0	0	0	1	بامیان
36	2	0	0	1	4	5	1	0	0	6	3	5	3	6	فراه
272	13	0	36	4	15	22	27	34	13	39	2	18	23	26	فاریاب
95	13	0	15	3	10	8	13	1	5	11	2	9	0	5	غزنی
80	15	0	0	1	8	3	1	4	1	5	9	10	10	13	غور
26	0	0	0	9	0	0	0	0	0	0	0	17	0	0	هلمند
832	105	10	10	20	100	31	47	10	0	108	90	87	50	164	هرات
182	32	0	13	0	13	13	12	1	29	7	14	11	7	30	جوزجان
78	6	5	6	6	11	1	5	3	2	7	8	11	2	5	کابل
125	0	0	0	8	17	0	33	8	8	25	9	0	8	9	کندهار
15	0	0	0	1	2	0	3	0	1	5	1	1	0	1	کاپیسا
22	0	2	0	3	3	1	2	1	1	1	2	5	1	0	خوست
90	20	0	0	10	10	0	10	0	0	10	20	0	0	10	کنر
95	10	0	41	7	7	0	11	2	3	9	0	5	0	0	کندوز
291	72	0	0	10	63	0	22	0	0	22	40	10	0	52	لغمان
5	0	0	0	2	1	0	1	0	0	0	0	0	0	1	لوگر
408	113	0	0	37	48	0	52	19	30	0	49	31	19	10	ننگرهار
35	10	0	0	13	0	0	12	0	0	0	0	0	0	0	نورستان
19	1	2	4	7	0	0	2	0	0	0	0	1	2	0	پکتیکا
22	1	8	0	1	5	0	1	0	1	1	0	3	1	0	پکتیا
53	1	0	0	3	19	0	0	0	0	0	13	11	2	4	پنجشیر
65	1	1	1	6	15	3	8	1	2	2	3	10	2	10	پروان
164	22	0	2	30	13	0	18	19	18	12	1	12	2	15	سمنگان
115	9	0	10	10	11	10	11	0	0	11	23	10	10	0	سر پل
166	7	0	1	26	17	17	10	27	13	10	0	7	0	31	تخار
10	10	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	اورزگان
41	1	7	0	5	4	0	9	0	0	5	1	6	1	2	وردک
154	35	0	25	49	0	0	18	0	0	9	0	0	0	18	زابل
4095	560	44	234	327	478	158	391	134	140	365	351	306	150	457	مجموع
100.0	13.7	1.1	5.7	8.0	11.7	3.9	9.5	3.3	3.4	8.9	8.6	7.5	3.7	11.2	فیصدی

سوال اول A در دوران جنگ و درگیری ها چه نوع تخطی ها از اصول حقوق بشر در افغانستان صورت گرفت؟

ولایت	حق تحصیل	حق سلامتی (معموبین و بیماران ناشی از جنگ)	حق آزادی (مذهبی، سیاسی، فکر، بیان و آزادی زنان)	حق حیات امنیت				حقوق مادی				حقوق زن			مجموع	
				قتل (دسته جمعی یا انفرادی)	شکنجه	لادرك گردیدن	بازداشت های غیر قانونی	حق ملکیت	تخریب اماکن	زور ستانی و چور و چپاول اموال	مهاجرت های اجباری	تجاوز های جنسی (زنان و اطفال):	ازدواج های اجباری	تجاوز کشور های خارجی		غیره
بدخشان	25	0	19	30	12	0	0	18	10	15	9	15	15	15	1	15
بادغیس	1	0	0	5	1	1	1	0	2	5	0	5	5	0	0	2
بغلان	17	1	1	62	11	0	6	1	25	43	4	43	22	4	4	4
بلخ	0	0	0	66	54	0	14	14	0	63	28	57	57	39	0	39
بامیان	0	1	0	15	2	2	2	0	4	16	9	3	3	1	1	3
فراه	3	0	2	6	2	1	1	1	6	2	2	2	2	3	1	3
فاریاب	1	1	18	41	27	0	9	29	28	43	27	22	22	39	0	39
غزنی	7	1	7	27	9	0	0	1	16	13	3	14	14	2	11	2
غور	12	0	0	26	5	14	11	12	7	19	3	17	17	6	12	3
هلمند	0	0	0	41	18	0	0	16	8	25	25	25	25	0	0	0
هرات	35	10	44	194	23	44	31	64	99	163	109	114	114	10	0	85
جوزجان	11	0	13	45	23	0	22	36	2	50	11	26	26	35	0	52
کابل	19	2	11	43	14	4	22	15	15	19	24	32	32	2	0	2
کندهار	9	0	0	16	8	0	8	0	25	17	8	16	16	8	0	16
کاپیسا	2	3	6	6	2	0	0	0	3	2	2	1	1	0	0	0
خوست	1	0	0	8	7	2	0	0	4	4	1	4	4	0	0	0
کنر	10	0	0	10	10	0	10	0	20	10	20	0	0	10	0	20
کندوز	26	1	28	52	6	3	5	36	15	53	18	55	55	27	1	27
لنجان	22	0	0	40	20	0	20	0	30	10	32	10	10	42	10	42
لوگر	2	0	1	2	2	0	2	4	2	1	1	1	1	0	0	0
ننگرهار	62	0	22	119	29	9	67	42	32	27	60	72	72	60	20	60
نورستان	0	0	0	13	0	0	13	0	13	13	12	0	0	12	12	12
پکتیکا	0	0	0	10	2	4	0	0	2	3	0	2	2	0	1	0
پکتیا	8	0	0	19	8	0	4	0	5	19	2	9	9	12	0	12
پنجشیر	10	1	3	9	4	0	3	0	6	5	7	0	0	7	0	7
پروان	15	1	7	23	7	3	1	6	8	3	19	3	3	19	0	19
سمنگان	17	0	17	42	29	0	12	25	31	55	17	17	17	28	0	28
سر پل	0	0	1	29	15	0	0	16	11	18	1	1	1	15	0	15
تخار	22	3	31	33	18	1	6	18	12	46	27	38	38	24	1	24
اوردگان	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
وردک	21	0	1	18	0	10	5	0	15	18	13	7	7	2	0	2
زابل	0	0	9	44	16	0	26	0	26	53	25	45	45	8	0	8
مجموع	358	25	241	1094	384	98	301	354	482	833	519	635	635	394	72	717
فیصدی	5.5	0.4	3.7	16.8	5.9	1.5	4.6	5.4	7.4	12.8	8.0	9.8	9.8	6.1	1.1	11.0

سوال ۱- B آیا شما شخصا مورد تخطی های حقوق بشر قرار گرفته اید؟

مجموع	غیره	هیچ متاثر نشدیم	صدمه های معنوی		صدمه های مادی				صدمه های حیاتی و جسمی					ولایت	
			ممانعت از حضور زنان در جامعه	حق تحصیل	سلب شدن حق کار	تخریب ملکیت	غصب شدن ملک و اموال	مهاجرت	عوارض جسمی و روانی ناشی از جنگ:	شکسته و زندانی شدن خود یا اقارب	تجاوز جنسی	لادرك شدن	کشته شدن اقارب		یتیم و بیوه
74	0	5	0	13	0	3	5	6	21	3	1	1	14	2	بدخشان
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	بادغیس
64	0	2	0	15	0	3	17	2	1	10	0	1	13	0	بغلان
183	0	10	11	0	11	0	22	15	1	34	0	14	19	46	بلخ
84	0	37	0	0	1	2	18	3	1	15	0	2	5	0	بامیان
25	0	0	1	5	3	1	1	4	0	3	0	1	4	2	فراه
195	0	0	32	33	8	14	12	12	2	53	2	0	27	0	فاریاب
94	0	21	10	15	0	8	5	7	6	5	0	3	12	2	غزنی
111	0	1	10	0	10	10	13	10	22	11	0	12	12	0	غور
120	0	0	0	0	0	18	17	26	0	25	8	1	25	0	هلمند
458	0	89	10	42	41	15	44	60	21	42	0	22	72	0	هرات
212	1	1	24	1	6	15	15	6	20	44	11	11	46	11	جوزجان
53	0	1	0	4	2	3	2	5	5	9	0	0	22	0	کابل
58	0	2	0	0	0	0	9	9	0	9	0	1	19	9	کندهار
15	0	0	0	0	1	1	2	2	3	1	1	0	4	0	کاپیسا
18	0	3	0	2	0	2	1	4	2	1	0	0	3	0	خوست
29	0	1	10	17	0	0	0	0	0	0	0	0	1	0	کنر
137	0	9	0	9	4	13	26	23	6	12	0	0	35	0	کندوز
64	0	1	0	22	0	2	13	14	0	0	0	0	3	9	لغمان
8	0	0	0	0	0	3	2	0	2	0	0	1	0	0	لورگر
204	1	19	0	70	9	22	19	25	0	0	0	4	23	12	ننگرهار
17	0	0	0	0	0	4	0	9	1	0	0	0	1	2	نورستان
21	0	2	0	0	0	0	0	7	0	1	0	2	9	0	پکتیکا
9	0	3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	6	0	پکتیا
24	0	0	0	2	0	2	0	3	1	4	0	0	10	2	پنجشیر
67	0	5	1	4	1	1	2	12	2	8	0	2	29	0	پروان
166	0	17	1	1	0	12	24	22	12	43	0	1	21	12	سمنگان
78	0	0	0	0	0	16	14	2	10	14	1	0	20	1	سر پل
158	0	20	8	25	0	30	17	8	4	12	1	0	32	1	تخار
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	لورزگان
38	1	2	0	11	1	0	1	2	1	1	0	0	8	10	وردک
142	0	18	0	0	0	18	11	3	31	28	0	6	27	0	زابل
2926	3	269	118	291	98	218	312	301	175	388	25	85	522	121	مجموع
100	0.1	9.2	4.0	9.9	3.3	7.5	10.7	10.3	6.0	13.3	0.9	2.9	17.8	4.1	فیصدی

سوال ۱- C --- کدام تشکیلات یا اشخاص را شما مسئول این حادثات یعنی تخطیها میشناسید؟

مجموع عوامل خارجی	عوامل خارجی														ولایت			
	غیره	غیره	غیره	القاعده	عربستان	ایران	پاکستان	امریکا	شوروی	همه احزاب	غیره	بی اتفاقی خود ما	تمام حکومت های افغانستان در ۲۲ سال	حکومت فعلی		طالبان	گروه های مجاهدین	کمونیست های داخلی
32	8	13	0	0	0	0	0	0	3	8	4	1	24	0	17	10	24	بدخشان
1	0	0	1	0	0	0	0	0	0	0	7	0	0	0	15	7	6	بادغیس
7	1	3	0	0	0	0	1	1	0	1	1	0	18	0	26	23	15	بغلان
137	61	14	0	1	0	0	0	0	0	61	13	0	68	0	51	0	34	بلخ
79	34	0	1	0	0	0	9	0	1	34	0	0	13	0	27	0	13	بامیان
61	10	1	0	0	0	10	10	10	10	10	0	0	20	0	13	11	4	فراه
119	19	0	0	0	0	0	31	19	31	19	0	0	51	0	68	76	68	فاریاب
37	10	0	9	2	0	1	1	1	3	10	1	0	8	0	31	1	31	غزنی
13	6	0	0	0	0	0	0	0	1	6	24	0	1	0	14	6	21	غور
19	9	0	0	0	0	0	0	0	1	9	0	0	8	0	8	0	10	هلمند
285	74	30	18	10	0	20	20	9	30	74	0	0	10	0	56	33	133	هرات
82	25	14	0	11	0	0	0	0	7	25	0	0	7	1	45	44	46	جوزجان
83	17	1	1	7	1	6	11	7	15	17	0	1	0	0	6	2	8	کابل
49	17	5	0	0	0	0	5	5	0	17	0	0	0	0	8	11	2	کندهار
13	0	0	0	0	0	2	4	2	5	0	0	1	0	0	0	1	6	کاپیسا
13	3	3	0	0	0	0	3	0	1	3	0	0	1	0	6	3	10	خوست
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	کنر
52	25	2	0	0	0	0	0	0	0	25	3	0	9	1	50	42	22	کندوز
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	لنجان
7	2	0	0	0	0	1	2	0	0	2	0	0	0	0	0	0	4	لوگر
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	ننگرهار
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	نورستان
6	0	0	0	0	0	1	2	0	3	0	0	0	1	0	0	0	1	پکتیکا
62	2	1	0	0	0	17	20	8	12	2	0	0	1	0	0	1	8	پکتیا
21	2	0	0	2	0	1	3	2	9	2	0	0	0	0	8	0	4	پنجشیر
82	5	1	1	1	1	4	15	17	32	5	0	1	1	0	6	1	6	پروان
235	53	10	17	17	17	17	17	17	17	53	1	0	26	0	82	2	43	سمنگان
12	0	10	0	0	0	0	0	0	2	0	0	0	15	0	36	22	2	سر پل
17	1	0	1	0	0	0	0	7	7	1	3	0	30	0	87	5	52	تخار
0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	اوزگان
10	5	0	0	0	0	0	0	0	0	5	2	0	0	0	17	0	11	وردک
139	28	27	0	0	0	0	18	0	38	28	0	0	33	0	0	0	36	زابل
1673	417	135	49	51	19	80	172	105	228	417	59	4	345	2	677	301	620	مجموع
100	24.9	8.1	2.9	3.0	1.1	4.8	10.3	6.3	13.6	24.9	2.3	0.2	13.5	0.1	26.5	11.8	24.3	فیصدی

سوال دوم - آیا فکر می کنید مردم افغانستان آنچه را که از سر گذرانده اند باید به خاطر داشته باشند و ثبت و حفظ نمایند؟ چرا؟

مجموع	دلایل خیر					دلایل بلی				ولایت	
	خیر	بلی	مجموع	اگر فراموش نشود باعث تکرار	عقده به وجود آمده و حس	مجموع	چون جنایات شان بسیار عظیم بوده	چشم پوشی از این جنایات خود نقص	جنایت کاران شناسائی شوند		جنایات تکرار نشود
	24	34	23	0	23	37	14	10	6	7	بدخشان
	0	11	0	0	0	27	0	0	13	14	بادغیس
	8	64	3	1	2	62	28	2	1	31	بغلان
	0	22	0	0	0	95	0	0	36	59	بلخ
	6	1	13	7	6	20	7	0	0	13	بامیان
	0	23	0	0	0	15	2	1	0	12	فراه
	0	76	0	0	0	124	0	13	43	65	فاریاب
	0	31	0	0	0	40	10	0	0	30	غزنی
	4	73	0	0	0	78	22	0	10	46	غور
	0	17	0	0	0	17	0	0	0	17	هلمند
	0	143	0	0	0	168	0	23	10	135	هرات
	0	60	0	0	0	60	0	0	0	60	جوزجان
	2	72	2	0	2	40	16	0	1	23	کابل
	0	17	0	0	0	16	0	0	8	8	کندهار
	0	20	0	0	0	10	0	0	0	10	کاپیسا
	6	34	6	6	0	14	0	0	0	14	خوست
	0	10	0	0	0	10	0	0	0	10	کنر
	11	86	17	7	10	75	5	15	3	52	کندوز
	0	42	0	0	0	22	0	0	10	12	لغمان
	4	3	0	0	0	0	0	0	0	0	لوگر
	2	69	4	0	4	56	0	12	22	22	ننگرهار
	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	نورستان
	7	1	0	0	0	11	0	0	0	11	پکتیکا
	0	25	2	2	0	14	0	0	0	14	پکتیا
	5	26	0	0	0	17	0	0	0	17	پنجشیر
	3	48	3	2	1	12	0	2	1	9	پروان
	0	56	0	0	0	65	10	0	0	55	سمگان
	0	11	0	0	0	28	0	0	0	28	سرپل
	6	55	1	0	1	85	15	10	13	47	تخار
	0	0	0	0	0	16	0	0	0	16	وردک
	0	44	0	0	0	68	0	0	0	68	زابل
1262	88	1174	74	25	49	1299	129	88	177	905	مجموع
	7.0	93.0	100.0	33.8	66.2	100.0	9.9	6.8	13.6	69.7	فیصدی

سوال ۳- A از نظر شما چه چیزهایی عدالت را تامین می کنند؟

صدای مردم برای تامین عدالت

ولایت	عرصه اجتماعی			عرصه دولت داری					عرصه سیاسی			عرصه حقوقی		عرصه اقتصادی		مجموع	
	آزادین، رفین، تبعیضات قومی	گذاشته و کدورت‌ها باید فراموش شود	عشمت را در نظر داشته باشد	خارج سلاح	امنیت	حاکمیت قانون عادل	سپردن کار به اهل کار	اصلاح قضائی و اداری	انتخابات واقعی	همکاری ملت با دولت	مداخلات خارجی از بین رفتن	اعاده حقوق ضایع شده	عدالانه مجرمین بازرسی و محاکمه	بازرسی و محاکمه	سبکدوش ساختن جنایت کاران		کار و معاش مناسب
بدخشان	7	0	0	17	3	38	20	7	0	0	9	4	6	0	0	0	112
بادغیس	1	1	0	2	1	13	2	0	0	0	1	0	0	0	0	1	22
بغلان	22	2	0	50	12	44	13	0	11	0	1	6	16	1	27	0	205
بلخ	36	0	0	54	36	26	33	0	0	3	2	50	46	0	41	0	327
بامیان	13	4	0	25	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	43
فراه	2	0	0	31	11	11	3	0	10	0	0	10	0	0	12	15	105
فاریاب	23	0	0	2	1	16	33	11	0	0	11	13	1	0	0	0	131
غزنی	22	1	0	1	8	6	5	0	1	0	2	0	0	0	0	0	47
غور	10	0	0	11	1	36	0	0	0	0	13	23	0	0	0	0	94
هلمند	0	0	0	12	11	21	12	0	0	0	0	19	1	1	26	17	119
هرات	35	0	0	67	83	154	55	0	0	11	0	10	0	0	83	22	520
جوزجان	29	0	0	56	13	58	38	0	0	0	0	37	12	0	11	11	265
کابل	12	2	0	8	13	12	19	2	2	0	2	10	4	0	0	0	86
کندهار	8	0	0	8	0	9	17	0	8	0	0	8	9	0	8	0	75
کاپیسا	1	0	0	1	1	11	10	1	10	0	10	0	0	0	0	0	35
خوست	0	0	0	10	1	11	0	0	0	0	10	7	0	0	18	11	68
کنر	0	0	0	10	10	0	10	0	0	0	10	20	10	0	10	0	70
کندوز	41	7	0	13	3	27	54	10	11	0	26	9	0	0	5	1	207
لنجان	0	0	0	32	22	10	54	0	0	0	0	22	0	0	56	0	196
لوتگر	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
ننگرهار	10	0	0	50	19	44	120	0	22	0	0	58	24	0	115	10	472
نورستان	0	0	0	12	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	12	0	24
پکتیکا	0	0	0	0	0	4	0	0	1	0	0	7	0	0	0	1	13
پکتیا	0	0	0	0	0	10	0	0	0	0	0	0	0	0	2	0	18
پنجشیر	15	1	1	9	1	3	4	0	1	0	1	0	0	1	0	0	46
پروان	1	1	0	5	9	10	1	0	1	1	0	11	1	0	0	0	41
سمنگان	22	0	0	19	1	10	57	0	0	0	0	29	0	0	35	17	190
سر پل	1	1	0	12	0	25	25	0	0	0	1	27	0	0	1	0	93
تخار	45	1	0	9	0	40	3	1	0	2	27	19	7	3	0	0	157
وردک	6	0	0	3	12	0	1	0	0	0	0	0	0	4	1	0	27
زابل	18	0	0	26	37	36	51	8	0	0	9	42	0	0	53	0	280
مجموع	380	21	1	555	316	685	640	40	32	16	115	441	101	54	517	105	4088
فیصدی	9.3	0.5	8.3	13.6	7.7	16.8	15.7	1.0	0.8	0.4	2.8	10.8	2.5	1.3	12.6	2.6	108.3

سوال ۳- B برای شما چقدر اهمیت دارد که مسئولین بی عدالتی‌ها جوابگوی اعمال شان باشند؟

ولایت	عفو شوند				اهمیت دارد				مجموع	
	خونبهای کشته شدگان و ضرر معیوبین مجرا	قدرت از مجرمین سلب شده و جانی برایشان در حکومت های آینده نباشد	از رشد دوباره جرائم جلوگیری شود	جفای شان بس بزرگ و فراموش ناشدنی است	نظامی که بر محکمه استوار نباشد نظام عادل نمیباشد	لذتی که در عفو است در انتقام نیست	اگر همه متهمین محکمه شوند کمتر کسی برأت می یابد	نها کسانی که جرم شان سنگین است محکمه شوند		غیره
بدخشان	12	0	0	24	0	4	0	2	5	47
بادغیس	0	0	12	0	0	0	0	0	0	12
بنگلان	2	1	19	41	1	0	1	1	3	69
بلخ	21	0	86	0	0	0	0	0	0	107
بامیان	0	13	25	7	0	0	0	0	25	70
فراه	0	10	11	0	0	0	0	0	1	22
فاریاب	51	0	21	0	0	0	0	0	1	73
غزنی	2	6	11	12	0	0	0	0	0	31
غور	1	0	0	11	0	0	0	0	12	24
هلمند	0	0	0	0	0	0	0	0	8	8
هرات	0	13	58	45	0	0	0	0	76	192
جوزجان	0	0	51	10	0	0	0	0	0	61
کابل	13	0	20	2	5	2	1	1	1	44
کندهار	9	17	0	0	0	0	0	0	0	26
کاپیسا	3	1	2	1	0	1	0	1	0	9
خوست	0	0	0	0	0	0	0	0	10	10
کنر	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
کندوز	37	4	45	8	7	0	0	0	0	103
لغمان	0	0	30	0	0	0	0	0	20	50
لوگر	0	1	1	0	0	0	0	0	1	5
ننگرهار	0	0	20	0	0	0	0	0	32	65
نورستان	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
پکتیکا	0	0	0	0	0	0	0	0	1	1
پکتیا	0	0	0	0	0	0	0	0	4	7
پنجشیر	10	2	0	0	0	0	0	0	0	12
پروان	22	0	0	10	0	0	0	0	0	32
سمنگان	0	0	56	0	0	11	11	0	0	78
سر پل	0	10	15	0	0	0	0	0	0	26
تخار	44	0	28	21	10	3	0	3	1	110
وردک	0	0	6	0	0	0	0	0	0	6
زابل	18	0	62	0	0	0	0	0	25	105
مجموع	245	78	579	192	23	21	13	28	226	1405
فیصدی	17.4	5.6	41.2	13.7	1.6	1.5	0.9	2.0	16.1	100.0

سوال ۴ - B چه اقداماتی میتواند موثر باشد که اعتماد بین مردم افغانستان به میان آید؟

مجموع	غیره	خلع سلاح						عدالت					ولایت
		درس گرفتن از اشتباهات	جلوگیری از دخالت ممالک بیگانه	صداقت بین مردم و دولت	افزایش سطح سواد	سپردن کار به اهلس	باز سازی عادلانه	تطبیق عادلانه قانون	جنايتکاران جنگی از پستهای مهم دولتی برطرف	حقوق اسلامی زنان در نظر گرفته شود	صلح و امنیت	از بین رفتن تبعیضات قومی و مذهبی	
115	4	0	12	11	18	0	22	7	11	2	5	23	بدخشان
91	0	0	0	11	0	12	11	11	0	0	23	23	بادغیس
124	17	2	17	4	17	2	0	1	1	0	16	47	بنغلان
175	24	0	0	2	0	36	0	46	33	0	0	34	بلخ
20	1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	19	بامیان
45	4	0	0	11	3	2	0	2	0	0	13	10	فراه
121	32	0	13	13	0	9	11	11	0	0	0	32	فاریاب
60	11	0	0	1	7	7	0	7	0	0	5	22	غزنی
77	13	0	10	14	0	2	2	10	2	0	1	23	غور
68	17	0	0	9	0	0	0	17	8	0	17	0	هلمند
434	118	0	37	32	32	0	0	31	0	0	66	118	هرات
213	50	0	23	21	0	49	0	60	0	0	0	10	جوزجان
28	3	1	1	4	0	4	0	3	5	0	3	4	کابل
51	8	0	8	0	0	9	0	9	9	0	0	8	کندهار
13	0	1	0	1	1	0	0	0	0	0	0	10	کاپیسا
40	21	0	0	0	2	4	0	0	0	0	10	3	خوست
50	20	0	0	0	10	0	0	0	10	0	10	0	کنر
135	5	5	5	16	1	7	2	16	0	0	9	69	کندوز
190	44	0	42	0	10	20	0	10	0	0	22	42	لنجان
8	0	0	1	0	0	1	1	3	0	0	1	1	لوگر
329	118	0	0	0	10	54	0	18	30	0	49	50	ننگرهار
63	25	0	0	0	25	0	0	0	0	0	13	0	نورستان
3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	3	پکتیکا
16	8	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	8	پکتیا
4	0	0	0	2	0	0	0	1	0	0	0	1	پنجشیر
26	1	0	0	0	4	0	0	8	0	0	11	2	پروان
156	35	1	0	0	10	45	1	11	0	0	18	35	سمنگان
54	0	0	0	0	0	12	0	1	0	0	15	26	سر پل
134	6	3	4	19	11	16	15	20	0	0	2	38	تخار
3	1	0	0	0	2	0	0	0	0	0	0	0	وردک
187	50	0	0	26	0	41	0	8	0	0	9	53	زابل
3033	636	13	173	197	163	332	65	311	109	2	318	714	مجموع
100	21.0	0.4	5.7	6.5	5.4	10.9	2.1	10.3	3.6	0.1	10.5	23.5	فیصدی

